روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی
یکشنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۴
۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۷ | ۱۴ دسامبر ۲۰۲۵
شماره ۸۲۱
۸۰۰۰ تومان

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir

کلکسیون رانت در بازار نهاده

صفحه ۰۸

بازگشت صنعت به مدار رکود

۳

رژه بورس در مرز حساس

۵

بازارهای تازه برای نفت ایران

۷

۵ بازی، ۵ گل؛ این استقلال من نیست

بازسازی دوباره دیوار برلین

دکتر پویا جبل‌عاملی
اقتصاددان

سی و شش سال پیش فروریختن یک‌باره دیوار برلین، نماد پیروزی اقتصاد آزاد بر جهان بســـته کمونیسم بود. جایی که لیبرالیسم کلاسیک مبتنی بر حکومت قانون، احترام به فرد، مالکیت خصوصی، بازارهای باز، دولت کوچک، آزادی سیاسی، مبادله بدون مانع کالاها و نیروی انسانی بر اقتصاد دستوری، توتالیتاریسم حزبی و فردی، دولت حداکثری و مالکیت جمعی پیروز شـــد. جایی که فقر و بدبختی و آینده بدون چشم‌انداز صدهامیلیون انســـان به یک‌باره با پیوند خـــوردن با اقتصاد جهانی دگرگون شد.

در پی این پیروزی و تحول شگرف بود که برخی از متفکران به پایان تاریخ فکر کردند و آن را به لیبرالیســـم هدیه دادند. وقتی میلیون‌ها انسان طعم آموزه‌های لیبرالیسم را می‌چشند؛ چرا این انتهای تاریخ نباشد؟ با این حال کمتر از دو دهه بعد و با اولین سیکل رکودی اقتصاد جهانی در ســـال ۲۰۰۸، زنگ پایان تاریخ به صدا درآمد! زنگ پایانی که دو گروه عمده علیه لیبرالیسم برپا کردند. دو گروهی که شاید از خیلی جهات علیه یکدیگر باشـــند؛ اما نقطه اشتراک آنان دشمنی با لیبرالیسم کلاسیک اســـت. اولی با رد لیبرالیسم با همان ریشه قدیمی سوسیالیســـتی، آن‌چنان‌که در جنبش‌های مختلف از اشغال وال‌استریت تا اعتراضات کارگری و دانشجویی در سراسر دنیا شاهدش بودیم و دومی اما با خالی کردن محتوای لیبرالیسم از معنا، در لباس پوپولیسم و راست افراطی. این دسته به‌خصوص از نیمـــه دهه ۲۰۱۰ و با تنش‌های مهاجرتی ناشی از جنگ‌ها مانند جنگ داخلی سوریه به اوج رسیده و تقریبا همه کشورها را دربرگرفته است؛ از حزب اصلاحات بریتانیا، آلترناتیو آلمان، اجتماع ملی فرانســـه و... در اروپا تا ترامپیست‌ها در آن سوی اقیانـــوس اطلس. افکار و احزابی که تـــا یک دهه پیش هیچ دســـتاوردی نداشـــتند، امروز بیش از هر زمان دیگر در حال به‌دست‌گیری قدرت اجرایی در کشورهای توسعه‌یافته هستند.

لیبرالیســـم با فروپاشی دیوار برلین یک‌بار در برابر اولی به پیروزی تاریخی رسید؛ اما این‌بار دومی اســـت که در حال بنا کردن دیواری تازه اســـت. دیواری که تقریبا همه خصوصیات لیبرالیسم را به چالش می‌کشد؛ اما مزورانه داعیه دولت کوچک و بازار آزاد را دارد.سنگ بنای دنیای امروز محصول تفکر لیبرالیسم کلاسیـــک در قرن نوزدهم بود که مبتنی بـــر تجارت آزاد و مهاجرت بدون هیچ‌گونه مداخله دولتی بود. آمریکا سرزمین آرزوهای بسیاری افراد در دنیا بود که می‌خواستند زندگی‌شان را بسازند. ساختن زندگی مهاجر، ساختن کشوری پیشرفته بود. تفاوتی نمی‌کرد شما یهودی شرق اروپا باشی یا نژاد زرد چین و ژاپن. سوار بر کشتی می‌توانستی در سرزمینی بیگانه زندگی خود را بسازی؛ البته نه کمک دولتی بود و نه یارانه؛ باید روی پای خود می‌ایستادی و این چیزی بود که کشور میزبان از تو می‌خواست. اگر امروز لندن و نیویورک شهرهای چندنژادی و عجین‌یافته با مذاهب مختلف است، از همین رویکرد لیبرالی حاصل شده اســـت. اگر در یکی صادق خان و در دیگری ممدانی شهردار می‌شود، میراث راستین لیبرالیسم را به رخ می‌کشند. تنها در لیبرال دموکراسی است که یک مهاجر مسلمان سوسیالیست می‌تواند شهردار شهری شود که نماد سرمایه‌داری است. این خود افتخار لیبرال‌هاســـت که اجازه می‌دهند مخالفانشـــان حضور داشته باشند و خود را به رای گذارند. ای‌بسا چند سالی که گذشـــت و ملت نتایج سیاست‌هایشان را دیدند، چشم از آنها بردارند. اما این حق شـــناخت مخالف من است که ارزش آزادی‌خواهی را نشان می‌دهد. اگر در این کشورها از بت‌پرست و مسلمان می‌توانند آشکارا هویت مذهبی خود را بروز دهند، از رواداری لیبرالیسم است. محوری که این انسان‌ها را دور هم جمع کرده است، احترام به حقوق و آزادی فردی است. اما باز این داستان در حال تغییر است و پوپولیست‌ها می‌توانند این دستاوردهای یگانه تاریخ را به یغما ببرند.

راست افراطی در اغلب کشورها با تجارت آزاد مخالف است، با مهاجران که ابدا سر سازگاری ندارد و رواداری لیبرالیست‌های کلاسیک را خیانت به فرهنگ غربی می‌داند! راســـت افراطی مشـــتاق کشیدن دیوارهای بزرگ در کشورشان هستند. آنان تاب دیگری را ندارند. باورهایی در مقابل لیبرالیسم. باورهایی مبتنی بر جمع‌گرایی و عجیب که بعضا خود را وامدار لیبرالیسم می‌دانند. ادعای آنان برای این وامداری دولت کوچک و احترام به بخش خصوصی است. هرچند اینها تنها بخشی از رویکرد لیبرالیسم است و اصولا راست افراطی با تکیه بر اینها و در عین حال مخالفت با رواداری و تجارت آزاد، ســـازه ناسازگاری را به مخاطب می‌فروشد. اما در همین زمینه‌ها نیز فریبکارانه عمل می‌کنـــد. به عبارت دیگر، دولت کوچک برای این گروه یعنی جا باز کردن برای فعالیت اقتصادی گروه‌های وابسته به خود از طریق محدودسازی حکومت قانون تا جای ممکن. آن‌چنان‌که عملکرد ترامپ در ایالات متحده به نمایش گذارده است.

فعالان اقتصادی نزدیک به حزب جمهوری‌خواه می‌توانند از نهادهـــای دولتی بهره ببرند و آنان که خارج از این منظومه هستند تا جای ممکن تحت فشار ابزار کاخ سفید قرار می‌گیرند. تا جایی که ایلان ماسک می‌تواند به همه اطلاعات دسترسی داشته باشد و در دولت نقش ایفا کند و وقتی از چشم می‌افتد، ترامپ شخصا او را تهدید می‌کند که شرکت‌هایش از اقدامات دولت مصون نخواهد بود! البتـــه که هنوز حکومت قانون در آن کشـــور به قوامی هست که جلوی ترامپیست‌ها بایستد اما مساله رویکرد مجریان اســـت و در عین حال معکوس شدن روندی که میراث لیبرالیســـم بوده است. بنابراین در دید این گروه‌های افراطی، بازار آزاد آن چنان نیز آزاد نیســـت. اولا این بازار باید در دست خویشان سیاسی آنها باشد و ثانیا در جدال میان بازار و دولت انتخابی آنان، این دولت است که باید دست بالا را داشته باشد.

نسخه‌جدید برای تجارت

بهینه‌سازی مصارف ارزی به یکی از چالش‌های کلیدی در حوزه بازرگانی خارجی و واردات کشور بدل شده است....

صفحه ۲

راه‌عبور از ترافیک تارعنکبوتی

در سال ۱۹۹۶، بانک جهانی اعلام کرد؛ دوچرخه، مانند سایر شیوه‌های حمل‌ونقل غیرموتوری...

صفحه ۴

رونق موقت خودروسازی؟

شـــامخ خودرو در هفتمین ماه از ســـال به ۵۸.۵ واحد رسید تا بیشترین میزان را طی یک سال گذشته به‌نام خود....

صفحه ۶

بازگشت صنعت به مدار رکود

کریم حسن پور – شاخص مدیران خرید بخش صنعت در آبان‌ماه ۱۴۰۴ با ثبت عدد ۴۹.۹ بار دیگر به زیر مرز خنثی بازگشته‌است.

گزارش شامخ آبان‌ماه منتشرشده از سوی اتاق بازرگانی ایران، نشان می‌دهـــد روند بهبود کوتاه‌مدت بخش تولید متوقف شـــده و صنعت مجددا در مسیر رکودپیشین قرار گرفته است. در سال جاری، شاخص مدیران خرید بخش صنعت طی ۵ماه ابتدایی ســـال به‌صورت متوالی در محدوده رکودی قرار داشـــت و شدت رکود به‌تدریج افزایش یافت. کاهش قطعی‌های برق در شهریورماه و بازگشت بخشی از ظرفیت‌های خالی تولید به مدار فعالیت، موجب شد شامخ برای دو ماه متوالی بالای مرز ۵۰ قرار گیرد. با این حال، در آبان این روند متوقف شده‌اســـت و فعالان صنعتی بار دیگر با تردیدهایی جدی نســـبت به پایداری روند بهبود روبه‌رو شده‌اند. علاوه بر این، آمارهای اقتصادی نیمه اول ۱۴۰۴ با ثبت رشد منفی ۱.۱ درصد در زیر بخش تولید صنعتی و رشد کلی اقتصادی تنها ۰.۱درصد (با احتساب نفت) و منفی ۰.۵ درصد (بدون نفت)، به‌طور دقیق با داده‌های شامخ صنعت هم‌راستا است.

افت سفارشات جدید، کاهش موجودی مواد اولیه و کاهش استخدام‌ها از جمله عواملی هستند که فشار مضاعفی به تولید و سرمایه‌گذاری وارد کرده و به شـــکل‌گیری رکود عمیق‌تر در صنعت دامن زده‌اند. در همین راستا، شاخص کل اقتصاد نیز در آبان عدد ۴۶.۶را ثبت کرده، که برای بیستمین ماه متوالی زیر مرز ۵۰ قرار گرفته است. طبق معیار این شاخص کـــه در بازه ۰ تا ۱۰۰ قرار دارد، عدد ۵۰ به معنای عدم تغییر وضعیت است، ارقامی بالاتر از ۵۰ نشانه بهبود و مقادیر پایین‌تر از ۵۰ نشان‌دهنده تشدید رکود هستند.

ایست تولید در سایه اختلال زنجیره تامین

بررسی شاخص مدیران خرید بخش صنعت در آبان‌ماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که اگرچه عدد کلی شاخص با ثبت ۴۹.۹در محدوده مرزی خنثی قرار گرفته، اما ترکیب مؤلفه‌ها عدم پایداری در صنعت را ترسیم می‌کند. بازگشت شاخص به زیر مرز ۵۰ پس از دو ماه ثبات نسبی، نشان‌دهنده آن اســـت که صنعت کشور هنوز موفق به خروج پایدار از رکود نشده و بهبودهای اخیر بیش از آنکه ریشـــه‌دار باشند، موقتی بوده‌اند. در بخش مولفه‌های اصلی، شاخص مقدار تولید محصولات در بخش صنعت با عدد ۵۰.۱و شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان با عدد ۵۰.۳ دقیقا در آستانه خنثی قرار دارند. این وضعیت بیانگر آن است که تولید و تقاضای جاری صرفا در سطح حفظ فعالیت حداقلی بنگاه‌ها جریان دارد و نشانه‌ای روشـــن از افزایش تولید یا ورود به فاز رونق مشاهده نمی‌شود. به بیان دقیق‌تر، صنعت در وضعیت ایست تولید قرار دارد؛ وضعیتی که در آن نه افت قابل‌توجهی در سطح فعالیت‌ها مشاهده می‌شود و نه نشانه‌ای روشن از شکل‌گیری بازگشتی پایدار به چشم می‌خورد.

در مقابل، مؤلفه‌های پشتیبان تولید وضعیت به‌مراتب نگران‌کننده‌تری دارند. شاخص موجودی مواد اولیه خریداری‌شده با ثبت عدد ۴۵.۴، برای بیست‌ویکمین ماه متوالی در محدوده رکودی باقی مانده است. استمرار این روند کاهشی از اختلال در زنجیره تامین صنعت حکایت دارد؛ اختلالی که تحت‌تاثیر جهش نرخ ارز، افزایش شدید قیمت مواد اولیه و وقفه‌های طولانی در تخصیص ارز تشدید شده و مستقیما توان برنامه‌ریزی و تداوم تولید بنگاه‌ها را تضعیف کرده است. کاهش موجودی مواد اولیه، علاوه بر محدود کردن تولید جاری، افق تولید ماه‌های آینده را نیز با عدم قطعیت جدی مواجه کرده است.

احتیاط تولیدکنندگان صنعتی

بازار کار بخش صنعت نیز همسو با این تحولات، همچنان در وضعیت ناپایداری قرار دارد. شاخص میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی با ثبت عدد ۴۸.۴برای چهاردهمین ماه متوالی زیر مرز خنثی قرار گرفته و بیانگر تداوم احتیاط بنگاه‌های صنعتی در جذب نیروی جدید است. کاهش فروش، افزایش هزینه‌های تولید و محدودیت منابع مالی، دامنه تصمیم‌گیری بنگاه‌ها در حوزه نیروی انســـانی را محدود کرده است. در عین حال، افت دســـتمزد واقعی در نتیجه تورم بالا، انگیزه نیروی کار را کاهش داده و در برخی صنایع به تشدید کمبود نیروی انسانی ماهر منجر شده است؛ عاملی که در صورت تداوم می‌تواند بر بهره‌وری صنعتی اثرگذار باشد.

در ســـمت بازار، شاخص میزان فروش محصولات با عدد ۴۶.۲ وارد محدوده رکودی شـــده و پایین‌ترین سطح ۴ ماه اخیر را نشان می‌دهد. این وضعیت حاکی از آن است که تقاضای بازار هنوز توان جذب کامل تولیدات موجود را ندارد. در بخش تجارت خارجی نیز شـــاخص میزان صـــادرات کالا با ثبت عدد ۴۵.۹در محدوده رکودی باقی مانده و ضعف صادرات محصولات صنعتی را نشان می‌دهد. فعالان صنعتی، مشکلات رفع تعهد ارزی، نوسانات نرخ ارز و نااطمینانی سیاستی را از عوامل اصلی محدودکننده صادرات عنوان می‌کنند؛ عواملی که کارکرد جبرانی صادرات در برابر ضعف بازار داخلی را کاهش داده است.

تداوم فشار هزینه‌ها بر بنگاه‌های صنعتی یکی از ویژگی‌های شاخص وضعیت صنعت در آبان‌ماه به شـــمار می‌رود. شاخص قیمت خرید مواد اولیه با عدد ۷۷.۳ و شاخص قیمت محصولات تولیدشده با عدد ۷۰ نشان می‌دهد کـــه افزایش هزینه‌ها تا حد زیادی به قیمت نهایی محصولات منتقل شده است. هرچند این تعدیل قیمتی برای بنگاه‌ها اجتناب‌ناپذیر بوده، اما هم‌زمان قدرت خرید بازار را محدود کرده و بر روند فروش اثر منفی گذاشته است.

در این میان، ثبت شـــاخص ســـرعت انجام و تحویل سفارشات با عدد۵۳.۵ لزوما به معنای بهبود بنیادین عملکرد صنعت نیست. بهبود این شـــاخص می‌توانـــد تا حدی ناشی از کاهش حجم ســـفارش‌ها و سطح پایین‌تر فعالیت تولیدی نیز باشد؛ به‌گونه‌ای که با کاهش تراکم ســـفارش‌ها، فرآیند تحویل با سرعت بیشتری انجام می‌شود. با وجود این شرایط، شاخص انتظارات تولید در ماه آینده با ثبت عدد ۵۸.۱ در محدوده خوش‌بینانه قرار دارد. این انتظارات بیش از آنکه بر بهبود پایدار متغیرهای بنیادین تولید و تقاضا استوار باشد، به امید ثبات کوتاه‌مدت و کاهش برخی محدودیت‌ها شـــکل گرفته است. با این حال، نوسانات نرخ ارز، اخـــتلال در زنجیره تامین و ضعف تقاضا همچنان می‌توانند بر پایداری این خوش‌بینی اثرگذار باشـــند. در مجموع، شامخ صنعت آبان۱۴۰۴ تصویری از صنعـــتی ارائه می‌دهد که بر لبه رکود حرکت می‌کند. توقف تولید و سفارشات در مرز خنثی، در کنار ضعف عمیق در موجودی مواد اولیه، بازار کار، فروش و صادرات، نشان‌دهنده کاهش تاب‌آوری بنگاه‌های صنعتی در برابر شوک‌های موجود است. بدون بهبود دسترسی به مواد اولیه، کاهش فشار هزینه‌ها و ایجاد ثبات در محیط تصمیم‌گیری، احتمال لغزش دوباره شاخص‌های مرزی به سمت رکود عمیق‌تر در ماه‌های آینده همچنان بالا خواهد بود.

مواجهه دائمی صنعت با چالش‌های اقتصادی و سیاستی

بررسی نتایج شـــاخص مدیران خرید و اظهارات فعالان اقتصادی نشان می‌دهد که رکود صنعت، بیش از آنکه ریشه در یک عامل خاص داشته باشد، حاصل هم‌زمانی اختلال در طرف عرضه، تضعیف تقاضای موثر و افزایش نااطمینانی در محیط تصمیم‌گیری است. در کانون این شرایط، ناکارآمدی سازوکارهای تخصیص ارز و تامین مالی قرار دارد که زنجیره تولید را در تمام حلقه‌ها با وقفه و ناپایداری مواجه کرده اســـت. یکی از برجسته‌ترین چالش‌های مطرح‌شده، عدم تخصیص به‌موقع و تاخیرهای طولانی در فرآیند تخصیص ارز است. تغییرات مکرر و ناگهانی مقررات، شکل‌گیری صف‌های طولانی، عملا امکان برنامه‌ریزی منســـجم برای تولید و واردات مواد اولیه را از بنگاه‌ها سلب کرده است. پیامد این وضعیت، نه‌تنها اختلال در ترخیص کالا، بلکه افزایش ریســـک توقف خطوط تولید و رشد هزینه‌های انبارداری و تامین جایگزین مواد اولیه بوده اســـت؛ عواملی که فشـــار مضاعفی بر هزینه تمام‌شده و تاب‌آوری بنگاه‌های صنعتی وارد کرده‌است.

در پی این اختلال ارزی، کمبود مواد اولیه و افزایش شـــدید قیمت نهاده‌ها به یکی از مشـــکلات صنعت تبدیل شـــده اســـت. جهش نرخ ارز، عرضه ناکافی برخی کالاها، انحصار در بازار برخی مواد اولیه و ناکارآمدی سهمیه‌بندی در سامانه‌های مرتبط، موجب شده بسیاری از واحدها ناچار به تامین نیاز خود از بازار آزاد با قیمت‌های بسیار بالاتر شـــوند؛ امری که مســـتقیما هزینه تمام‌شده تولید را افزایش داده و حاشیه سود بنگاه‌ها را محدود کرده‌است. هم‌زمان، نوسانات و بی‌ثباتی نرخ ارز به عامل تشدیدکننده رکود تبدیل شده است. بی‌ثباتی ارزی، علاوه بر افزایش هزینه تولید، موجب بی‌ثباتی قیمت‌ها، افزایش ریسک قراردادها و احتیاط بیش از حد تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شده است. نتیجه این وضعیت، تعمیق رکود بازار و کاهش محسوس تقاضای داخلی بوده است؛ به‌گونه‌ای که حتی افزایش قیمت محصولات به‌دلیل ضعف قدرت خرید خانوارها، به کاهش بیشتر فروش منجر شده است.

از منظر نهادی، بوروکراسی پیچیده و تغییرات مکرر مقررات در حوزه‌هایی نظیر ثبت‌سفارش، گمرک و بورس کالا، امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت را از بنگاه‌ها سلب کرده است. نوسان روزانه دستورالعمل‌ها و تعرفه‌ها، هزینه‌های مبادله را افزایش داده و نااطمینانی ساختاری را در محیط کسب‌وکار نهادینه کرده است. مشکلات وصول مطالبات و تاخیر در پرداخت‌ها، فشار مضاعفی بر نقدینگی تولیدکنندگان وارد کرده است. هم‌زمان، سخت‌گیری‌های پولی و محدودیت بانک‌ها در تامین اعتبار جدید، توان بنگاه‌ها رابرای تامین ســـرمایه در گردش به‌شـــدت کاهش داده و به افزایش چک‌های برگشتی و اختلال در بازپرداخت بدهی‌ها منجر شده‌است.

بازار کار نیز از این شرایط مصون نمانده است. کاهش انگیزه نیروی انسانی و کمبود نیروی ماهر، در کنار تعدیل نیرو طی ماه‌های اخیر، ریسک افزایش تدریجی بیکاری و افت بهره‌وری را بیشتر کرده‌است. همچنین کاهش دســـتمزد واقعی در سایه تورم بالا، توان جذب و نگهداشت نیروی متخصص را در بسیاری از صنایع تضعیف کرده است. در بخش تجارت خارجی، موانع صادراتی و دشواری رفع تعهد ارزی، به‌رغم کاهش ارزش ریال، مانع بهره‌برداری از ظرفیت‌های صادراتی شده است. تفاوت نرخ‌های سامانه‌ای و بازار آزاد، محدودیت‌های بانکی و نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک، ریسک فعالیت‌های صادراتی را افزایش داده و موجب افت بیشتر صادرات غیرنفتی شده است.

بازار کار بخش صنعت نیز همسو با این تحولات، همچنان در وضعیت ناپایداری قرار دارد.

جمع‌بندی و رهیافت سیاستی

قرار گرفتن شاخص مدیران خرید کل اقتصاد برای بیستمین ماه متوالی زیر سطح خنثی ۵۰ و بازگشت شاخص صنعت به مسیر کاهشی پس از دو ماه بهبود نسبی، نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در وضعیت رکود ساختاری قرار دارد. ضعف هم‌زمان در تولید، سفارشات جدید، موجودی مواد اولیه و اســـتخدام، نشـــانه کاهش اعتماد فعالان اقتصادی و تضعیف تاب‌آوری بنگاه‌ها در برابر شوک‌های ارزی، انرژی و مالی است.

هرچند افزایش شـــاخص انتظارات تولید در آبان‌ماه، عمدتا ناشی از رفع موقت محدودیت‌های انـــرژی بوده، اما فعالان اقتصادی این خوش‌بینی را مقطـــعی و ناپایدار ارزیابی می‌کنند. بی‌ثباتی نرخ ارز، ضعف تقاضای داخلی و ناکارآمدی سامانه‌های تخصیص ارز و تامین مواد اولیه، همچنان از اصلی‌ترین چالش‌های فعالان صنعتی تا پایان ســـال به شمار می‌روند. در مجموع، تغییر جهت پایدار در فضای کسب‌وکار و خروج از رکود، مستلزم ثبات در نرخ ارز، اصلاح نظام تخصیص ارز و سامانه‌های ثبت‌سفارش و بورس کالا، افزایش دسترسی بنگاه‌ها به نقدینگی تولیدی، تامین پایدار انرژی و ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در مقررات است. بازگرداندن اعتماد به فعالان اقتصادی و کاهش نااطمینانی، شرط لازم برای جلوگیری از تعمیق رکود و فراهم‌سازی بستر رشد پایدار در بخش صنعت خواهد بود.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
۲
یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۲۱
www.marzeghtesad.ir

طرح گازسوزی خودروها در آزمون استقبال عمومی

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در اطلاعیه‌ای از آغاز طرح تبدیل رایگان خودروهای شخصی مدل ۹۴ و بالاتر خبر داد؛ یعنی خودروهایی با ۱۰سال کارکرد حالا می‌توانند به‌طور رایگان گازسوز شوند. خودروهایی که حالا گام‌به‌گام به فرسودگی نزدیکتر می‌شوند.

به‌نظر می‌رسد که دولت در اجرای طرح‌های تشویقی برای گازسوزکردن خودرو یک گام جلوتر رفته‌است. اول شهریور ماه امسال مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از آغاز ثبت‌نام تبدیل رایگان خودروهای شخصی بنزین‌سوز به دوگانه‌سوز با مدل۹۷ به بالا خبر داده بود، اما در طرح جدید خودروهای بالای مدل ۹۴ در نظر گرفته‌شده‌اند که خودروهای بیشتری را شامل می‌شود. در این مورد می‌توان دو سناریو را مطرح کرد؛ یا طرح قبلی موفق بوده و دولت حالا می‌خواهد محصولات بیشتری را گازسوز کند و یا استقبال کافی از طرح قبلی انجام‌نشده و حالا سیاستگذار سعی کرده با بزرگ‌ترکردن بازه شمول طرح، خودروهای بیشتری را جذب کند. تحلیل روندها نشان می‌دهد که احتمال سناریوی دوم بیشتر است. برای قضاوت بهتر در این موضوع بهتر است معایب و مزایای دوگانه سوزکردن را برای صاحبان این خودروها بررسی کنیم تا ببینیم آیا گازسوزکردن رایگان خودروها انگیزه کافی را برای صاحبان آنها ایجاد می‌کند یا خیر.

در نگاه اول بزرگ‌ترین مزیتی که برای آنها می‌توان متصور شد استفاده از سوخت ارزان‌تر است. هر مترمکعب گاز CNG اکنون به قیمت ۵۷۰تومان فروخته می‌شود، قیمت بنزین سهمیه‌ای نیز به هزار و ۵۰۰تومان و بنزین غیرسهمیه‌ای به سه‌هزار تومان می‌رسد. گرچه از نظر درصد اختلاف، شکاف قابل‌توجهی دیده می‌شود اما در نهایت اختلاف قیمت آنها به هر لیتر هزار یا دوهزار و ۴۰۰تومان (سهمیه آزاد) می‌رسد که اساسا هزینه قابل‌توجهی به‌نظر نمی‌رسد، در واقع قیمت بنزین در ایران به دلیل یارانه سنگینی که به آن تعلق می‌گیرد، بسیار پایین است و بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که به‌جای گازسوزکردن خودرو و آسیب به آن از بنزین یارانه‌ای استفاده کنند، بنابراین تفاوت قیمت بین بنزین و گاز وجود دارد اما به‌قدری نیست که انگیزه زیادی برای افراد در راستای گازسوزکردن خودروی خود بدهد.

اما در گازسوزکردن خودرو، مهم‌ترین ایرادی که بسیاری از مالکان تجربه کرده‌اند، کاهش فضای مفید خودرو است. نصب کپسول گاز در صندوق عقب، به‌ویژه در خودروهای سواری کوچکتر بخش قابل‌توجهی از فضای بار را اشغال می‌کند. برای خانوادهایی که از خودرو در سفرهای جاده‌ای استفاده می‌کنند، این موضوع یک مشکل جدی است و عملا بخشی از کارکرد اصلی خودرو را از بین می‌برد. از سوی دیگر، سیستم دوگانه‌سوز معمولا باعث افت محسوس توان موتور می‌شود. موتورهایی که برای مصرف بنزین طراحی شده‌اند، هنگام استفاده از گاز طبیعی دچار کاهش شتاب و کشش می‌شوند. برخی رانندگان حتی پس از مدتی استفاده، ترجیح می‌دهند مجددا از بنزین استفاده کنند، چون عملکرد خودرو با گاز رضایت‌بخش نیست.

محدودیت بعدی، کمبود ایستگاه‌های CNG در سطح شهرها و جاده‌هاست. با وجود گذشت بیش از دو دهه از آغاز طرح گازسوزی در ایران، هنوز زیرساخت سوخت‌رسانی متناسب با رشد تعداد خودروهای گازسوز توسعه نیافته‌است. در بسیاری از شهرها، تعداد ایستگاه‌ها انگشت‌شمار است و صف‌های طولانی به‌ویژه در ساعات اوج تردد دیده می‌شود. همین مشکل موجب می‌شود رانندگان برای پرکردن کپسول وقت زیادی را صرف کنند، درحالی‌که بنزین تقریبا در هر نقطه‌ای به‌راحتی در دسترس است. با در نظر گرفتن مجموع این عوامل می‌توان گفت که تفاوت قیمت چندان کارکردی برای رشد انگیزه افراد برای گازسوزکردن خودرو ندارد.

مدت گارانتی خودرو تغییر کرد

پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات منفصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخشنامه که از سوی معاون فنی گمرک به گمرکات اجرایی کشور ابلاغ‌شده، ترخیص قطعات منفصله مربوط به فصل۹۸ با اخذ تعهدنامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز شناخته شده‌است. در این دستور تاکیدشده؛ واردکنندگان قطعات باید تعهد دهند در صورت هرگونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، مسوولیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره۶ قانون خودرو ارسال کنند تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود.بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایطی اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود؛ ترخیص قطعات منفصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعات ارزش موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش پایه کالاهای وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس کد تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است،در واقع گمرک از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند.

نسخه جدید برای تجارت

مریم لطفی –بهینه‌سازی مصارف ارزی به یکی از چالش‌های کلیدی در حوزه بازرگانی خارجی و واردات کشور بدل شده است. این چالش در سایه «شرایط نامساعد اقتصادی و تشدید مداوم تحریم‌های حاکم بر اقتصاد ایران»، «رشد قابل توجه بهای ارز»، «پیشی گرفتن سیاست‌های ارزی بر تجاری» و همچنین «ایجاد صف طولانی برای واردات با هدف بهره‌مندی از فاصله قیمتی میان نرخ ارز در بازار رسمی و غیررسمی» ایجاد شده است.

بهینه‌سازی مصارف ارزی به یکی از چالش‌های کلیدی در حوزه بازرگانی خارجی و واردات کشور بدل شده است. این چالش در سایه «شرایط نامساعد اقتصادی و تشدید مداوم تحریم‌های حاکم بر اقتصاد ایران»، «رشد قابل‌توجه بهای ارز»، «پیشی گرفتن سیاست‌های ارزی بر تجاری» و همچنین «ایجاد صف طولانی برای واردات با هدف بهره‌مندی از فاصله قیمتی میان نرخ ارز در بازار رسمی و غیررسمی» ایجاد شده است. به بیان دقیق‌تر بهینه‌سازی مصارف ارزی یکی از سیاست‌هایی است که از سوی دولت با هدف کنترل بازار و استفاده موثر از منابع ارزی اجرایی می‌شود تا از هدررفت ارز جلوگیری شود. هرچند این سیاست در عمل نتیجه‌بخش نبوده و بیشتر به بستری برای امضاهای طلایی و توزیع رانت تبدیل شده است. مواجهه با این چالش جدی اقتصادی در سایه اصلاح سیاست‌های کلان اقتصادی به‌خصوص در حوزه ارزی ممکن است.

سیاست‌های ارزی کشور در سال‌های اخیر به استراتژی‌های حاکم بر حوزه تجارت خارجی ارجحیت یافته‌اند. همین اولویت‌بخشی به سیاست‌های ارزی نیز به تدوین قوانین و مقررات متعدد و ناکارآمدی در حوزه بازرگانی خارجی منتهی شده است. در این میان سیاست «بهینه‌سازی مصارف ارزی» در شرایطی اجرایی می‌شود که گاهی مسوولان وزارت صمت به صراحت نسبت به آن انتقاد می‌کنند. محمدعلی دهقان دهنوی رئیس سازمان توسعه تجارت در شهریور ماه امسال در نشستی با حضور فعالان عرصه تولید و تجارت گفت: «من از روز اول با طرح بهینه‌سازی مصارف ارزی مخالف بودم و روش آن را درست نمی‌دانم. نظر ما این است که بهینه‌سازی مدتی متوقف شود تا اشکالات آن رفع شود اما کمیته ارزی معتقد است که در حین اجرا اشکالات رفع شود.» جلوگیری از ایجاد انحصار یکی دیگر از راهکارهایی است که با هدف بهینه‌سازی مصارف ارزی در دستور کار قرار گرفته است.

انحصارزدایی ارزی

در روزهای گذشته سقف ۳۳ درصدی برای جلوگیری از انحصار ارزی بازرگانان تعیین شد و تخصیص ارز بر اساس کد کالا و با توجه به سوابق سه ساله واردات بازرگانان انجام می‌شود. گلنار نصرالهی مشاور وزیر صمت این سهمیه‌بندی را راهکاری برای توزیع عادلانه‌تر منابع ارزی دانست و افزود: «فرایند سهمیه‌بندی ارزی از سال ۱۴۰۲ آغاز شده و امسال با محدودتر شدن منابع ارزی مدیریت سهمیه‌ها با دقت بیشتری دنبال می‌شود.»

هفته گذشته نیز در جریان نشست تخصصی بهینه‌سازی مصارف ارزی که در اتاق بازرگانی ایران برگزار شد، اجرای سیاست تعیین سقف تخصیص ارز مورد توجه قرار گرفت. محدودیت در تخصیص سهمیه‌های ارزی وزارت صنعت، معدن و تجارت یکی از مهم‌ترین دلایلی است که به مدیریت منابع ارزی کشور منتهی شده است. از سال ۱۴۰۲ هر وزارتخانه بر اساس ضوابط موجود، ارز را بین متقاضیان تقسیم می‌کند. واحدهای تولیدی و بازرگانان بر اساس برنامه‌های تولیدی و جریان واردات از این سهمیه‌ها استفاده می‌کنند.

در این نشست. گلنار نصراللهی مشاور وزیر صمت تاکید کرد: «بهینه‌سازی مصرف ارزی بر اساس کدکالاها انجام می‌شود. وزارتخانه موظف است طبق میزان واردات سه سال گذشته و احتساب بالاترین رقم مورد نیاز کشور با ۲۰ درصد بیشتر از نیاز مربوط به هر کدتعرفه ارز تخصیص دهد و برای هر بازرگان حد انحصار ارز را ۳۳ درصد منظور کردند. برای هر کدتعرفه میزان تولیدی و بازرگانی آن هم تفکیک و مشخص شده است.»

توزیع رانت

مهدی دارابی کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی سیاست‌های بهینه‌سازی مصارف ارزی و تعیین سقف برای تخصیص ارز وارداتی گفت: اجرای این دست سیاست‌ها مصداق واقعی امضای طلایی است. چراکه در شرایط حاکم بر اقتصاد ایران بالاخره یک نفر باید تصمیم بگیرد که رانت واردات به چه کسی تعلق بگیرد.

وی افزود: در حال حاضر فاصله قیمتی میان ارز اختصاص یافته به واردات با ارز آزاد، به شدت قابل‌توجه است. این فاصله قیمتی حکم همان رانتی را دارد که نصیب عده‌ای می‌شود. حال در شرایطی که به هر علتی رانتی توزیع می‌شود، یک نفر باید تصمیم‌گیرنده اعطای این رانت باشد. در مواردی نیز توزیع این رانت به دفاتر تخصصی یا کارگروه‌ها واگذار می‌شود. اما در عمل تفاوت ماهوی میان مدل‌های توزیع رانت وجود ندارد. بنابراین سرمنشأ پیدایش چنین استراتژی‌هایی اعم از بهینه‌سازی مصارف ارز یا تعیین سقف برای واردات، توزیع رانت قیمتی ناشی از توزیع ارز ارزان است.

با استناد به داده‌های این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، بوغم اهمیت استراتژیک، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود.

این کارشناس اقتصادی گفت: در سال‌های گذشته سامانه نیما برای مبادله ارز تجاری طراحی شد. تثبیت قیمت ارز در سامانه نیما و فاصله گرفتن قیمت ارز در بازار آزاد و سامانه نیما در عمل به عدم کارآیی این سامانه و اعتراضات فعالان صنعتی و تجاری منجر شد. برهمین‌اساس نیز در ادامه مرکز مبادله ارز و طلا با هدف رفع چالش‌های حاکم بر سامانه نیما جایگزین روش‌های قبلی مبادله ارز شد. هرچند این اقدام حکم سامانه درمانی را یافت و در عمل سناریو شکست‌خورده سامانه نیما تکرار شد. به بیا دقیق‌تر مرکز مبادله ارز و طلا تاکنون نتوانسته خلأ سابق حاکم بر بازار ارز را مرتفع کند.

وی افزود: در شرایطی که فاصله قیمتی میان ارز اختصاص یافته به واردات با قیمت ارز در بازار آزاد، تفاوت چشم‌گیری دارد، تقاضای غیرواقعی برای واردات شکل می‌گیرد. یا به بیان صحیح‌تر صف طولانی برای دریافت ارز واردات شکل می‌گیرد. تخصیص ارز ارزان به واردات درنهایت به کنترل قیمت‌ها در بازار داخلی نیز منتهی نمی‌شود. بنابراین بازنگری در سیاست‌های کلان اقتصادی، ارزی و تجاری کشور ضروری به‌نظر می‌رسد. حال با وجود شکل‌گیری صف طولانی برای دریافت ارز وارداتی، یک نفر یا یک برنامه‌ریز متمرکز همچون بانک مرکزی، وزارت صمت یا... باید تصمیم بگیرد که به چه کسانی ارز تعلق بگیرد و به چه کسانی خیر.

دارابی گفت: از آنجا که تخصیص ارز ترجیحی منشأ بروز این مشکلات است، اصلاح سیاست‌های ارزی راهکار برون‌رفت از این وضعیت محسوب می‌شود. چنانچه ارزهای با منشأ غیردولتی توافقی میان واردکننده و صادرکننده معامله شوند، بساط این صف برای دریافت ارز برچیده خواهد شد. یعنی تقاضای غیر واقعی ارز از بین خواهد رفت. این کارشناس اقتصادی گفت: تلاش سیاستگذاران برای کنترل قیمت ارز در حالی است که در نهایت به قیمت واقعی ارز تن می‌دهند. با این تفاوت که رشد نسبی قیمت‌ها به جهش ناگهانی تبدیل می‌شود، بنابراین بازنگری در این شرایط ضروری به‌نظر می‌رسد.

الزام به واردات با ارز توافقی

احمد ابراهیم‌زاده فعال اقتصادی در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی سیاست‌های بهینه‌سازی مصارف ارزی که توسط وزارت صمت اجرایی می‌شود و اعمال محدودیت یا سقف برای دریافت ارز واردات گفت: واردات از اثرگذاری جدی بر تولید و اقتصاد کشور برخوردار است، با این‌وجود در سال‌های گذشته سیاست‌های تجاری مورد توجه سیاستگذاران نبوده و همین موضوع نیز به بروز مشکلات جدی منجر می‌شود.

وی ضمن انتقاد از سیاست بهینه‌سازی مصارف ارزی توسط وزارت صمت گفت: تنها دلیل اجرای این سیاست کمبود منابع ارزی است، اما این راهکار نه‌تنها در عمل نتیجه‌بخش نبوده بلکه به بروز رانت و مفاسد اقتصادی منجر شده است. به‌علاوه آنکه این سوال جدی مطرح می‌شود که آیا در سال‌های اخیر کارآیی این سیاست مورد پرسش و ارزیابی قرار گرفته است یا خیر؟

این فعال تجاری گفت: در سال‌های گذشته مسوولان وزارت صمت به دنبال آن بوده‌اند تا با دشوار کردن مسیر تخصیص ارز از صف متقاضیان واردات بکاهند. اما در این مسیر تنها فعالان اقتصادی مستقل از ادامه کار خود ناامید می‌شوند. این مسیر به فعال اقتصادی وابسته این امکان را می‌دهد که با دست باز ارز وارداتی بگیرد. در چنین شرایطی فعال تجاری مستقل ناچار است ارز حاصل از صادرات خود را از کانال غیر رسمی تامین کند.

وی در تشریح خرید ارز از منابع غیر رسمی گفت: افراد صاحب رانت، ارز واردات را دریافت و در بازار آزاد به فروش می‌رسانند. ما هم خریدار همین ارز هستیم. در نهایت نیز برای رفع تعهد ارزی واردات یا اثبات مصرف ارز دریافتی برای واردات واقعی کالا به کشور از مدارک ما استفاده می‌کنند. ابراهیم‌زاده گفت: ایجاد مانع در مسیر تخصیص ارز واردات درحالی است که سیاستگذار ما را مکلف کرده ارز موردنیاز وارداتمان را از منابع رسمی تامین کنیم. یعنی ما ملزم به تعیین منشأ ارز وارداتی هستیم. درحالی‌که چنانچه واردکننده بتواند به‌طور رسمی ارز مورد نیاز خود برای واردات را از بازار آزاد خریداری کند، بسیاری از این شائبه‌های رانت و فساد مرتفع خواهد شد.

ضرورت مقابله با انحصار

احمدرضا فرشچیان رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» در ارزیابی سیاست بهینه‌سازی مصارف ارزی که توسط وزارت صمت انجام می‌گیرد گفت: ما شاهد بهینه‌سازی چندباره مصارف ارزی هستیم. آمار تولید و فروش شرکت‌ها و سایر آمارهای حوزه تولید و تجارت بارها توسط سامانه‌های مختلف رصد می‌شود. بنابراین سیاست‌هایی که در حال حاضر تحت عنوان بهینه‌سازی مصارف ارزی انجام می‌گیرد به‌منزله پیچیده کردن هرچه بیشتر این مسیر است. به‌علاوه آنکه زمان باز شدن کدتعرفه‌ها مشخص نیست. یک واحدی مطلع شده و سفارش را ثبت می‌کند و واحدی از باز شدن آن مطلع نمی‌شود. بنابراین در مجموع باید این‌طور ادعا کرد که الگوی مدیریت و سهمیه‌بندی ارز نادرست است.

فرشچیان در ادامه و در خصوص اجرای سیاست تعیین سقف برای واردات گفت: این سیاست با هدف جلوگیری از انحصار در روند واردات محصولات مختلف در دستور کار قرار گرفته است. با توجه به بروز محدودیت در تامین منابع ارزی کشور، اجرای این سیاست از سوی وزارت صمت قابل فهم و پذیرش است. متاسفانه در سال‌های گذشته شاهد بروز پرونده‌های فساد از منظر دریافت ارز قابل‌توجه و اختصاصی برای یک محصول بوده‌ایم. این دست سیاست‌ها به برخی شرکت‌های صاحب نفوذ قدرت می‌بخشد. درهمین‌حال به حذف برخی شرکت‌های کوچک و متوسط منجر می‌شود. بنابراین هر اقدامی که از ایجاد انحصار و اعطای تمام امتیازات به یک گروه، حمایت کند، مطلوب است.

رفع مشکلات کولبری و ملوانی

به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه تجارت ایران، رئیس کل سازمان توسعه تجارت ایران و معاون وزیر در دهمین جلسه کارگروه ماده ۴ قانون ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی با اشاره به ضرورت اجرایی شدن قانون ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی(کولبری و ملوانی) تاکید کرد: این فرآیند جایگزینی برای قاچاق کالا است. همه ما به عنوان افرادی که در این کشور زندگی می‌کنیم از مسوولان انتظار داریم از سلامت مردم حفاظت کنند، اما بسیاری از کالاها همچون کالاهای آرایشی و بهداشتی به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند و هیچ نظارتی در این روند ورود کالا وجود ندارد، اگر بتوانیم در یک روند قانونی این موضوع را ساماندهی کنیم به نفع همه ما خواهد بود. نهادهای مربوطه از جمله سازمان غذا و دارو باید از این منظر به این قانون نگاه کنند. در واقع این قانون موجب می‌شود که از نظارت صفر بر ورود این محصولات جلوگیری و در یک روند قانونی این موضوع ساماندهی شود.

دهقان دهنوی با تاکید بر همکاری همه نهادهای مربوطه برای پیگیری قانون ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی تصریح کرد: این قانون باید اجرایی شود و نهادها باید دستورالعمل‌های خود را در این زمینه با دیدگاه ایجابی نه سلبی ارائه دهند تا بتوانیم دستورالعمل‌های لازم را برای جلسات بعدی این کارگروه داشته باشیم. اگر به این نقطه نرسیدیم، باید از نمایندگان مجلس بخواهیم بر اساس وظایف قانونی خود و نظارت خود در این کارگروه این موضوع را در مجلس شورای اسلامی پیگیری کنند.

دوئل ملکی دولت و شهرداری

۴دهه مدیریت ۲ پاره در «تهران بزرگ» یا همان مجموعه شهری تهران، سریال «بحران‌های زیستی در پایتخت» را وارد قسمت «دعوای عیان دولت و شهرداری» کرده؛ دوئل بر سر «زمین‌های حریم شهر تهران» است به‌طوری‌که هر دو برای «تصاحب اختیار تعیین‌کاربری اراضی حریم» به قانون استناد می‌کنند اما دو قانون متضاد از هم، در نتیجه هیچ‌کدام تا الان نتوانسته دیگری را از زمین خارج کند.

هفته گذشته دعوای پنهانی مزمن بین استانداری تهران و شهرداری تهران برای کنترل فرمان «حریم شهر تهران» با دو مصاحبه مقامات ارشد این دو نهاد، یکی در تلویزیون و دیگری در صحن شورای شهر، «عمومی» شد و بالا گرفت. همزمان، معاون شهرسازی و معماری شهردار هم تغییر کرد و این اتفاق که می‌تواند «اصل ماجرای دوئل دولت و شهرداری» را منحرف کند، توسط برخی ناظران در قالب «پایان اختلافات» القاء شد، در حالی‌که ریشه این اختلاف به «قدرت سیاسی نهفته در ارزش اقتصادی زمین‌های حریم» و البته «تضاد آشکار روح دو قانون مرتبط با حریم» برمی‌گردد که اگر خشک نشوند، طرفین دعوا برای مدتی «آتش‌بس» می‌کنند و دوباره «شروع.»

«حریم» شهر تهران کجاست؟

شهر تهران یا همان محدوده حاوی ۲۲منطقه شهری، حدود ۶۰۰کیلومتر مساحت دارد و هر آنچه در اطراف پایتخت (همین شهر) به وسعت حدود ۱۰برابر شهر تهران، به شکل «تعدادی شهرستان با دربرگیری حداقل ۱۰ شهر و ۲۰ روستا» قرارگرفته، «حریم تهران» محسوب می‌شود. حریم تهران در حال‌حاضر نزدیک به ۵۹۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد، در حالی‌که مساحت کل استان تهران ۱۳هزار و ۸۰۰کیلومترمربع است و در کل، ۱۶ شهرستان و بدون احتساب شهر تهران، ۴۸ شهر و ۷۳ روستا در این استان جای گرفته‌اند که حداقل ۳۰ شهر از آنها در حریم شهر تهران است. مقایسه ارقام مساحت «حریم تهران» و «استان تهران» در کنار تعداد زیادی شهر در استان، نشان می‌دهد: همپوشانی گسترده و در عین‌حال «پیچیده» فیزیکی بین یکسری شهرهای واقع در اطراف شهر تهران و حریم شهر تهران وجود دارد و این یعنی «تداخل در حوزه عمل شهرداری‌ها.»

اختیار «حریم» تهران با کیست؟

شهرداری تهران و استانداری تهران در جریان دعوایی که بالا گرفته‌است، مدام به قانون استناد می‌کنند، اما چون هرکدام‌شان، فقط از موضع سمت خود قانون را می‌بینند، صحبتی از «۲ قانون خنثی‌کننده یکدیگر» نکرده‌اند، در نتیجه برای خیلی از ناظران این دعوا، از جمله شهروندان ساکن تهران یا ساکنان حومه شهر تهران، عاملان تخلف یا عبور از قانون، مشخص و شفاف نیست. بررسی‌های «دنیای‌اقتصاد» در این‌باره نشان می‌دهد، برای حریم شهر تهران، دو قانون وجود دارد. قانون قدیمی‌تر که تحت‌عنوان «قانون تعاریف و تقسیمات کشوری» مصوب سال۶۲ است، می‌گوید: هر زمان جمعیت روستاهای واقع در حریم شهر تهران و داخل استانداری تهران به ۳۵۰۰نفر رسید، دولت (وزارت کشور و استانداری) می‌تواند در آنجا شهر تاسیس کند. طی ۴دهه اخیر، دولت با استناد به همین قانون، تعداد شهرهای واقع در حریم تهران را به سطح فعلی ۴۸فقره رسانده‌است. البته در این مدت، دولت (وزارت کشور با درخواست وزارت مسکن) یکسری شهرهای جدید نیز در حریم پایتخت تاسیس کرد و در جریان بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی در همه آنها، تقریبا

مستقل از «آثار احتمالی گسترش اطراف تهران برای ظرفیت‌های زیست‌محیطی تهران» عمل کرد و پیش‌رفت. نتیجه آن شده که امروزه تحت‌تاثیر احداث نزدیک به ۵۰ شهر قدیم و جدید واقع در حومه تهران، «جمعیت روز پایتخت» به میزان ۵۰درصد جمعیت شب، افزایش پیدا کرده‌است.

از طرف دیگر، به موازات قانون تقسیمات کشوری که متولی حریم تهران را «استانداری» می‌شناسد، سال۸۴ قانون دیگری تحت‌عنوان «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا» تصویب شد که روح قانون دوم، برخلاف قانون اول، «اختیار نظارت و عمل بر حریم تهران» را به شهرداری تهران واگذار می‌کند. براساس این قانون، «قسمتی از زمین‌های حریم تهران واقع در داخل شهرستان تهران» صرفا برای «توسعه آتی پایتخت» باید حفظ شود و هر نوع ساخت‌وساز در حریم باید با نظارت شهرداری تهران باشد. نظارت بر ساخت‌وساز می‌تواند به‌معنای آن باشد که «مرجع صدور پروانه برای زمین‌های حریم تهران»، شهرداری است. هرچند در متن قانون، مسوول صدور پروانه به صراحت معرفی نشده‌است.

پشت‌صحنه این قانون دوم که دو دهه‌بعد از قانون اول، تصویب شد، «رشد تهاجمی» جمعیت و کاهش گسترده «زمین‌های خام واقع در حریم تهران» طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بود. در آن مقطع، دولت تشخیص داده بود، بعد از دو دهه «رشد جمعیت تهران بزرگ فراتر از طرح‌های جامع اول و دوم تهران»، لازم است جلوی بارگذاری‌های ساختمانی اطراف تهران گرفته شود تا «ذخایر اراضی موردنیاز برای آینده شهر تهران»، بیش‌از این، صرف نشود. در دهه۷۰، جمعیت تهران که قرار بود طبق طرح جامع اول تهران به ۵٫۵میلیون نفر برسد، به حدود ۶٫۵میلیون نفر تجاوز کرده‌بود. به همین‌خاطر، با تصویب قانون مرتبط با حریم در دهه۸۰، شهرهایی که در حریم تهران شکل‌گرفته بودند و خودشان هم حریم داشتند، نمی‌توانستند «بیش‌از حد موجود» گسترش پیدا کنند و زمین‌های حریم آنها طبق همان قانون، مشمول «صدور مجوز از سمت شهرداری تهران، صرفا برای توسعه فیزیکی شهر تهران» است.

«یک حریم، دو متولی» چگونه حل می‌شود؟

در حال‌حاضر ۲۰ سال از اداره تهران با «یک حریم و دو متولی» می‌گذرد. نتیجه آن شده که پایتخت از سمت نوار غربی خطمحدوده، عملا «حریم» خود را از دست داده‌است؛ به‌طوری‌که حدفاصل کرج و تهران، مابین منطقه۲۲ و وردآورد از یک‌سو (متعلق به محدوده تهران) و گرمدره از سوی دیگر (داخل محدوده استان البرز)، تقریبا هیچ امکانی به شکل «راضی بکر و خام»، برای «محفوظ نگه‌داشتن» آن جهت توسعه آتی پایتخت، باقی نمانده‌است. همین وضعیت از سمت شرق محدوده شهر تهران نیز صادق است و در جنوب خط محدوده تهران، یعنی اتوبان آزادگان نیز «حریم پایتخت» در اختیار شهرستان‌های پاکدشت، اسلامشهر و قدس قرار دارد که درست تا مجاورت اتوبان آزادگان، حوزه استحفاظی شهرداری‌های این شهرستان‌ها قرار دارد و در عین حال، حریم تهران هم محسوب می‌شوند.

این تعارض باعث‌شده از یک‌سو، شهرداری تهران مدعی آن است که نباید در اطراف محدوده جنوبی شهر تهران، ساختمان یا فعالیت تازه‌ای شکل بگیرد اما از سوی دیگر، مدیران شهرستان‌های مجاور و مالکان زمین‌های آنجا، در حال صدور مجوزها و بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی هستند. در این میان، «ارزش اقتصادی زمین‌های واقع در حریم پایتخت» که ناشی از «نزدیکی به مرکز» است، اشتهای برخی واحدهای صنعتی در حریم و مالکان برای «تعیین یا تغییر کاربری» زمین‌های حریم تهران را سبب شده‌است؛ روندی که در سال‌های اخیر چون برای شهرداری‌های حریم منابع مالی قابل‌توجه حاصل از صدور مجوز برای این اراضی را به‌همراه داشت، عاملی برای «شتاب بارگذاری» روی اراضی ذخیره توسعه آتی پایتخت شد.

در این‌میان، طرف مقابل یعنی شهرداری تهران که با استناد به قانون دهه۸۰، خود را «متولی» نظارت بر ساخت‌وسازهای حریم شهر تهران می‌داند نیز به‌نوعی، خود را «ذی‌نفع» منابع مالی حاصل از صدور پروانه و تغییرکاربری در این اراضی نیز می‌داند. نتیجه آن شده که دعوای دولت و شهرداری اکنون بالا گرفته و کار به دوئل رسیده‌است. استانداری تهران، پروانه‌ای که شهرداری برای حریم صادرکرده را ابطال‌کرده و شهرداری هم اجازه «ساخت‌وساز جدید» در حریم تهران یا همان «محدوده شهرهای حومه تهران» را نمی‌دهد.

گروه مسکن و شهری روزنامه «دنیای‌اقتصاد» در جریان تحقیق و بررسی درباره «زیرپوست» این دعوا، علاوه‌بر اینکه به ریشه‌های این اختلاف رسید، به یک طرح «حل اختلاف» هم دسترسی پیدا کرده‌است که برای اواخر دهه۹۰ است؛ مقطعی که همسویی سیاسی و فکری بین دولت و شهرداری برقرار بود و همین «عدم اختلاف‌نظر» باعث‌شده بود شهرداری تهران و استانداری تهران، برای «تعیین‌تکلیف» متولی حریم شهر تهران با هدف «تنظیم جریان بارگذاری آتی روی اراضی حریم پایتخت»، در قالب یک طرح، به دو راهکار برسند. در آن طرح، دو پیشنهاد مطرح شد: اولین راهکار این است که هیچ‌کدام از شهرداری‌های شهرهای واقع در حریم شهر تهران، «حریم نداشته باشند» و فقط محدوده در اختیار هر شهرداری باشد و مدیریت حریم پایتخت توسط یک نهاد مشترک (با استانداری) با محوریت شهرداری تهران، انجام شود.

راهکار دوم نیز «حریم مشاعی» برای شهرهای اطراف تهران و شهر تهران درنظر گرفته‌است؛ به این‌معنا که زمین‌های موجود واقع در حریم تهران که از محدوده شهرستان‌های اطراف تهران خارج است، در قالب «حریم مشاعی» باشد و «نظارت و کنترل» بر آن با استانداری باشد. تحقیقات «دنیای‌اقتصاد» حاکی است، با توجه به اینکه سطح دعوا در هفته گذشته، بالا گرفت، قرار است شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور به‌زودی یکی از این دو راهکار را تصویب کند.از آنجا که مرجع تصمیم‌گیری برای «آینده توسعه فیزیکی شهرهای ایران» شورای‌عالی شهرسازی و معماری

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۲۱
www.marzeghtesad.ir

رژه بورس در مرز حساس

فرحناز نعمتی – بورس تهران نخستین افت بیش از دو درصدی خود را در آبان ماه تجربه کرد. این ریزش در حالی طی معاملات روز یکشنبه ثبت شد.

بورس تهران نخستین افت بیش از دو درصدی خود را در آبان ماه تجربه کرد. این ریزش در حالی طی معاملات روز یکشنبه ثبت شد که دیروز شاهد سقوط ۲.۲۶ درصدی نماگر اصلی بورس تهران و عقبگرد آن به کانال ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحد بودیم. از سویی بعد از عقب‌نشینی شاخص کل از سقف روزانه در معاملات روز شنبه، قابل پیش‌بینی بود که شاخص‌های سهامی در معاملات یکشنبه، سمت و سوی منفی به خود بگیرند. کاهش ۲.۲۶ درصدی دماسنج اصلی بازار سهام علاوه بر اینکه بیشترین میزان ریزش در آبان ماه محسوب می‌شود، بیشترین کاهش روزانه این نماگر از هشتم تیر به بعد نیز به حساب می‌آید. در هشتم تیرماه این شاخص با افت ۲.۶۶ درصدی مواجه شده بود.

معاملات روز یکشنبه بورس تهران با موج عرضه و غلبه فروشندگان دنبال شد؛ به‌گونه‌ای که شاخص کل با عقب‌نشینی ۲.۲۶درصدی، سنگین‌ترین کاهش روزانه خود از هشتم تیرماه تاکنون را ثبت کرد و در سطح ۳میلیون و ۱۵۱هزار واحد آرام گرفت. این کاهش چشم‌گیر در ادامه ضعف تقاضا و افزایش فشار فروش در معاملات روز شنبه رخ داد؛ جایی‌که نماگر اصلی بازار پس از ورود به کانال ۳میلیون و ۲۰۰ هزار واحد، نشانه‌هایی از اشباع خرید و کم‌رمقی خریداران را بروز داده بود.

در این شرایط، اصلاح قیمتی اخیر را می‌توان واکنشی طبیعی به رشد شتابان هفته‌های گذشته و تلاش برای بازتعریف سطوح تعادلی جدید در بازار سهام ارزیابی کرد. به باور تحلیلگران، کاهش هیجان خرید در نمادهای شاخص‌ساز و افزایش تمایل به شناسایی سود کوتاه‌مدت از مهم‌ترین دلایل افت اخیر شاخص محسوب می‌شود؛ با این حال، ثبات نسبی متغیرهای کلان و تداوم جریان نقدینگی در صنایع کامودیتی‌محور می‌تواند مانع از تعمیق اصلاح در روزهای آینده شود.

در جریان معاملات دیروز، شاخص هم‌وزن نیز همسو با نماگر اصلی بازار حرکت کرد و با افت ۱.۶درصدی در سطح ۹۱۱ هزار واحد متوقف شد. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار با کاهش ۱.۲۳درصدی به محدوده ۲۷ هزار واحد عقب‌نشینی کرد.

ارزش معاملات خرد سهام پس از مدت‌ها بار دیگر به زیر ۱۰ هزار میلیارد تومان سقوط کرد و رقم ۸ هزار و ۱۸میلیارد تومان را به ثبت رساند؛ موضوعی که از کاهش محسوس مشارکت معامله‌گران حقیقی در جریان دادوستدها حکایت دارد. همچنین خروج ۲هزار و ۴۸۵میلیارد تومان پول حقیقی از بازار، بیشترین میزان خروج سرمایه از یازدهم تیرماه امسال تاکنون به شمار می‌رود؛ آماری که بیانگر افزایش احتیاط فعالان خرد و تقویت نگاه کوتاه‌مدت در معاملات روزانه است. کارشناسان بازار سرمایه معتقدند، در مقاطعی که سهام بزرگ و شاخص‌ساز بازار رشد قابل‌توجهی را پشت سر گذاشته و ارزش‌گذاری آنها به محدوده‌های بالایی رسیده است، جابه‌جایی بخشی از نقدینگی به سمت شرکت‌های کوچک‌تر و کمتر رشدکرده امری منطقی به نظر می‌رسد.

این گروه از سهام که هنوز از ظرفیت‌های رشد برخوردارند، می‌توانند در موج‌های بعدی صعود بازار نقش‌آفرینی پررنگ‌تری داشته باشند. در نقطه مقابل، زمانی که بازار درگیر ابهام، اصلاح یا رکود معاملاتی است، سرمایه‌گذاران می‌توانند با کاهش سطح ریسک و انتقال بخشی از دارایی‌ها به صندوق‌های اهرمی یا مختلط از نوسانات شدید بازار در امان بمانند. این صندوق‌ها با تکیه بر مدیریت حرفه‌ای و بهره‌گیری از ابزارهای مالی متنوع، امکان کسب بازده متعادل همراه با کنترل ریسک را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌سازند.

بازار سرمایه در پیچ‌وخم ابهامات

بسیاری از کارشناسان معتقدند بورس تهران در سال‌های اخیر، چشم‌انداز روشنی برای رشد مستمر نداشته و حتی رشد کوتاه‌مدت نیز محدود به دوره‌های یک تا دو ماهه بوده است. پس از هر موج صعودی کوتاه، اصلاح قیمت رخ داده و بازار نتوانسته روندی پایدار برای خود ایجاد کند. این وضعیت عمدتا تحت تاثیر رشد ریسک‌های داخلی و ژئوپلیتیک، بحران‌های سیاسی و اقتصادی و فقدان اعتماد عمومی شکل گرفته است.

در همین رابطه علیرضا خان‌محمدی، کارشناس بازار سرمایه اظهار کرد: بررسی عملکرد شرکت‌ها نشان می‌دهد که بازار در سطح ارزندگی نسبی قرار گرفته است. □/□ بازار نسبت به سال‌های گذشته پایین‌تر است و از نرخ بازده صندوق‌های درآمد ثابت نیز کمتر ارزیابی می‌شود.

این بدان معناست که اگرچه بازار نه ارزان و نه گران است، اما سرمایه‌گذاران همچنان حاضرند در سطوح بالاتر دارایی خریداری کنند، زیرا بازار سهام با ریسک همراه با امکان تولید و سودآوری شرکت‌ها مواجه است، درحالی‌که صندوق‌های درآمد ثابت بازده مشخص و محدود دارند.

به گفته او در هفته‌های اخیر، تحلیل‌ها و اخبار مربوط به دلار بازار دوم و نرخ خوراک صنایع، انتظارات بازار را تحت تاثیر قرار داده است. عدم تحقق سریع این موارد، از جمله تاخیر در عرضه دلار صادراتی به بازار دوم و تغییرات محدود در نرخ خوراک، باعث شد که رشد سودآوری برخی شرکت‌ها که پیش‌بینی می‌شد تا ۵۰ درصد افزایش یابد، به تعویق بیفتد. این مساله یکی از عوامل کاهش شتاب صعودی بازار در روزهای اخیر است.

این کارشناس با بیان اینکه علاوه بر مسائل بنیادی، بحران آب و انرژی نیز از ریسک‌های جدی پیش‌روی صنایع تولیدی است، افزود: کمبود منابع آبی می‌تواند به توقف یا کاهش تولید کارخانه‌ها منجر شود. همزمان، نزدیک شدن به فصل سرما و ابهامات تامین سوخت و گاز صنایع، چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار را تحت‌تاثیر قرار داده است. از سویی در فضای کنونی، شایعات و تحلیل‌های مرتبط با ریسک‌های ژئوپلیتیک و تقابل نظامی نیز بر روان سرمایه‌گذاران اثرگذار است. اخبار ضد و نقیض داخلی و خارجی باعث شده فعالان بازار محتاط شده و بخشی از دارایی خود را به ابزارهای امن منتقل کنند.

با این حال، کارشناسان توصیه می‌کنند سرمایه‌گذاران بازار سهام سبد متنوعی داشته باشند و از ابزارهای پوشش ریسک موجود بهره بگیرند. استفاده از این ابزارها می‌تواند از سرمایه در برابر نوسانات شدید و شرایط غیرمنتظره محافظت کند و امکان مشارکت هوشمندانه در بازار را فراهم آورد. برآیند اظهارات کارشناسان نشان می‌دهد، ادامه رشد بازار سهام منوط به بهبود عوامل بنیادی، تحقق اخبار اقتصادی مثبت و کاهش ابهامات کلان است. سرمایه‌گذاران باید با تحلیل دقیق شرکت‌ها و توجه به متغیرهای اقتصادی، بازار را زیر نظر داشته باشند تا بتوانند در شرایط مناسب با شهامت و برنامه‌ریزی دقیق به فعالیت ادامه دهند.

محرک‌های رشد بازار

شاخص کل بورس اکنون در محدوده ۳میلیون و ۲۰۰ هزار واحد در حال نوسان است از ابتدا ی اردیبشهت ماه تاکنون شاخص کل، دوبار کانال ۳,۲میلیونی را از دست داده است؛ سطحی که از منظر تکنیکی و روانی اهمیت زیادی دارد. با این حال تحلیلگران معتقدند وضعیت بورس اکنون رفتاری نسبتا متعادل در پیش گرفته است.

در همین رابطه احمد اشتیاقی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» اظهار کرد: به‌نظر می‌رسد معامله‌گران حرفه‌ای در حال حاضر رشد قابل‌توجهی برای ۳۰ شرکت بزرگ بازار متصور نیستند و ادامه مسیر بورس تا حد زیادی وابسته به تحقق اخبار سیاسی و بودجه‌ای است. به‌ویژه اصلاحات احتمالی در نرخ خوراک و گاز صنایع پتروشیمی و فولادی می‌تواند با بهبود حاشیه سود شرکت‌ها، چشم‌انداز جدیدی برای بازار سهام ترسیم کند.

او با بیان اینکه رشد اخیر شاخص‌ها که از سطح ۳میلیون تا ۳میلیون و ۲۰۰ هزار واحد رقم خورد، عمدتا تحت‌تاثیر خبر احتمال انتقال ارز حاصل از صادرات پتروشیمی و فولاد به بازار مبادله دوم (ارز تجاری) بوده است، گفت: این تصمیم در صورت عملیاتی‌شدن می‌تواند نرخ تسعیر ارز این شرکت‌ها را از محدوده ۷۰ هزار تومان فعلی به حدود ۹۰ هزار تومان افزایش دهد و زمینه رشد شاخص کل تا سطح ۳میلیون و ۴۰۰ هزار واحد را فراهم کند. با این حال، تا زمانی که این سیاست به مرحله اجرا نرسد، بازار در فاز احتیاط باقی خواهد ماند.

به گفته این کارشناس، کاهش ارزش معاملات از حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان به زیر ۱۰ هزار میلیارد تومان نشانه‌ای از ورود بورس به فاز اصلاح زمانی و قیمتی است. در صورت افت بیشتر حجم معاملات به زیر ۱۰ هزار میلیارد تومان، احتمال اصلاح قیمتی تا حدود ۱۰ درصد نیز وجود دارد، هرچند تردید شدیدی در بازار دیده نمی‌شود و کف حمایتی ۳میلیون و ۱۰۰ هزار واحد همچنان معتبر ارزیابی می‌شود.

احمد اشتیاقی با اشاره به وضعیت بازارهای موازی نیز گفت: به نظر می‌رسد، صندوق‌های طلا با توجه به ثبات نرخ دلار در محدوده

۱۰۶ تا ۱۱۵ هزار تومان و احتمال ثبات قیمت اونس طلای جهانی، جذابیت خود را از دست داده‌اند. در نتیجه، ممکن است بخشی از منابع پارک‌شده در صندوق‌های درآمد ثابت و طلا به‌تدریج به سمت سهام بازگردد.

این کارشناس بازار سرمایه در پایان اظهار کرد: در مجموع می‌توان گفت ادامه مسیر صعودی بورس به سه محرک اصلی گره خورده است. اجرای قطعی انتقال ارز صادراتی به نرخ ۹۰ هزار تومانی، اصلاح سیاست‌های بودجه‌ای مرتبط با نرخ خوراک و گاز و انتشار اخبار مثبت در حوزه سیاست خارجی کشور.تا قبل از تحقق این عوامل، بورس تهران احتمالا با رفتاری محتاطانه همراه با معاملاتی محدود مسیر خود را ادامه خواهد داد.

از لندن تا شانگهای؛ طلا به کدام سمت می‌رود؟

چین سال‌هاست هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده بزرگ طلاست؛ اما نکته تازه این است که هم‌زمان زیرساخت‌های بازار را نیز توسعه می‌دهد تا نقش قیمت‌گذاری و تحویل را پررنگ‌تر کند. یک رخداد مهم در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۵ رقم خورد: «بورس طلای شانگهای(SGE) نخستین انبار تحویل خارج از سرزمین اصلی را در هنگ‌کنگ راه‌اندازی کرد و هم‌زمان دو قرارداد طلا به یوآن برای تحویل در هنگ‌کنگ فهرست شد.» معنای ساده، با چنین اتفاقی، دسترسی بازیگران غیرچینی به تحویل فیزیکی طلا آسان‌تر می‌شود. چین می‌خواهد محور عبور و مرور طلای فیزیکی در منطقه باشد و بخشی از وزن قیمت‌گذاری را از لندن/نیویورک به شرق جابه‌جا کند؛ بازار داخلی عمیق چین، با این زیرساخت‌ها، می‌تواند جریان‌های رسمی و شفاف‌تری بسازد. بانک مرکزی چین نیز در ۲۰۲۵ به افزایش ذخایر طلای خود ادامه داده است. برآوردها نشان می‌دهد ذخایر رسمی طلای این کشور، در پایان فصل سوم ۲۰۲۵ حدود ۲۳۰۰ تا ۲۳۰۳ تن گزارش شده است. پکن، مانند بسیاری از بانک‌های مرکزی، در حال تنوع‌بخشی به ذخایر و کاهش ریسک‌های ژئوپولیتیک و تحریمی است؛ طلا در این چارچوب نقش «بیمه و سپر ریسک» را بازی می‌کند.

به‌گزارش شورای جهانی طلا، تقاضای کل طلا در فصل سوم ۲۰۲۵ به حدود ۱۳۱۳ تن رسید که یک رکورد فصلی است. در همین فصل، خرید خالص بانک‌های مرکزی نزدیک به ۲۲۰ تن بود که نسبت به فصل قبل نیز بالاتر است.

سه محرک داخلی بورس تهران

بورس تهران در دومین روز معاملاتی هفته بعد از رشد ۲۰ هزار واحدی شاخص کل در روز شنبه، در روز یکشنبه با افت بیش از ۷۰ هزار واحدی همراه بود که یک رقم قابل‌توجه محسوب می‌شود. همچنین شاخص هموزن نیز با کاهش بیش از ۱۴هزار واحد همراه شد.

برخی از فعالان و کارشناسان این اصلاح را بخشی از طبیعت بازار می‌دانند و اصلاح را محتمل می‌دیدند و بخشی دیگر نیز به دلیل افت قابل‌توجه شاخص نسبت به روزهای گذشته، نسبت به علت آن نگرانی دارند. در گفت‌وگو با کارشناسان بازار سرمایه، متغیرهای اثرگذار خارجی و داخلی بر بازار سهام بررسی شد.

پیام الیاس‌کردی، کارشناس بازار سرمایه به ارزیابی وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: برای بررسی شرایط بازار سهام بهتر است تحلیل را به دو بخش عوامل داخلی اثرگذار و متغیرهای خارجی موثر تقسیم کنیم. در بخش داخلی، سه مولفه مهم این روزهای بازار سرمایه باید مورد توجه قرار گیرد. نخست موضوع نرخ ارز است. باید یادآوری کرد که بورس ایران یک بازار کامودیتی‌محور محسوب می‌شود و فروش شرکت‌ها، چه صادراتی و چه داخلی، عمدتا بر مبنای دلار انجام می‌شود. بنابراین هرگونه افزایش نرخ ارز می‌تواند مستقیما باعث رشد درآمد شرکت‌ها و در نهایت افزایش قیمت سهام آنها شود. در این میان، تغییرات ایجادشده در بازار ارز رسمی و انتقال تدریجی شرکت‌ها و کالاها از تالار اول به تالار دوم اهمیت ویژه‌ای دارد. اکنون نرخ ارز در تالار اول حدود ۷۱ هزار تومان و در تالار دوم نزدیک به ۹۷ هزار تومان است. سرعت افزایش تعداد شرکت‌ها و اقلامی که به تالار دوم منتقل می‌شوند، بالاتر رفته و همین موضوع انتظارات تورمی و رشد بازار سهام را تقویت کرده است. از سوی دیگر، برخی تکذیب‌ها درباره تداوم این روند منتشر می‌شود که می‌تواند موجب افت‌های مقطعی بازار شود.

در نتیجه، حال و آینده بازار سهام تا حد زیادی به تعیین تکلیف این مساله وابسته شده است.وی به دومین عامل اثرگذار اشاره کرد: دومین عامل، موضوع نرخ خوراک پتروشیمی‌ها است. همان‌طور که می‌دانید، نرخ خوراک طی ماه‌های اخیر، یعنی در فاصله شش‌ماهه منتهی به شهریور، از محدوده ۷ هزار و ۷۰۰ تومان به حدود ۵ هزار و ۵۰۰ تومان کاهش یافته و تقریبا افتی در حدود ۲۲۰۰ تومان را تجربه کرده است. هرچند نرخ فعلی خوراک نسبت به برخی قیمت‌های اعلام‌شده در گذشته پایین‌تر است، اما همچنان باید در نظر داشت که قیمت گاز تحت تاثیر شاخص‌های بین‌المللی قرار دارد. اگرچه با حذف احتمالی برخی هاب‌های اروپایی قیمت‌ها منطقی‌تر شده است، اما باقی‌ماندن هاب‌های آمریکایی و کانادایی می‌تواند همچنان در تعیین نرخ نقش داشته باشد. نکته مهم این است که هر تصمیم دولت برای جبران کسری بودجه از طریق افزایش نرخ خوراک، می‌تواند فشار قابل‌توجهی بر بازار وارد کند و آسیب‌پذیری بورس را افزایش دهد.

این کارشناس بازار سرمایه اضافه کرد: موضوع سوم نرخ بهره است. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد تیم اقتصادی دولت و وزیر امور اقتصادی و دارایی، سیدعلی مدنی‌زاده، در یک دوراهی مهم قرار دارند؛ این دو راهی عبارت است از افزایش نرخ بهره یا کاهش آن. از یک‌سو افزایش نرخ بهره می‌تواند به‌زعم طراحان سیاست پولی ابزاری برای مهار تورم باشد و از سوی دیگر کاهش نرخ بهره می‌تواند با تحریک بازارها، به‌ویژه بازار سهام، آثار مثبتی داشته باشد. اینکه تصمیم نهایی چه باشد، قطعا بر روند بورس تاثیر مستقیم خواهد داشت. البته همان‌طور که اشاره شد، عوامل داخلی دیگری نیز وجود دارند، اما سه عامل یادشده در شرایط فعلی اثرگذاری بیشتری دارند.

وی به عوامل خارجی اشاره کرد: میان متغیرهای خارجی، وضعیت ساده‌تر به نظر می‌رسد. هرگونه تشدید تحریم‌ها یا تنش‌های نظامی که بتواند تهدیدی جدی ایجاد کند و سطح ریسک سیستماتیک را بالا ببرد، تاثیری منفی بر بازار سهام خواهد داشت. در مقابل، اگر فضای سیاسی منطقه و روابط بین‌المللی کشور به سمت آرامش حرکت کند و شاهد ازسرگیری مذاکرات در سطوح کارشناسی یا وزرای امور خارجه باشیم، از جمله درباره همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یا در جلسات مهم همچون نشست ۲۶ آبان شورای حکام، این تحولات می‌تواند به بهبود انتظارات و واکنش مثبت بازار منجر شود.

بورس در انتظار شفافیت

محمدرضا بیک‌زاده‌مقدم، کارشناس بازار سرمایه گفت: شاخص کل بورس با نزدیک شدن به سقف قبلی خود، نتوانست از این سطح عبور کند و همین موضوع باعث افزایش عرضه‌ها در بازار شد. بسیاری از سرمایه‌گذاران ترجیح دادند سود فعلی خود را ذخیره کنند و در سمت فروش قرار بگیرند. این رفتار سبب شد فضای بازار به‌سمت احتیاط و نگرانی حرکت کند.

وی افزود: یکی از نگرانی‌های جدی فعالان بازار به نحوه فروش‌ها بازمی‌گردد. طی روزهای اخیر شاهد معاملات تهاجمی همراه با رنج‌های منفی و تشکیل صف‌های فروش سنگین بودیم. همین رفتار فروش باعث مطرح شدن این پرسش شده که آیا مشابه اردیبهشت ۱۴۰۲، بخشنامه یا ابلاغیه پنهانی در حال تاثیرگذاری بر بازار است؟ برخی از فعالان گمان می‌کنند احتمال دارد عده‌ای به اطلاعات نهانی دسترسی داشته باشند و زودتر از بقیه سرمایه‌گذاران اقدام به عرضه سهم کرده باشند.

بیک‌زاده‌مقدم اضافه کرد: نمونه بارز این ابهام در یکی از نمادهای بانکی مشاهده می‌شود. سهام این بانک طی چند روز اخیر، عمدتا از سوی اشخاص حقیقی با فشار فروش بالا و رنج منفی معامله شده و حتی به صف فروش نیز رسیده است. این سوال برای فعالان بازار ایجاد شده که آیا اتفاق خاصی در این بانک رخ داده که برخی زودتر از دیگران از آن مطلع شده‌اند و برای فروش سهم خود پیش‌دستی کرده‌اند؟

وی افزود: با این حال، بررسی شرایط و اخبار موجود می‌تواند تا حدی تصویر روشنی ارائه دهد. از جمله موضوع نرخ خوراک پتروشیمی‌ها که اگر برای بودجه سال آینده تصویب شود و همچنین در صورت رشد نرخ دلار نیما، می‌تواند بر بهبود شرایط بازار تاثیرگذار باشد. به‌ویژه انتشار خبرهایی درباره انتقال ارز زنجیره فولاد به «تالار دوم» که در صورت تحقق، احتمالا بخشی از فشار فروش موجود را کاهش داده و بازار را به سمت تعادل هدایت کند. با وجود این نکات مثبت، همچنان مهم‌ترین دغدغه فعالان بازار همان ترس از تکرار اتفاقات اردیبهشت ۱۴۰۲ است؛ اینکه تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها و مقررات، از چشم بخش بزرگی از بازار پنهان مانده باشد و تنها برخی افراد زودتر از بقیه به آن دسترسی پیدا کرده باشند. این نگرانی، سایه خود را بر رفتار معامله‌گران گسترانده است.

گامی برای پیوند فناوری و اقتصاد

رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند، با اشاره به ظرفیت‌های پاویون ویژه هوش مصنوعی در رویداد کیش اینوکس، از ضرورت فرهنگ‌سازی، رفع چالش‌های فین‌تک‌ها و برنامه‌ریزی برای گسترش حضور این پاویون در سایر صنایع کشور سخن گفت.

حمیدرضا احمدیان در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد»، با اشاره به برگزاری پاویون هوش مصنوعی در رویداد کیش اینوکس و نقش آن در توسعه زیست‌بوم فینتک و استارت‌آپ‌های مالی گفت: هدف اصلی از ایجاد این پاویون، فراهم‌کردن بستر گفت‌وگو میان فعالان هوش مصنوعی و بخش‌های پولی و مالی کشور است. کیش اینوکس در طول سال‌های برگزاری خود به‌عنوان یکی از رویدادهای موفق کشور توانسته اکوسیستم پولی، مالی و سرمایه‌گذاری را در کنار یکدیگر جمع کند و به نقطه‌ای اثرگذار در حوزه اقتصاد تبدیل شود.

وی با اشاره به تجربه‌های گذشته افزود: در همه سال‌هایی که به‌عنوان بهرمبردار یا همکار علمی در این رویداد حضور داشتیم، متوجه شدیم ظرفیت‌های ویژه‌ای در کیش اینوکس وجود دارد. بسیاری از رویدادهایی که در مکان‌هایی مشابه برگزار می‌شوند، معمولا موفق نیستند، اما این رویداد از این قاعده مستثنی بوده و توانسته توجه و مشارکت فعالان بانک، بیمه، بورس و سرمایه‌گذاری را جلب کند.

رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند در ادامه با تاکید بر اهمیت ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف اقتصادی، اظهار کرد: بروز و گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی باعث شده بخش قابل‌توجهی از فضاهای کسب‌وکار دچار تغییر شود. شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی هر یک به میزان توان و ظرفیت خود به سمت استفاده از هوش مصنوعی حرکت کرده‌اند. اکنون زمان آن رسیده که شرکت‌های فعال در حوزه‌های مالی و اقتصادی بیش از پیش با ظرفیت‌های این فناوری آشنا شوند و گفت‌وگویی میان فعالان صنعت و متخصصان هوش مصنوعی شکل گیرد.

احمدیان ادامه داد: هدف از پاویون هوش مصنوعی در کیش اینوکس، ایجاد همین تعامل دوسویه است تا فضای عرضه و تقاضای هوش مصنوعی در کشور به‌درستی شکل بگیرد و از این طریق زمینه توسعه کاربردهای آن فراهم شود. واقعیت این است که در حال حاضر نه همه صنایع و بنگاه‌ها درک درستی از ظرفیت‌های هوش مصنوعی دارند و نه فعالان این حوزه توانسته‌اند به شکل مطلوب با بخش‌های مالی و اقتصادی ارتباط بگیرند. اگر بتوانیم زمینه آشنایی و گفت‌وگوی مستقیم میان این دو گروه را فراهم کنیم، می‌توان امیدوار بود که استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی در کشور توسعه بیشتری پیدا کند.

او با تاکید بر ضرورت فرهنگ‌سازی در استفاده از فناوری‌های نو گفت: در شرایط فعلی کشور، بزرگ‌ترین نیاز ما در حوزه هوش مصنوعی، فرهنگ‌سازی و آموزش صحیح است تا شرکت‌ها بدون هیجان‌زدگی یا صرف هزینه‌های اشتباه به این مسیر وارد شوند. این رویداد می‌تواند گامی موثر در جهت آموزش و فرهنگ‌سازی باشد. هوش مصنوعی در سطح جهانی هنوز در مراحل آغازین خود قرار دارد. اگر با برنامه‌ریزی دقیق پیش برویم، می‌توانیم در بسیاری از زمینه‌ها هم‌گام با علم روز دنیا حرکت کنیم؛ اما در صورت بی‌برنامگی، ممکن است تنها به بازار مصرف فناوری تبدیل شویم.رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند درباره اهداف اجرایی پاویون هوش مصنوعی در کیش اینوکس توضیح داد: پاویون ویژه هوش مصنوعی که با همکاری مجموعه‌ای از نهادها تدارک دیده شده، فرصتی برای ارائه توانمندی‌ها و محصولات فعالان این حوزه و نیز بیان نیازها و چالش‌های بخش‌های مختلف اقتصادی است. از سوی دیگر، شرکت‌ها و سازمان‌های اقتصادی نیز می‌توانند

کاهش عرضه ارز در ۱۴۰۴

در سال ۱۴۰۴ با حذف ارز نیمایی و تمرکز کامل بانک مرکزی بر نرخ توافقی، سیاست ارزی کشور وارد مرحله‌ای تازه شده است. هرچند این اقدام با هدف شفافیت و کاهش رانت ارزی انجام شد، اما افت ۱۸ درصدی تامین ارز و کاهش ۲۳ درصدی عرضه در بخش تجاری، فشار قابل‌توجهی بر نرخ دلار و انتظارات تورمی وارد کرده است.

در سال ۱۴۰۴ با حذف ارز نیمایی و تمرکز کامل بانک مرکزی بر نرخ توافقی، سیاست ارزی کشور وارد مرحله‌ای تازه شد. هرچند این تغییر در جهت شفافیت و کاهش رانت ارزی ارزیابی می‌شود، اما کاهش ۱۸ درصدی تامین ارز و افت ۲۳ درصدی در بخش تجاری، فشار قابل‌توجهی بر نرخ دلار بازار آزاد وارد کرده است. هر چند در خبرها عنوان شده که میزان فروش نفتی ایران افزایش یافته، اما این موضوع اثر خود را در تامین ارز منعکس نکرده است. البته شاید در ماه‌های پایانی میزان عرضه ارز شدت بگیرد.

سیاست‌های ارزی بانک مرکزی سال ۱۴۰۳

از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا نیمه آبان همان سال، بانک مرکزی در راستای تامین نیازهای ارزی کشور مجموعا ۴۳میلیارد و ۴۸۸میلیون دلار برای واردات سه گروه اصلی کالا ـ شامل کالاهای اساسی و دارو، کالاهای تجاری و بازرگانی و نیازهای خدماتی ـ تخصیص داده است. از این میزان، سهم کالاهای تجاری و بازرگانی ۳۳میلیارد و ۲۴۲میلیون دلار بوده که ۲۳میلیارد و ۷۱۵میلیون دلار آن با ارز نیمایی و ۹میلیارد و ۵۲۷میلیون دلار با نرخ توافقی تامین شده است. این ترکیب نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۳ هنوز ساختار دونرخی در سامانه‌های ارزی(نیمایی و توافقی) فعال بوده و سیاست بانک مرکزی بر کنترل نرخ از طریق تخصیص ارز نیمایی استوار بوده است. در مجموع سال ۱۴۰۳، میزان تامین ارز به ۶۵میلیارد و ۳۶۹میلیون دلار رسید. از این مقدار، بیشترین سهم متعلق به کالاهای تجاری و بازرگانی(۵۰میلیارد و ۳۶۲میلیون دلار) بوده و پس از آن، کالاهای اساسی و دارو با ۱۳میلیارد و ۷۵۴میلیون دلار و نیازهای خدماتی با یک‌میلیارد و ۲۵۳میلیون دلار در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. این روند حاکی از تداوم سیاست تامین ارزی برای حمایت از تجارت رسمی کشور، تثبیت قیمت کالاهای اساسی و تامین نیازهای وارداتی است.

سیاست‌های ارزی بانک مرکزی سال ۱۴۰۴

با ورود به سال ۱۴۰۴، تغییر مهمی در سیاست ارزی بانک مرکزی رخ داد؛ حذف ارز نیمایی و تمرکز بر تامین ارز با نرخ توافقی. در دوره زمانی مشابه (از ابتدای سال تا ۱۷ آبان ۱۴۰۴)، مجموع تامین ارز به ۳۵میلیارد و ۶۴۷میلیون دلار کاهش یافت که نسبت به دوره مشابه سال قبل حدود ۱۸ درصد افت نشان می‌دهد. در این میان، ارز تخصیص‌یافته برای کالاهای تجاری و بازرگانی با افت ۲۳ درصدی نسبت به سال قبل بیشترین کاهش را تجربه کرده است. در مقابل، تامین ارز برای کالاهای اساسی و دارو (۹میلیارد و ۱۹۰میلیون دلار) و نیازهای خدماتی (۹۵۴میلیون دلار) تغییر چندانی نداشته است. این کاهش در عرضه ارز به ویژه در بخش تجاری، در حالی رخ داده که هم‌زمان میانگین نرخ دلار در بازار آزاد در ۸ ماه نخست سال ۱۴۰۴ به ۹۳ هزار و ۳۰۰ تومان رسیده است؛ درحالی‌که در دوره مشابه سال ۱۴۰۳ میانگین نرخ دلار ۶۱ هزار و ۶۰۰ تومان بوده است.

به عبارت دیگر، نرخ بازار آزاد در این بازه زمانی حدود ۵۱ درصد رشد کرده است. پیش‌بینی بر مبنای همین روند نشان می‌دهد که میانگین نرخ دلار در کل سال ۱۴۰۴ می‌تواند به حدود ۱۰۵ هزار تومان برسد. افزایش نرخ دلار بازار آزاد را می‌توان تا حد زیادی ناشی از تغییرات سیاستی بانک مرکزی دانست. حذف ارز نیمایی عملا به معنای نزدیک‌تر شدن نرخ‌های رسمی و غیررسمی بوده، اما از سوی دیگر، موجب کاهش نسبی عرضه ارز ارزان در بازار و افزایش فشار تقاضا در نرخ توافقی شده است. به علاوه، کاهش ۱۸ درصدی کل تامین ارز، نشانه‌ای از محدودتر شدن منابع یا سخت‌تر شدن تخصیص‌هاست که اثر روانی آن بر بازار آزاد به صورت افزایش انتظارات تورمی و رشد قیمت ارز نمایان می‌شود.در مجموع، سیاست بانک مرکزی در سال ۱۴۰۴ را می‌توان به عنوان گذار از نظام چندنرخی به نظام نرخ توافقی تعبیر کرد. این تغییر هرچند از منظر شفافیت و کاهش رانت ارزی گامی مثبت محسوب می‌شود، اما در کوتاه‌مدت به دلیل کاهش عرضه و تعدیل تدریجی بازار، فشار افزایشی بر نرخ دلار آزاد وارد کرده است. برای تثبیت شرایط، ضروری است که بانک مرکزی هم‌زمان با این اصلاح ساختاری، با ابزارهای مکمل مانند تقویت عرضه ارز صادراتی، تسهیل بازگشت ارز و مدیریت انتظارات تورمی، از نوسانات شدید در بازار آزاد جلوگیری کند تا اعتماد فعالان اقتصادی به نظام ارزی جدید تقویت شود.در معاملات روز گذشته، بازار ارز و طلا با نوساناتی محدود اما افزایشی همراه شد. نرخ دلار در بازار با رشد ۵۰ تومانی نسبت به روز گذشته، از ۱۰۷ هزار و ۹۰۰ تومان به ۱۰۷ هزار و ۹۵۰ تومان رسید. هرچند میزان افزایش اندک بود، اما جهت حرکتی بازار همچنان صعودی ارزیابی می‌شود.

در بازار فلزات گران‌بها نیز روندی مشابه مشاهده شد. سکه امامی با رشد قابل‌توجه ۶۰۰ هزار تومانی، از ۱۱۰میلیون و ۶۰۵ هزار تومان به ۱۱۱میلیون و ۲۰۵ هزار تومان رسید و بار دیگر به سطح بالای ۱۱۱میلیون تومان بازگشت. طلای ۱۸ عیار نیز با افزایش ۱۶ هزار تومانی، از ۱۰میلیون و ۴۵۴ هزار تومان به ۱۰میلیون و ۴۷۰ هزار تومان رسید. کارشناسان این تحرک قیمتی را تاحدی ناشی از واکنش بازار به اظهارات جدید سخنگوی سازمان امور مالیاتی می‌دانند.

۴
روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۲۱
www.marzeghtesad.ir

موانع ارزی از مسیر تولید خودرو برداشته شود

محمد رستمی، نماینده نیشابور و فیروزه و سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، با حضور در ایران خودروی خراسان از خطوط تولید این مجموعه بازدید کرد و در نشستی با شبانی مدیرعامل شرکت و جمعی از مدیران در جریان روند تولید، چالش‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای این واحد صنعتی قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی ایران خودروی خراسان؛ در این بازدید، شبانی ضمن ارائه گزارشی از ظرفیت‌ها و دستاوردهای ایران خودروی خراسان، گفت: این شرکت به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تولید خودروی شرق کشور، با تکیه بر نیروی انسانی متخصص و بومی‌سازی بخش قابل‌توجهی از قطعات، نقش موثری در تحقق تولید پایدار و اشتغال ایفا می‌کند.

محمد رستمی، سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به ضرورت بازنگری در سیاست‌های قیمت‌گذاری خودرو، اظهار کرد: قیمت دستوری نه به نفع مردم است و نه به نفع صنعت خودروسازی، چرا که از یک سو تولیدکنندگان امکان حرکت در مسیر توسعه، نوآوری و ارتقای کیفیت را از دست می‌دهند و از سوی دیگر مردم نمی‌توانند از خودروهای با کیفیت‌تر و به روزتر بهره‌مند شوند. وی افزود: در کمیسیون صنایع تلاش می‌کنیم با برگزاری جلسات تخصصی و دعوت از دو خودروساز بزرگ کشور، به راهکاری برسیم که ضمن حمایت از تولید، منافع مصرف کننده نیز حفظ شود. البته خودروسازان نیز باید با اصلاح ساختارها و کاهش هزینه‌های تولید، سهم خود را در این مسیر ایفا کنند.

آماده‌باش دستگاه‌ها در پی وقوع زلزله بهاباد

مدیرکل مدیریت بحران استان یزد در پی وقوع زمین‌لرزه ۴.۷ ریشتری بهاباد دستور آماده باش و برگزاری جلسه ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات پاسخ به بحران شهرستان بهاباد را صادر کرد.

احسان بالاکتفی در این باره گفت: بلافاصله پس از وقوع زمین‌لرزه، گروه‌های ارزیاب جمعیت هلال احمر و کارشناسان مدیریت بحران به نقاط مختلف شهرستان اعزام شدند و بررسی‌های لازم در خصوص خسارات احتمالی مالی در حال انجام است. منطقه بروز زلزله غیر مسکونی بوده و با شهر بهاباد بیش از ۴۴ کیلومتر فاصله دارد.

وی از ارتباط با استاندار یزد، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار و معاون آمادگی و پاسخ سازمان مدیریت بحران کشور خبر داد و اظهار کرد: آخرین گزارش‌ها در خصوص زلزله در اختیار مسوولان ارشد استان و کشور قرار گرفت. بالاکتفی از فعال‌سازی مرکز عملیات اضطراری اداره کل مدیریت بحران استان نیز خبر داد و گفت: مرکز عملیات اضطراری اداره کل مدیریت بحران استان در کوتاه‌ترین زمان فعال شد و فرآیندهای مربوطه با هماهنگی دستگاه‌های امدادی در حال بررسی است.

دیوار تعرفه‌ای و عادت به بازار غیررقابتی

این الگوی مشترک نشان می‌دهد که مشکل در نبود منابع طبیعی یا نیروی انسانی نبوده، بلکه در ساختار سیاستگذاری اقتصادی و نوع مواجهه ما با مفهوم «رقابت» و «کیفیت» نهفته است. در حوزه معدن و صنایع معدنی، ایران از ذخایر غنی و متنوعی برخوردار است. سنگ‌های تزئینی کشور از نظر کیفیت و تنوع در زمره بهترین نمونه‌های جهان قرار دارند. با این حال، سهم ایران از بازار جهانی سنگ فرآوری‌شده ناچیز است. هزاران واحد سنگبری در کشور فعالند، اما خروجی نهایی آنها از منظر کیفیت، بسته‌بندی و استاندارد فنی، توان رقابت در بازارهای جهانی را ندارد. در حالی‌که ترکیه با حدود یک‌ششم تعداد کارخانه‌های ایران، چند برابر کشور ما صادرات دارد، این تفاوت نشان می‌دهد که مسأله اصلی نه در کمیت تولید، بلکه در کیفیت و رقابت‌پذیری نهفته است. چنین وضعیتی تنها به سنگ محدود نمی‌شود. در صنایع فلزی نیز همین الگو تکرار شده است. میلگرد، یکی از ساده‌ترین محصولات فولادی، در بازارهای جهانی به سختی جای پایی برای ایران باز کرده است. کشورهای منطقه که در سطح فنی و فناوری مشابهی با ما قرار دارند، موفق شده‌اند محصولات خود را به بازارهای سخت‌گیر اروپایی صادر کنند، در حالی‌که میلگرد ایرانی عمدتا روانه بازارهای ارزان‌قیمت و بی‌استانداردی مانند عراق، افغانستان یا برخی کشورهای آفریقایی می‌شود. حتی در مورد سیمان نیز، با وجود آنکه ایران از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان منطقه است، کشورهای دارای استاندارد بالاتر تمایلی به خرید سیمان ایرانی ندارند. ریشه این ضعف ساختاری را باید در نبود رقابت واقعی در بازار داخلی جست‌وجو کرد. در شرایطی که دیوار بلند تعرفه‌ای و ممنوعیت واردات کالای مشابه خارجی، بازار ۸۰میلیونی ایران را از رقابت آزاد دور نگه داشته، تولیدکننده داخلی انگیزه‌ای برای ارتقای کیفیت ندارد. وقتی واردات محصول مشابه ممنوع می‌شود، مصرف‌کننده ناگزیر است هر کالایی را که در داخل تولید می‌شود، خریداری کند؛ فارغ از آنکه کیفیت یا استانداردی در سطح جهانی داشته باشد یا نه. در چنین فضایی، تولیدکننده نه‌تنها برای حضور در بازار بین‌المللی آماده نمی‌شود، بلکه به تولید کالای بی‌کیفیت عادت می‌کند و توانایی رقابت را از دست می‌دهد.

راه عبور از ترافیک تار عنکبوتی

بیتا حسن پور – حمل‌ونقل یکی از مهم‌ترین مسائلی است که اتحادیه اروپا امروز با آن روبه‌رو است، زیرا حدود ۳۰درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای در اروپا را این صنعت تشکیل می‌دهد.

در سال ۱۹۹۶، بانک جهانی اعلام کرد؛ دوچرخه، مانند سایر شیوه‌های حمل‌ونقل غیرموتوری، مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را برای شهر به ارمغان می‌آورد و نباید به حاشیه رانده شود. سایر نهادهای جهانی در سال‌های بعد نیز از این خط‌مشی پیروی کردند و همچنین بودجه و پشتیبانی فنی برای توسعه برنامه‌های جامع حمل‌ونقل که شامل دوچرخه نیز می‌شود، ارائه دادند. از زمان ظهور جایزه حمل‌ونقل پایدار در سال ۲۰۰۵، هر شهر برنده جایزه، از لندن تا سئول، ابتکارات دوچرخه‌سواری را در برنامه‌های حمل‌ونقل خود گنجانده است.

اوج تشویق دولت‌ها برای استفاده از دوچرخه به‌جای خودرو و حتی وسایل حمل‌ونقل عمومی را باید از زمان همه‌گیری کرونا جست‌وجو کرد که برخی از دولت‌ها از مردم خواسته بودند تا با سفرهای دوچرخه‌ای از ازدحام ناامن در قطارها و اتوبوس‌ها جلوگیری کنند. این پیشنهاد در حالی مطرح شد که کشورها محدودیت‌های ناشی از ویروس کرونا را در مورد تجارت و سایر فعالیت‌ها کاهش داده و دولت‌ها خواستار استفاده از دوچرخه شدند تا اقتصاد را از طریق دوچرخه بازیابی کنند. این تشویق‌ها از فرانسه و آلمان تا پرو را دربرگرفت، پس از آن فعالان دوچرخه‌سواری خواستار تغییرات بیشتری برای دوچرخه‌سواری شدند و با بازگشایی شهرها در سراسر جهان، آنها به‌دنبال راه مهم‌تری برای مشارکت‌دادن دوچرخه‌ها در شهرها بودند، زیرا سیاست‌های حمل‌ونقل استفاده از دوچرخه، به کاهش آلودگی هوا و انتشار گازهای گلخانه‌ای و بهبود سلامت عمومی کمک خواهند کرد.

برخی از کشورها، شروع به ارائه تخفیف‌های مالیاتی کرده‌اند و به این‌ترتیب به شهروندان مشوق می‌دهند تا به‌جای استفاده از خودرو، با دوچرخه به محل کار خود بروند، زیرا یارانه‌ها قطعا انگیزه بیشتری برای شهروندان ایجاد می‌کنند. فرانسه از زمان همه‌گیری به شهروندان خود که قصد تغییر وضعیت خود از ماشین به دوچرخه را داشتند، مشوق‌هایی تا سقف ۴هزار یورو ارائه داده و حتی اکنون در حال تبدیل‌کردن صدها خیابان در پاریس است، اما فرانسه در پیگیری سیاست‌های حمل‌ونقل پایدار تنها نیست.

بسیاری از شهرهای اروپایی در حال برنامه‌ریزی سیستم‌های حمل‌ونقل شهری هستند که در آن خودروها وسیله اصلی حمل‌ونقل نباشند. زاگرب پایتخت کرواسی قصد دارد شبکه خطوط دوچرخه خود را گسترش دهد و سهم ترافیک سفرهای دوچرخه‌ای را تا سال ۲۰۲۵ به ۸درصد افزایش دهد. رم، لندن، فرانکفورت و اسلو محدودیت‌هایی را برای خودروهای دیزلی در منطقه شهری یا مالیات‌های ویژه‌ای برای جلوگیری از رانندگی در شلوغ‌ترین محیط‌های شهری اعمال می‌کنند. در مرکز مادرید و همچنین در میلان، تردد خودروهای تولید شده قبل از سال ۲۰۰۰ ممنوع اعلام شدند. بنابراین، کلان‌شهرهای اروپایی درحال‌توسعه زیرساخت‌های سفرهای دوچرخه‌ای، گسترش پیاده‌روها و تبدیل خطوط خودرو و خطوط پارکینگ به خطوط حمل‌ونقل عمومی یا خطوط دوچرخه شدند.

آغاز حذف خودرو از زمان کرونا

از نظر تاریخی، شهرها اغلب به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که به‌جای شیوه‌های حمل‌ونقل فعال‌تر و پایدارتر، مانند سفر دوچرخه‌ای، اولویت را به خودروها بدهند. شروع همه‌گیری کووید-۱۹ باعث تغییر قابل‌توجهی در این روایت شد. با انتشار اخباری مبنی‌بر سه‌برابرشدن فروش دوچرخه، تمام‌شدن دوچرخه در فروشگاه‌ها و رونق‌گرفتن تعمیرگاه‌ها، سال ۲۰۲۰ به‌عنوان «رونق بزرگ دوچرخه» نامگذاری شده‌است و ساکنان شهرها در سراسر جهان شاهد آن بوده‌اند. این بیماری همه‌گیر باعث علاقه بی‌سابقه‌ای به این شیوه حمل‌ونقل شد و موجی از دوچرخه‌سواران جدید یا بازگشته به این عرصه در سراسر اروپا و مناطق دورتر به‌راه افتاد.

این امر با سرمایه‌گذاری قابل‌توجه در سفر دوچرخه‌ای در شهرهای اروپایی پشتیبانی شد. فدراسیون دوچرخه‌سواران اروپا(□□□) تخمین زد که شهرهای این قاره در سال ۲۰۲۰، حدود یک‌میلیارد یورو برای اقدامات دوچرخه‌سواری مرتبط با کووید هزینه‌کردند و حداقل هزار کیلومتر خط دوچرخه، اقدامات آرام‌سازی ترافیک و مناطق بدون خودرو ایجاد کردند.

پاریس در مقایسه با سال ۲۰۱۹، شاهد افزایش تخمینی ۶۰درصدی سطح سفر دوچرخه‌ای در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ بود؛ بروکسل از افزایش چشمگیر ۶۴درصدی سفرهای دوچرخه‌ای در سال ۲۰۲۰ خبر داد و دوچرخه‌ها ۲۵درصد از کل وسایل نقلیه در یکی از شلوغ‌ترین جاده‌های میلان را در بهار ۲۰۲۰ تشکیل دادند.

درس بلژیکی در مهار خودرو

بروکسل که به‌عنوان یکی از خودرومحورترین پایتخت‌های اروپایی شناخته می‌شد، دست به یک تحول در حوزه حمل‌ونقل زد که می‌تواند الگویی برای جهان باشد. در بلژیک، دوچرخه‌سواری در طول سال‌ها به دلیل سیاست‌های فعال برای افزایش استفاده از دوچرخه در تمام سطوح مقامات ذی‌صلاح(سطح محلی، منطقه‌ای و فدرال) و بحران کووید-۱۹ به‌شدت افزایش یافته‌است، در نتیجه استفاده از دوچرخه از ۸درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۲درصد در سال‌های اخیر افزایش یافته‌است.

تحلیلی در سال ۲۰۱۴ توسط شرکت اینریکس، بروکسل را به‌عنوان یکی از دو شهر پرترافیک در اروپا یا آمریکای‌شمالی رتبه‌بندی کرد. در سال ۲۰۱۴، گاردین، بروکسل را در مرکز «تار عنکبوتی از بزرگراه‌ها» توصیف کرد که فرار از آن غیرممکن است. بیست سال‌پیش، ۷۵درصد از خانوارهای بروکسل حداقل یک خودرو داشتند.

اما زمان در حال تغییر است. شبکه حمل‌ونقل بروکسل، ابتدا به‌تدریج و سپس با سرعتی خیره‌کننده، مجددا پیکربندی شده و سفرها را از اتومبیل‌ها به سمت دوچرخه، حمل‌ونقل عمومی و پیاده‌روی تغییر داده‌است. سهم مسافران دوچرخه‌سوار تنها در چهار سال سه‌برابر شده و استفاده از حمل‌ونقل عمومی بهبود یافته‌است. در سال ۲۰۱۷، خودروها ۶۴درصد از مسافت‌های طی‌شده در داخل شهر را تشکیل می‌دادند، در حالی‌که تا سال ۲۰۲۱ این رقم به زیر ۵۰درصد کاهش‌یافت. در همین حال، یک منطقه عابر پیاده بزرگ در مرکز شهر پدیدار شده‌است. بروکسل غرق در ماشین می‌تواند در کمتر از یک نسل خود را متحول کند.

بلژیک زمانی به پایتخت ترافیک اروپا شهرت داشت، اما از سال ۲۰۰۴، اسمیت وزیر حمل‌ونقل بروکسل، اولین گام را برای ترویج دوچرخه در جهت کاهش ترافیک برداشت و میدان بزرگ فلگی را که مملو از پارکینگ عمومی بود به فواره‌های آب و محلی برای تفریح تبدیل کرد. در سال ۲۰۱۲ نیز با ایجاد کمپین «پیک‌نیک در خیابان» به‌دنبال تبدیل بلوار آنسپاخ به فضای عمومی بدون خودرو بود و همچنین در سال ۲۰۱۷، کمپینی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از ترافیک به‌دلیل نگرانی از سطح بالای آلودگی هوا در خارج از مدارس بلژیک ایجاد شد.

پیشرفت در کاهش استفاده از خودروهای شخصی حاصل دهه‌ها برنامه‌ریزی بروکسل بود، اما سه تحول غیرمنتظره بیش از هر چیز، زمینه را برای تغییرات چشمگیرتر فراهم کرد. نخست، در ۲۲مارس ۲۰۱۶، تروریست‌ها دو بمب‌گذاری در بروکسل انجام دادند که منجر به کشته‌شدن ۳۲نفر و زخمی‌شدن بیش از ۳۰۰ نفر شد. یکی از بمب‌ها در قطاری پر از مسافر که از ایستگاه مترو خارج می‌شد، منفجر شد و ساکنان را نسبت به سوارشدن به اتوبوس یا قطار محتاط کرد. البته هیچ‌چیز مثبتی در مورد آن وجود نداشت، اما یکی از عوارض جانبی این بود که افراد بیشتری شروع به استفاده از دوچرخه کردند، زیرا از مترو می‌ترسیدند.

شوک دوم، «سیاسی» بود، زمانی‌که انتخابات محلی و منطقه‌ای در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، حزب سبز بدبین به خودرو را تقویت کرد. ساکنان بروکسل که به‌دنبال فرصت‌های بهتری برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده از حمل‌ونقل عمومی بودند، ناگهان متحدان بیشتری پیدا کردند که قدرت را در دست‌داشتند.

یک دهه پس از طرح حمل‌ونقل ناامیدکننده سال ۲۰۲۰، بروکسل استراتژی جدیدی با عنوان «حرکت خوب» (Good Move) را اتخاذ کرد که اقدامات خاصی را برای چندوجهی‌ترکردن شبکه حمل‌ونقل شهر، مانند ایجاد ۵۰محله کم‌ترافیک در سراسر شهر، با خیابان‌های خاصی که به روی خودروها بسته‌بودند، مشخص می‌کرد. کمتر از دو هفته پس از تصویب «حرکت خوب»، سومین غافلگیری بروکسل را فراگرفت، زیرا شهر به‌دلیل همه‌گیری کووید وارد قرنطینه‌های شدید شد. با وجود تقریبا هیچ ترافیکی، ون‌دن برانت از فرصت استفاده کرد تا خیابان‌های شهر را از نو پیکربندی کند و با ایجاد ۴۰کیلومتر خط دوچرخه جدید در طول سال‌آینده، ده‌برابر آنچه معمولا ساخته می‌شد، شروع کرد.

با توجه به اینکه اکثر ساکنان خانه‌نشین شدند، ظهور ناگهانی این همه خط دوچرخه توجه عمومی را به خود جلب کرد. اقدامات دیگری نیز در پی آن انجام شد. در ژانویه ۲۰۲۱، محدودیت سرعت عمومی ۳۰کیلومتر در ساعت تصویب شد. این شهر از چندین تاکتیک برای محدودکردن دسترسی به خودرو استفاده کرد. اول، خیابان‌های دوطرفه به یک‌طرفه تبدیل شدند و استفاده از آنها برای رانندگان جهت رفتن از یک طرف شهر به طرف دیگر را غیرممکن ساخت. دوم، ثبت خودکار جریمه با دوربین به خودروهای مجاز اجازه ورود به خیابان‌های خاصی را می‌داد، درحالی‌که از ورود به خیابان‌های دیگر جلوگیری می‌کرد و سوم، زیرساخت‌های سخت، برخی از جاده‌ها را به‌طور کامل از ترافیک خودروها مسدود کرده‌بود. شهرداری در تخصیص بودجه به مسیر «توسعه دوچرخه‌سواری» نقش قابل‌توجهی داشت.

تشویق هلند برای استفاده از دوچرخه

دوچرخه‌سواری یکی از رایج‌ترین شیوه‌های حمل‌ونقل در هلند است و این کشور تقریبا ۲۲.۸میلیون دوچرخه در کل دارد. علاوه‌بر این، سالانه حدود یک‌میلیون دوچرخه فروخته می‌شود، بنابراین جای تعجب نیست که سهم ۲۷درصدی از حمل‌ونقل عمومی نه‌تنها بالاترین میزان در منطقه بنلوکس، بلکه بالاترین رقم برای هر کشوری در جهان است. دوچرخه‌سواری در طول بحران کووید ۲۵درصد افزایش‌یافت و فروش دوچرخه‌های برقی در طول همه‌گیری در سال ۲۰۲۰ با رشد ۳۸درصدی همراه شد.

دولت هلند به‌منظور تشویق افراد برای استفاده از دوچرخه برای رفتن به محل کار، به‌منظور کاهش ترافیک، اقدام به ایجاد بزرگراه‌های سفرهای دوچرخه‌ای برای مسافت‌های تا ۱۵کیلومتر کرد. در سال‌های اخیر، دولت مرکزی مقامات شهری و استانی را تشویق کرده‌است که مسیرهای دوچرخه‌سواری منطقه‌ای خوبی ایجاد کنند. در حال‌حاضر، حدود ۲۵ بزرگراه ویژه دوچرخه در حال استفاده یا در دست ساخت هستند.

همچنین، دولت هلند برنامه «سفیران سفرهای دوچرخه‌ای» را به‌عنوان بخشی از ماموریت «دوچرخه را انتخاب کنید» خود معرفی کرده‌است که شامل ۱۷ شرکت است که خود را متعهد به تشویق دوچرخه‌سواری نه‌تنها برای کارمندان خود، بلکه برای کل بخش خود کرده‌اند. هدف این ماموریت افزایش ۱۰درصدی کارمندانی است که با دوچرخه به محل کار می‌روند. سفیران دوچرخه به‌طور فعال دوچرخه‌سواری را در بین کارمندان خود تشویق می‌کنند، به‌طوری که نه‌تنها الهام‌بخش کارمندان خود، بلکه بخش، منطقه یا مشتریان خود نیز هستند. نمونه‌هایی از اقدامات هدفمند انجام‌شده توسط سفیران عبارتند از: کمک‌هزینه براساس کیلومتر، استفاده از مشوق‌های مالیاتی هنگام خرید دوچرخه، ایستگاه‌های شارژ دوچرخه‌های برقی، دوچرخه‌های اجاره‌ای، سوله‌های دوچرخه و تعمیرگاه‌های دوچرخه در دفتر.

کارفرمایان نیز از دوچرخه‌سواری کارمندان برای رفتن به محل کار سود می‌برند. کارمندانی که دوچرخه‌سواری می‌کنند، از نظر جسمی در وضعیت بهتری هستند و کمتر به دلیل بیماری غیبت می‌کنند. علاوه‌بر این، شرکت‌ها ممکن است بتوانند در هزینه‌های پارکینگ صرفه‌جویی کنند، زیرا کارمندان بیشتری به محل کار خود با دوچرخه رفت و آمد می‌کنند، به همین‌دلیل، دولت کارفرمایان را تشویق می‌کند تا امکانات خوبی را برای دوچرخه‌سواران فراهم کنند. یکی از این اقدامات کمک‌هزینه مسافت پیموده‌شده برای دوچرخه‌سواران است. کارفرمایان می‌توانند به دوچرخه‌سواران کمک‌هزینه مسافت پیموده شده (بدون مالیات) تا سقف ۰.۱۹یورو در هرکیلومتر پرداخت کنند، همان نرخی که برای کارمندانی که با ماشین به محل کار می‌روند، درنظر گرفته شده‌است.

همچنین، قوانین مالیاتی ساده‌تری در مورداستفاده از دوچرخه شرکت برای مقاصد شخصی اعمال کنند. از اول ژانویه ۲۰۲۰، قوانین مالیاتی برای افرادی که از دوچرخه شرکت برای مقاصد شخصی استفاده می‌کنند، ساده شده‌است. این امر در مورد دوچرخه، دوچرخه برقی و دوچرخه‌های سرعتی که توسط کارفرما پرداخت می‌شود، صدق می‌کند. پارکینگ دوچرخه ۵برابر بیشتر از همان فضای پارکینگ خودرو، امکان خرید خرده‌فروشی را فراهم می‌کند.

توزیع ۳۶هزارمیلیارد ریال عوارض بین شهرداری‌های آذربایجان‌شرقی

مدیرکل امور مالیاتی آذربایجان‌شرقی از توزیع ۳۶ هزارمیلیارد ریال مالیات و عوارض ارزش افزوده بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان در نیمه نخست سال جاری خبر داد و گفت: این اقدام گامی موثر به منظور توسعه متوازن شهری و روستایی است.

عیسی اورج‌زاده با اعلام این خبر اظهار کرد: این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۳۲ درصد رشد داشته است. وی اضافه کرد: از مجموع رقم توزیع شده ۲۶هزارمیلیارد ریال سهم شهرداری‌ها و ۱۹هزار و ۶۳۴میلیارد ریال سهم دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری بوده است.

مدیرکل امور مالیاتی استان با اشاره به اهمیت تعامل با شهرداری‌ها، به‌ویژه شهرداری تبریز، افزود: از مجموع سهم شهرداری‌ها در این مدت، ۱۴هزار و ۶۹۷میلیارد ریال سهم شهرداری تبریز بوده و رشد ۳۱درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل داشته است. اورج‌زاده در توضیح نحوه تخصیص منابع مالیات ارزش افزوده گفت: از مجموع ۱۰ درصد مالیات ارزش افزوده، یک درصد به حوزه سلامت، یک درصد به همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، ۴درصد به‌عنوان مالیات و ۴ درصد به‌عنوان عوارض اختصاص می‌یابد.

برنامه‌های توسعه‌ای درجزیره کیش

دورانی نوین که در آن، این منطقه آزاد با چشم‌اندازی بلندپروازانه و هوشمند، خود را برای ایفای نقشی مهم در اقتصاد منطقه آماده می‌کند. محور این تحول بزرگ، برنامه «کیش ۱۴۱۴» است؛ نقشه راهی جامع که قرار است این جزیره را به الگویی برای «مناطق آزاد نسل هفتم» تبدیل کند. محمد کبیری، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، با اتکا به یک دیپلماسی اقتصادی فعال و باور به توان بخش خصوصی، سنگ بنای این گذار تاریخی را گذاشته و موتور توسعه کیش را پس از سال‌ها رکود، دوباره روشن کرده است. این گزارش، به روایت جزئیات برنامه‌های مدیرعامل و چشم‌اندازآینده کیش می‌پردازد.

جزیره کیش از آذر ۱۴۰۳ با انتصاب محمد کبیری به سمت مدیرعامل این منطقه آزاد، شاهد موجی تازه از توسعه زیرساختی و اقتصادی بوده است. از افزایش ظرفیت آب و برق و حرکت به سمت انرژی‌های پاک، تا اصلاح فرآیندهای اداری و بازگشت مزیت‌های رقابتی.

در این مسیر، گسترش تعاملات اقتصادی با داخل و خارج از کشور نیز در قالب بسته‌های جامع برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای، به عنوان یک رویکرد راهبردی در دستور کار مسوولان قرار گرفته است. پس از آغاز به کار تیم مدیریتی جدید در سازمان منطقه آزاد کیش، تحولات این جزیره را می‌توان در چهار محور اصلی «توسعه زیرساخت‌های حیاتی، اصلاح فرآیندها و حمایت از سرمایه‌گذار، جذب و هدایت سرمایه‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز راهبردی» دسته‌بندی کرد. مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش با صراحت، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش رو را «از دست دادن مزیت‌های رقابتی مناطق آزاد» می‌داند. او در تشریح این چالش می‌گوید: قوانین مترقی مناطق آزاد برای تسهیل کسب‌وکار طراحی شده‌اند، اما باید افسوس خورد که ما داشته‌هایمان را از دست داده‌ایم. سیلی از مقررات اضافی به این قوانین تحمیل شده، تا جایی که باید پرسید: تفاوت منطقه آزاد با سرزمین اصلی چیست؟

او تاکید می‌کند: مناطق آزاد دولت‌های خودگردانی هستند که بودجه دولتی دریافت نمی‌کنند مالیات می‌دهند درحالی‌که هیچ خدمتی دریافت نمی‌کنند و همه مناطق این مشکل را دارند. اصلاح قانون مناطق آزاد، پیش‌شرط تحقق سیاست‌های اقتصادی دولت است. اصلاح این قانون کار بزرگی در جهت گشایش امور مناطق آزاد است در غیر این صورت مناطق آزاد با مشکلات بسیار مواجه می‌شوند.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، برنامه سه‌ساله خود را بر سه پایه استوار کرده است: اول توسعه و نوسازی زیرساخت‌های حیاتی. کبیری توسعه زیرساخت‌ها را پیش‌نیاز جذب هرگونه سرمایه‌گذاری بزرگ می‌داند. او به پیشرفت‌های چشم‌گیر در حوزه آب و برق اشاره می‌کند و می‌گوید: ظرفیت تولید آب با مشارکت بخش خصوصی در کمتر از شش ماه از ۲۳ هزار به ۳۵ هزار مترمکعب رسیده و تا پایان سال به ۴۲ هزار مترمکعب خواهد رسید. در حوزه برق نیز با ورود دو نیروگاه جدید، مشکل قطعی برق، حتی در اوج مصرف نوروز ۱۴۰۴، به طور کامل رفع شد. برنامه دوم اصلاح فرآیندها و مقررات‌زدایی است.

این محور، نیازمند زمان و رایزنی‌های فشرده با نهادهای مرکزی است. کبیری از تشکیل کارگروه‌های ویژه در حوزه گمرک و مالیات خبر داده که هدف آن، رفع موانع اضافی و بازگشت به روح اصلی قوانین مناطق آزاد است و برنامه سوم ارائه بسته‌های تشویقی و حمایتی هدفمند است.

هدف از این بسته‌ها، جبران بخشی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری برای فعالان اقتصادی داخلی و خارجی است. این طرح با همکاری نظام بانکی و مالی کشور در حال نهایی‌سازی است. کبیری تاکید می‌کند که دیگر نمی‌توان تنها به درآمدهای سنتی تکیه کرد. او از برنامه‌های بلندپروازانه‌ای خبر می‌دهد که کیش را به کانون اقتصاد دیجیتال منطقه تبدیل خواهد کرد و می‌گوید: در نظر داریم سرمایه‌های جدید را به سمت اقتصاد خلاق، فناوری‌های نو و هوش مصنوعی هدایت کنیم.

راه‌اندازی هاب هوش مصنوعی

از جمله ابرپروژه‌های معرفی‌شده، ایجاد «شهر فناوری» با تمرکز بر شرکت‌های دانش‌بنیان و «هاب هوش مصنوعی» است. این طرح‌ها قرار است با همکاری معاونت علمی ریاست جمهوری و دانشگاه‌های برتر کشور اجرایی شوند. کبیری با شعار «۵۲ هفته، ۵۲ رویداد»، سیاست خود را بر محوریت گردشگری رویدادمحور قرار داده است.

او می‌گوید: با ارائه بسته‌های تشویقی، هزینه تمام‌شده برگزاری رویداد در کیش را با دیگر شهرها برابر کرده‌ایم. نتیجه این سیاست، رشد ۱۰۴ درصدی تعداد رویدادها در بهار ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل و ثبت رکورد ۸۰ درصدی اشغال هتل‌های پنج‌ستاره در نوروز بود. او می‌گوید: برگزاری بیست و هشتمین دوره جشنواره تابستانه کیش با شعار «تابستون تو بیار کیش» موجب بازگشت رونق به گردشگری این جزیره شد و رکوردهای تابستانی بی‌سابقه‌ای در ورود مسافران، ضریب اشغال هتل‌ها و پروازها به ثبت رسید.

درشهریورامسال شاهد رکوردشکنی در شاخص‌های گردشگری بودیم. ضریب اشغال هتل‌ها در روزهای اخیر به بیش از ۸۴ درصد رسید، رقمی که پیش از این فقط در زمستان تجربه می‌شد و در شهریور سابقه نداشت. همچنین تنها در یک روز ۹۸ پرواز در فرودگاه کیش انجام شد که در تابستان‌های گذشته چنین رقمی ثبت نشده بود. افزایش ۱۰۰ درصدی گردشگران خارجی کیش در یک سال گذشته نشان می‌دهد نقش بخش خصوصی در توسعه کیش تعیین کننده است. نزدیک به ۶۰درصد کل سرمایه‌گذاری‌های جذب شده‌ی کیش در حوزه گردشگری است که نشان‌دهنده اهمیت این بخش به‌عنوان قلب تپنده اقتصاد جزیره است. او معتقد است: رکوردهای اخیر در حوزه گردشگری «آغاز یک ماجرای بزرگ» برای توسعه این جزیره است.

گردشگری سلامت و ورزشی

مدیرعامل کیش، تبدیل این جزیره به «هاب سلامت خلیج فارس» را یک ابرپروژه دانسته و اعلام کرد: کیش به دلیل امکان پرواز مستقیم، ظرفیت تبدیل شدن به قطب گردشگری سلامت کشور را دارد. همچنین، توسعه گردشگری ورزشی با طرح‌هایی مانند دهکده المپیک و نوسازی پیست دوچرخه‌سواری در حال اجراست.

کبیری با اشاره به اینکه «مسکن» اولین دغدغه مردم کیش است، از شناسایی ۱۰۳ قطعه زمین برای واگذاری به بومیان واجد شرایط خبر داد. فرآیند نام‌نویسی برای این طرح از تابستان امسال آغاز شد. رایگان شدن درمان برای اقشار متوسط و ضعیف جزیره و استقرار مجموعه‌های آموزشی باکیفیت مانند مدارس الغدیر، از دیگر اقدامات است. کبیری به‌صورت جدی در حال پیگیری است تا بخشی از درآمد ۳۲۰۰میلیارد تومانی سازمان تامین اجتماعی از کیش، به توسعه زیرساخت‌های درمانی جزیره بازگردانده شود.

الزام استفاده از پنل‌های خورشیدی

از این پس، تمام ساختمان‌های جدید در کیش ملزم به نصب پنل‌های خورشیدی خواهند بود. کبیری این تصمیم را نه یک انتخاب، که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای جزیره‌ای با ۳۰۰روز آفتابی در سال دانست. برنامه‌ریزی برای احداث نیروگاه خورشیدی ۱۱۰مگاواتی در ۱۰۰ هکتار از زمین‌های بایر جزیره نیز از دیگر پروژه‌های کلیدی است.

چشم‌انداز ۱۴۱۴

کبیری از به‌روزرسانی طرح جامع توسعه کیش پس از دو دهه خبر داد و از طراحی برنامه «کیش ۱۴۱۴» در قالب سه برنامه توسعه سه‌ساله رونمایی کرد. هدف از این برنامه، تبدیل کیش به الگویی از مناطق آزاد نسل هفتم با تمرکز بر حکمرانی هوشمند، اقتصاد دیجیتال، هوش مصنوعی، بلاک‌چین و توسعه انسانی است.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۲۱
www.marzeghtesad.ir

بازارهای تازه برای نفت ایران

لیلا جلیلوند – به گزارش رویترز، صادرات نفت ایران در ماه اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرده و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسیده است.

داده‌ای که موسسات بین‌المللی آن را در شریط بازگشت تحریم‌های شورای امنیت کم‌نظیر دانسته‌اند. این افزایش نشان می‌دهد تهران شبکه فروش خود را گسترش داده و دروازه بازارهای تازه‌ای را گشوده است. آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سوی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تایید قرار گرفته است. با این حال، ابهامات زیادی از جمله نحوه بازگشت ارز، سازوکارهای تهاتری و مقاصد نهایی محموله‌ها همچنان ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرده است. به‌رغم متنوع‌سازی سبد فروش، چین همچنان اصلی‌ترین خریدار نفت ایران است و واردات از ایران را در ماه سپتامبر به محدوده ۱.۴میلیون بشکه در روز رسانده است. وزارت خارجه چین اخیرا در بیانیه‌ای اعلام کرده که بنا دارد مشارکت راهبردی جامع با ایران را به سطح بالاتری ارتقا دهد که نشان‌دهنده همکاری عمیق‌تر سیاسی و اقتصادی پکن و تهران است.

هادی سلگی: درحالی‌که داده‌های مربوط به صادرات نفت ایران نشان‌دهنده دو رکورد پیاپی در دو ماه اخیر میلادی (سپتامبر و اکتبر) است، گزارش کاهش واردات نفت ایران از سوی چین ضرورتا ما را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که دروازه بازارهای تازه‌ای گشوده شده‌است. صادرات نفت ایران در اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرد وبه بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسید؛رکوردی که در میانه فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی، نگاه بسیاری از تحلیلگران بازار انرژی را متوجه تهران کرده است. این رشد نشان می‌دهد ایران با وجود تنگناهای دیپلماتیک، همچنان توانسته مسیرهای فروش خود را حفظ و حتی تقویت کند. اما پشت این افزایش قابل توجه، مجموعه‌ای از پرسش‌های کلیدی پابرجاست: ارز حاصل از فروش نفت چگونه و با چه مکانیزمی بازمی‌گردد؟ نقش تهاتر در معاملات نفتی تا چه اندازه پررنگ شده؟ و مهم‌تر از همه، مقاصد واقعی محموله‌ها کدام کشورها یا واسطه‌ها هستند؟ کارشناسان می‌گویند ارائه جزئیات بیشتری درباره شیوه تسویه حساب، نوع قراردادها و چرخه مالی صادرات می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر پایداری این سطح از صادرات و میزان اثرگذاریآن بر اقتصاد داخلی کمک کند.

صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به روزانه ۲,۱۵میلیون بشکه رسیده که بالاترین رکورد از سال ۲۰۱۸ محسوب می‌شود. آمارهای رسمی و تحلیل موسسات ردیابی نفت از جمله کپلر نشان می‌دهد؛ در ماه سپتامبر ۲۰۲۵ واردات نفت‌خام چین نسبت به مدت مشابه سال‌قبل ۴درصد افزایش داشته و به حدود ۴۷میلیون تن رسیده‌است؛ با این‌حال واردات از ایران کاهش قابل‌توجهی را تجربه‌کرده و به رقمی در حدود ۱,۴میلیون بشکه در روز در سپتامبر رسیده که نسبت به میانگین سه‌ماهه پیشین روند نزولی را نشان می‌دهد.

تحلیلگران این کاهش را ناشی از ترکیبی از عواملی همچون کاهش سهمیه پالایشگاه‌های خصوصی، فشار تحریم‌ها و همچنین افت حاشیه‌های آربیتراژ و سطح بالای ذخایر در هابهای ذخیره‌سازی چین می‌دانند. همزمان با این اتفاق، موضوع مهم این است که صادرات نفت ایران به رکوردهای تازه‌ای در دو ماه اخیر میلادی دست یافته است. طبق داده‌های موسسات معتبر بین‌المللی، صادرات نفت ایران در سپتامبر و اکتبر به ترتیب به حدود ۱,۹و ۲,۱۵میلیون بشکه در روز رسیده‌است. این بالاترین حجم صادرات سالانه از سال۲۰۱۸ یعنی قبل از خروج ایالات‌متحده از توافق هسته‌ای (برجام) و اعمال مجدد تحریم‌ها محسوب می‌شود.

خبرگزاری مهر هم دیروز گزارش داد؛ ایران در اکتبر موفق شد با صادرات بیش از ۶۶میلیون بشکه به بالاترین سطح فروش نفت سال ۲۰۲۵ برسد. بر اساس این گزارش «بر پایه داده‌های رسمی وزارت نفت، صادرات ماهانه ایران از مرز ۶۶میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه عبور کرده و میانگین روزانه ۲میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه را ثبت کرده‌است؛ رقمی که در پانزده ماه گذشته بی‌سابقه بوده‌است.» هرچند شرکت تانکرز ترکرز اعلام کرده‌بود؛ صادرات نفت‌خام ایران در سپتامبر۲۰۲۵ (شهریور) به سطحی رسیده که از اواسط سال ۲۰۱۸ تاکنون سابقه نداشته‌است؛ سپتامبری که ایران صادرات ۱,۹میلیون بشکه‌ای را برای خود ثبت کرده‌بود، درحالی‌که اکتبر هم از این رقم عبور کرد و رکورد جدیدی را به‌دست آورد.

آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سوی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تایید قرار گرفته‌است. موسسه تحقیقاتی FDD نوشت: صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به بالاترین سطح ماهانه خود در سال رسید و نشان داد تحریم‌های دولت ترامپ شکست خورده است. این موسسه هم عنوان کرده‌است: «ایران در این ماه حدود ۶۶,۸میلیون بشکه نفت صادر کرده که میانگین روزانه آن ۲,۱۵میلیون بشکه بوده‌است.» محسن پاکنژاد، وزیر نفت، هفتم آبان ماه در حاشیه هیات دولت عنوان کرد: «حیف که نمی‌توانم عدد صادرات نفت را بگویم، اگر عدد می‌گفتم، متوجه می‌شدید که شرایط خیلی بهتر از گذشته است.» طبق آمارها، نفت‌خام بخش اصلی این جریان را با ۱,۹۳میلیون بشکه در روز (۸۹,۸درصد) تشکیل می‌دهد و در کنار آن نفت کوره با ۱۹۳,۶هزار بشکه در روز (۹درصد) و میعانات گازی با ۲۶ هزار بشکه در روز (۱,۲درصد) قرار دارند.

درحالی‌که داده‌های مربوط به صادرات نفت ایران نشان‌دهنده دو رکورد پیاپی در دو ماه اخیر میلادی (سپتامبر و اکتبر) است.

تنوع بازارهای فروش

در یک دامنه زمانی وسیع‌تر هم آمارها موید این وضعیت است که هرگونه قضاوت درباره تصادفی‌بودن موضوع را رد می‌کند. طبق داده‌هایی که از طریق ردیابی کشتی‌ها به‌دست می‌آید، صادرات نفت‌خام ایران در سال۲۰۲۴ در حدود ۵۸۷میلیون بشکه بوده که معادل تقریبا ۱,۶۱میلیون بشکه در روز است. این نشان‌دهنده افزایش حدود ۱۱درصدی نسبت به سال۲۰۲۳ است، زمانی‌که صادرات حدود ۵۳۰میلیون بشکه(۱,۴۵ تا ۱,۵میلیون بشکه در روز) برآورد شده‌بود. دو فکت «رقم کلی صادرات ماه سپتامبر» و«کاهش واردات رسمی چین از ایران» کارشناسان را به این نتیجه‌گیری رهنمون کرده است که؛ بخشی از محموله‌ها مسیر خود را تغییر داده و از طریق شبکه‌ای پیچیده از کشتی‌های ناشناس، جابه‌جا شده‌اند. صنعت نفت ایران - ستون فقرات اقتصاد ایران-همچنان انتظارات را به چالش می‌کشد. با وجود چهار دهه‌تحریم و انزوا، ایران بسیاری از زیرساخت‌های صادراتی خود را بازسازی‌کرده و راه‌های جدیدی برای دسترسی به بازارها پیدا کرده‌است.

منابع معتبر جهانی اعلام کرده‌اند که «در سال۲۰۲۴، ایران یکی از قوی‌ترین عملکردهای صادرات نفت خود را در یک دهه‌اخیر به‌دست آورد و حجم و درآمدها را حتی تحت‌تحریم‌های ایالات‌متحده افزایش داد.» بر اساس داده‌های صادرات ایران ارزش کل صادرات نفت ایران در سال۲۰۲۴ به ۴۳میلیارد دلار رسید که نسبت به سال‌قبل ۲درصد افزایش داشته‌است. طبق آمار آژانس بین‌المللی انرژی، در نیمه اول سال۲۰۲۴ میزان صادرات نفت ایران به‌طور متوسط حدود ۱,۷میلیون بشکه در روز بوده و این رقم در سپتامبر و اکتبر به رکورد بالاترین فروش در سال‌های اخیر رسیده و این در حالی است که صنعت نفت ایران برای دهه‌ها با تحریم‌هایی که تولید، صادرات و معاملات مالی آن را هدف قرار می‌دهد، محدود شده‌است.

رژیم تحریم‌ها دسترسی به فناوری غربی، بیمه و حمل‌ونقل نفت‌خام ایران را محدود و نقل و انتقالات مالی بین‌المللی برای پرداخت نفت را مسدود می‌کند. بسیار گفته می‌شود که دورزدن سیستم هوشمند تحریم‌ها (که با گذشت زمان و به‌دست آوردن الگوهای اطلاعاتی جدید سخت‌تر می‌شود)، کار دشواری است؛ خصوصا اطلاعاتی که الگوی صادرات نفت‌خام ایران را احصا و تحت‌تحریم‌های جدید قرار می‌دهند.

شکست تحریم نفتکش‌ها

از مجموع ۵۳ نفتکشی که نفت ایران را حمل کردند، ۳۹ فروند توسط آمریکا، دو فروند توسط انگلیس و سه فروند توسط اتحادیه اروپا تحریم شده‌اند، درحالی‌که ۱۴ نفتکش هنوز مشمول هیچ تحریمی نیستند. این موضوع نشان‌می‌دهد که یک‌چهارم از ناوگان سایه‌ای که در تجارت نفت ایران نقش دارند، هنوز تحت‌تحریم قرار نگرفته‌اند و نفتکش‌های تحریم‌شده همچنان آزادانه در سراسر جهان تردد می‌کنند. نگاهی تاریخی به دو دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نشان می‌دهد که اهداف اصلی تحریم‌های واشنگتن، کاهش صادرات نفت ایران و قطع مسیر درآمد ارزی بود. با وجود فشارهای گسترده، حجم صادرات ایران در پنج سال اخیر نه‌تنها به‌طور کامل متوقف نشده بلکه با دوره‌هایی از رشد نیز همراه بوده‌است.

در مقطع فعلی، ایران در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تقریبا دو برابر میزان آن زمان نفت صادر می‌کند. این داده‌ها نشان‌دهنده شکست ساختاری سیاست آمریکاست که تصور می‌کرد محدودسازی حمل‌ونقل و بیمه کافی است. اما ایران با وجود این محدودیت‌های صادراتی، نفت را از طریق کانال‌های مختلف صادر می‌کند و در عین‌حال به افزایش تولید نفت ادامه می‌دهد تا جایگاه خود را در بازار جهانی انرژی حفظ کند. شاهد گویای این گزاره همین داده‌هایی است که از کاهش صادرات نفت کشور به چین و همزمان افزایش فروش خارجی خبر می‌دهد. امری که حکایت از موفقیت مدیران نفتی در استفاده از روش‌های نوین وخلاقانه در شبکه فروش دارد.

بسیاری از منابع خارجی معتقدند این قوی‌ترین عملکرد صادرات در نزدیک به یک دهه‌گذشته است که بازگشت ایران به‌عنوان یک تامین‌کننده رادارگریز اما مهم نفت به آسیا را نوید می‌دهد، بنابراین می‌توان گفت بارزترین ویژگی تجارت نفت ایران در ماه‌های اخیر کاهش تمرکز جغرافیایی شدید آن و افزایش تنوع مشتری‌ها بوده‌است؛ دستاوردی که بزرگ‌ترین مساله بازاری صنعت نفت ایران محسوب می‌شود و گسترش آن مهم‌ترین عامل کاهش ریسک صادرات است.

اجرای طرح ملی بهینه‌سازی مصرف انرژی

به گزارش توانیر، مصطفی رجبی مشهدی افزود: این اقدام در جهت اجرای مصوبه وزیر نیرو و به‌منظور ارتقای بهره‌وری و حفظ پایداری شبکه برق کشور در ایام اوج مصرف صورت می‌گیرد.
وی ادامه داد: صنایع مشمول ماده ۴ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق که هنوز نیروگاه‌های خود را به مدار نیاورده‌اند، می‌توانند از طریق مشارکت در طرح‌های بهینه‌سازی، از جمله تعویض کولرهای گازی پنجره‌ای و جایگزینی موتور کولرهای آبی قدیمی با موتورهای کم‌مصرف BLDC، در این برنامه مشارکت کنند و از مزایای افزایش سقف مجاز مصرف برق بهره‌مند شوند.
مدیرعامل توانیر خاطرنشان کرد: صنایعی که از این فرصت استفاده نکنند یا در انجام تکالیف قانونی کوتاهی کنند، در اولویت برنامه‌های مدیریت بار و محدودیت برق در تابستان آینده قرار خواهند گرفت. مدیرعامل شرکت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق(توانیر) از اجرای طرح ملی «بهینه‌سازی مصرف انرژی در صنایع انرژی‌بر» خبر داد. مصطفی رجبی مشهدی افزود: این اقدام در جهت اجرای مصوبه وزیر نیرو و به‌منظور ارتقای بهره‌وری و حفظ پایداری شبکه برق کشور در ایام اوج مصرف صورت می‌گیرد.
وی ادامه داد: صنایع مشمول ماده ۴ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق که هنوز نیروگاه‌های خود را به مدار نیاورده‌اند.

فراز و فرود استارت‌آپ‌ها

دهه ۹۰، برای استارت‌آپ‌ها به دو دوره فراز و فرود تقسیم شده است. در نیمه اول آن دهه اکوسیستم اقتصاد دیجیتال ایران به‌دلیل حضور نیروی جوان و خلاق، ورود سرمایه و تجربه خارجی و گسترش سریع بازار دیجیتال، توانست از بسیاری از کشورهای منطقه در این حوزه پیشی بگیرد. این ترکیب پویا زمینه‌ساز رشد پرشتاب اقتصاد نوآوری در کشور شد. علاوه بر این، توسعه اینترنت و تلفن هوشمند، زمینه تقاضا را برای خدمات آنلاین فراهم کرد و بازار بکر داخلی باعث شد تا کارآفرینان بتوانند مدل‌های موفق جهانی را بومی‌سازی کنند. با این حال، از میانه دهه ۹۰ و همزمان با تشدید تحریم‌ها، محدودیت‌های اینترنت، مهاجرت نیروی انسانی متخصص و توقف ورود سرمایه‌گذاری خارجی، مسیر رشد این اکوسیستم متوقف و وارد دوره‌ای از رکود شده است. این مهاجرت فقط مختص به بنیان‌گذاران نبوده و به مدیران رده‌میانی و نیروهای فنی هم رسیده است. در حال حاضر تخمین زده می‌شود که حدود ۷هزار استارت‌آپ در ایران وجود دارد؛ اما کمتر از ۱۰ درصدشان فعال هستند.

در دهه ۱۳۹۰، ایران شاهد تولد و شکوفایی نسلی تازه از استارت‌آپ‌ها بود؛ پدیده‌ای که حاصل هم‌افزایی نیروی جوان و خلاق، ورود سرمایه و تجربه خارجی و گسترش سریع بازار دیجیتال به واسطه توسعه اینترنت و تلفن هوشمند بود. این ترکیب پویا زمینه‌ساز رشد پرشتاب اقتصاد نوآوری در کشور شد. با این حال، از میانه دهه و هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها، محدودیت‌های اینترنت، مهاجرت نیروی انسانی متخصص و توقف ورود سرمایه‌گذاری خارجی، مسیر رشد این اکوسیستم متوقف و وارد دوره‌ای از رکود شد. امروز دیگر مساله اصلی استارت‌آپ‌های ایرانی کمبود منابع مالی نیست، بلکه بحران جدی‌تر در خروج سرمایه‌های انسانی و تضعیف زیست‌بوم کارآفرینی کشور نهفته است.

از رونق تا رکود

از اوایل دهه ۱۳۹۰ با ظهور نمونه‌هایی مثل دیجی‌کالا، کافه‌بازار و آپارات، اکوسیستم استارت‌آپی ایران وارد مرحله جدی شد. اما آخرین تخمین‌ها نشان می‌دهد که بین ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ استارت‌آپ در ایران فعال‌اند، اما کمتر از ۱۰ درصد آنها توانسته‌اند به مقیاس بزرگ یا سودآوری پایدار برسند. بیشترین استارت‌آپ‌ها در حوزه‌های فین‌تک، تجارت الکترونیک، آموزش آنلاین، لجستیک و حمل‌ونقل، و سلامت دیجیتال فعالیت دارند. دلایل متعددی برای رشد استارت‌آپ‌ها در دهه نود ذکر می‌شود، اما مهم‌ترین آنها را می‌توان در ورود سرمایه‌گذاران خطرپذیر (VC) خارجی، نیروی انسانی جوان، خلاق و تحصیل‌کرده و رشد فناوری دیجیتال و نیاز بازار داخلی دانست.

نیما نامداری، فعال اقتصاد دیجیتال هم در گفت‌وگویی مطرح کرد که در صنعت دیجیتال اگر شما نیروی انسانی باکیفیت داشته باشید، این صنعت شکل می‌گیرد اما اگر نداشته باشید این صنعت شکل نمی‌گیرد و ضعیف می‌شود. به گفته او، البته این صنعت با مشکل کمبود سرمایه هم مواجه است. در سال‌های ابتدای دهه ۹۰، وی‌سی‌های خارجی باعث تولد استارت‌آپ‌های بزرگ در ایران شدند اما از سال ۹۵ به این سو استارت‌آپ‌ها سرمایه جدید جذب نکرده‌اند.

در ابتدای دهه ۱۳۹۰، سرمایه‌گذاران خارجی به بازار ایران وارد شدند. این سرمایه‌ها علاوه بر تامین مالی، دانش و تجربه سرمایه‌گذاری استارت‌آپی را نیز وارد کشور کردند. از سوی دیگر، دهه ۹۰ مصادف با بلوغ نسل جوانی بود که تحصیلات فنی و انگیزه کارآفرینی داشتند. همچنین، در آغاز این دهه، امید اجتماعی و امکان رشد در کشور بیشتر بود؛ در نتیجه میل به ایجاد کسب‌وکار دیجیتال هم افزایش یافت. علاوه بر این، توسعه اینترنت و تلفن هوشمند، زمینه تقاضا برای خدمات آنلاین را فراهم کرد و بازار بکر داخلی باعث شد تا کارآفرینان بتوانند مدل‌های موفق جهانی را بومی‌سازی کنند. اما از اواسط دهه ۱۳۹۰ به بعد، قطع ورود سرمایه خارجی (از سال ۱۳۹۵ به بعد)، خروج نیروی انسانی و مهاجرت بنیان‌گذاران، کاهش انگیزه رشد در داخل کشور، خروج سرمایه انسانی در دو سطح، تضعیف اکوسیستم سرمایه‌گذاری داخلی و محدودیت تکنولوژیک ناشی از تحریم‌ها موجب شد تا وارد دوران رکود استارت‌آپ‌ها شویم؛ تا جایی که نه کسب‌وکار جدیدی شکل بگیرد و نه کسب‌وکارهای موجود بتوانند رشدهای قابل‌توجهی داشته باشند.

از نظر کارشناس‌ها و فعالان اکوسیستم اقتصاد دیجیتال، تحریم‌های مالی و بانکی و فضای سیاسی مانع جذب سرمایه جدید شدند؛ در نتیجه، جریان «پول هوشمند» و تجربه مدیریتی بین‌المللی متوقف شد. از طرف دیگر، تحت‌تاثیر این موضوع با مهاجرت کارآفرینان و نیروهای متخصص ضربه اصلی به اکوسیستم وارد شد. ویژگی این مهاجران «ریسک‌پذیری، خلاقیت و مهارت بالا» بود؛ دقیقا همان ویژگی‌های لازم برای ایجاد استارت‌آپ. در نتیجه همین اتفاق، اجتماع خلاقی که باید بستر زایش استارت‌آپ‌ها باشد، کوچک و ضعیف شد. البته، این خروج سرمایه در دو سطح اتفاق افتاد. از یک سمت، فاندرها و هسته‌های کلیدی که ایده و رهبری استارت‌آپ را دارند، مهاجرت کردند.

از سمت‌دیگر، نیروی متخصص میانی و ارشد که در مسیر رشد، کشور را ترک کردند. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران داخلی تمایل به بازارهای کم‌ریسک‌تر (زمین و مسکن) دارند و بانک‌ها نیز استارت‌آپ‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند و وام نمی‌دهند، تنها استارت‌آپ‌های بزرگ می‌توانند از درآمد خود برای توسعه استفاده کنند و کوچک‌ترها عملا متوقف می‌شوند. علاوه بر این، به دلیل تحریم‌ها و دسترسی دشوار به ابزارها و فناوری‌های روز در ایران متخصصان ترجیح می‌دهند تا در خارج از کشور فعالیت کنند. در نتیجه همه این موارد، ایران در حال حاضر دارای هزاران استارت‌آپ فعال است، اما تنها تعداد محدودی توانسته‌اند به سطح ملی یا منطقه‌ای برسند. اکوسیستم در حال بلوغ است، اما برای جهش جدی نیاز به سرمایه‌گذاری پایدار، سیاستگذاری حمایتی و دسترسی به بازارهای جهانی دارد.

بررسی وضعیت استارت‌آپی ایران با کشورهای ترکیه و امارات نشان می‌دهد که امارات با توجه به سیاست‌های جذب سرمایه خارجی و اکوسیستم باز، بیشترین تعداد استارت‌آپ‌های فعال را در منطقه دارد. البته کشور ترکیه با وجود جمعیت بزرگ‌تر، هنوز از نظر تعداد استارت‌آپ‌ها عقب‌تر از امارات است، اما در حوزه‌هایی مثل فین‌تک و تجارت الکترونیک رشد سریعی دارد. با این اوصاف، به نظر می‌رسد که ایران از نظر تعداد استارت‌آپ‌ها جلوتر است، اما چالش‌های سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های بین‌المللی مانع رشد سریع می‌شوند. با این حال، امارات با وجود تعداد کمتر، از نظر کیفیت و جذب سرمایه خارجی پیشتاز است. ترکیه هم در موقعیت میانه قرار دارد؛ بازار بزرگ داخلی و نزدیکی به اروپا مزیت رقابتی ایجاد کرده است.

مسیر نجات

محمدحسین سجادی نیری، رئیس انجمن سرمایه‌گذاری خطرپذیر در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» به بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری خطرپذیر در دهه ۹۰ و سال‌های اخیر پرداخت. او در این باره توضیح داد: « از منظر سرمایه‌گذاری خطرپذیر، اگر نگاه کنیم به دهه ۹۰، واقعا فضای سرمایه‌گذاری بسیار پررونق بود. شرکت‌هایی مثل موسسه دانش‌بنیان برکت مسیر سرمایه‌گذاری خطرپذیر را شکل دادند. ذهنیت سرمایه‌گذاران بر پایه پذیرش ریسک بود و این باعث شد خروجی‌های موفقی شکل بگیرد. بخشی از این موفقیت ناشی از فضای فرهنگی و امیدواری آن دوران بود و بخشی هم به شرایط اقتصادی و تعاملات بین‌المللی مربوط می‌شد.»

به گفته او، آن دهه، واقعا یک دهه طلایی برای تیم‌ها و کارآفرینان بود. افراد با روحیه کارآفرینی، صبوری و جنگندگی حاضر بودند ایده‌هایشان را تبدیل به کسب‌وکار کنند و پای رشد آن بایستند. اما امروز، این روحیه در نسل جدید کمتر دیده می‌شود. سجادی نیری همچنین به نوع کسب‌وکارها در دهه ۹۰ اشاره کرد و گفت: « آن زمان بیشتر استارت‌آپ‌ها خدماتی بودند و تقلیدی از مدل‌های موفق خارجی. الان اما زمان خلق کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و فناوری‌محور است؛ حوزه‌هایی مثل هوش مصنوعی و صنعت که هنوز فضای کافی برای رشدشان شکل نگرفته است. همه اینها به اضافه ترکیبی از عوامل دیگر، مثل کمبود سرمایه‌گذاران خطرپذیر، روحیه کمتر جنگندگی در نسل جدید، فضای اقتصادی نامطمئن و محدودیت‌های بین‌المللی، باعث شده که نسل درخشان استارت‌آپ‌های دهه ۹۰ دوباره شکل نگیرد.» او همچنین چند راهکار ارائه داد.

اول، استفاده از ظرفیت قانون جهش تولید دانش‌بنیان و هدایت CVCها برای سرمایه‌گذاری پرشمار در استارت‌آپ‌ها تا کمبود سرمایه‌گذاران خطرپذیر جبران شود.

دوم، تمرکز بر کسب‌وکارهای فناوری‌محور به جای تکرار مدل‌های خدماتی گذشته. CVC ها با هدایت معاونت علمی و صندوق نوآوری می‌توانند محرک این حرکت باشند.

سوم، ایجاد فضای امیدواری در اکوسیستم. وقتی دولت و نهادها محدودیت‌های مجوزی و اداری ایجاد می‌کنند، انگیزه افراد کاهش پیدا می‌کند. حمایت دولت باید محسوس، مداوم و یکپارچه باشد تا روحیه کارآفرینی بازگردد. از نظر این کارشناس، تا زمانی که سرمایه‌گذاری خطرپذیر، تیم‌های کارآفرین و حمایت دولت تقویت نشوند، امکان رشد استارت‌آپ‌ها یا ایجاد کسب‌وکارهای جدید نخواهد بود.

شرکت ملی صنایع پتروشیمی آماده حمایت از سرمایه‌گذاران است

امروز با نفوذ روزافزون هوش‌مصنوعی در تمام ارکان زندگی انسان‌ها بحث داغی در عرصه روزنامه‌نگاری به وجود آمده است. هوش مصنوعی در فضای روزنامه‌نگاری، سرعت تولید محتوا را به شکل چشمگیری افزایش داده است. امروز ابزارهای هوش مصنوعی قادرند خبرها و مقالات کوتاه یا بلند را در کوتاه‌ترین زمان ممکن و ظرف چند دقیقه تولید کنند و حتی تحلیل‌های اولیه را به مخاطب ارائه دهند. با این حال مساله امروز مدیران مسوول و سردبیران روزنامه‌ها این است که آیا استفاده از هوش مصنوعی در نوشتن مقالات فضیلت است یا رذیلت؟

هوش مصنوعی توانایی تولید محتوا دارد، اما هنوز محدودیت‌های مشخصی دارد. یکی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها، دقت و صحت اطلاعات است. الگوریتم‌ها گاهی اطلاعات ناقص یا حتی اشتباه ارائه می‌دهند و تشخیص خطاهای احتمالی نیازمند مهارت و تجربه نیروی انسانی متخصص است. علاوه بر این، «سبک» و «صدای» رسانه نیز عاملی است که هوش مصنوعی به سختی می‌تواند آن را بازآفرینی کند. هر رسانه برای خود سبک خاصی دارد و متن باید با سیاست‌های کلی، لحن و چارچوب آن هماهنگ باشد.

در این میان سرعت و راحتی کار با هوش مصنوعی نه‌تنها نقش خبرنگاران و روزنامه‌نگاران را کمرنگ نمی‌کند، بلکه آنها به عنوان ناظر وظیفه‌ای بس خطیرتر و حیاتی‌تر دارند. البته پیش از این هم داده‌های اطلاعاتی گوگل یا دیگر ابزارهای جست‌وجو به عنوان منبعی برای تحقیقات و گزارش‌های تحلیلی مورد استفاده قرار می‌گرفت که حالا با ظهورAI این نقش به «او» سپرده شده، اما با سرعت بالاتر و دقت بیشتر. بنابراین استفاده از هوش‌مصنوعی نه تنها خبط و خطا نیست، بلکه به عنوان یک دستیار هوشمند بسیار کاربردی و حیاتی است. البته در کشورمان ابتدا باید زیرساخت‌های اینترنت و سرعت آن به سطح جهانی برسد و سپس چگونگی استفاده از هوش مصنوعی مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، آخرین گزارش اسپیدتست از وضعیت اینترنت جهانی تا سپتامبر ۲۰۲۵ نشان می‌دهد شکاف دیجیتال میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه همچنان در حال گسترش است.

درحالی‌که امارات و سنگاپور رکورد سرعت‌های چند صد مگابیتی را ثبت کرده‌اند، ایران با میانگین سرعت ۱۹ مگابیت در اینترنت ثابت و ۵۵ مگابیت در اینترنت همراه، از نظر کیفیت در میان پایین‌ترین کشورهای جهان قرار گرفته است. این موضوع بیانگر این مساله است که ما در حوزه زیرساخت‌های لازم برای توسعه هوش مصنوعی کارهای بسیاری برای انجام داریم.

مقاومت در برابر تغییر

مقاومت در برابر تغییر در شرکت‌ها و سازمان‌ها به‌خصوص از جانب مدیران و نیروهای قدیمی‌تر همیشه وجود داشته است و با ظهور تکنولوژی‌ها و فناوری‌های جدید این مقاومت بیشتر هم می‌شود، اما ایستادن در برابر این موج نه تنها مانع آن نمی‌شود، بلکه موجب جاماندن و در نهایت شکست است. بهتر است استفاده درست از آن را آموخت، خود را با آن وفق داد و از آن برای بهره‌وری و تعالی سازمانی استفاده برد. بدیهی است در روزگاری که هر روز و هر ساعت تکنولوژی و فناوری با سرعت تمام در حال پیشرفت است، لحظه‌ای درنگ می‌تواند شما را از بازی کنار بگذارد .

نقش ویراستاران در روزنامه‌نگاری عصر هوش مصنوعی

در این میان ویراستاران مطبوعات در روزگار هوش مصنوعی نقش پررنگی دارند. آنها صحت اطلاعات را بررسی می‌کنند و متن را روان و قابل فهم می‌سازند. همچنین، حساسیت‌های فرهنگی و اخلاقی را رعایت می‌کنند تا مخاطب تجربه‌ای دلپذیر و معتبر داشته باشد. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی ابزار قدرتمندی برای تولید محتواست، اما ویراستاران نگهبان کیفیت، انسجام و جذابیت متن هستند. ترکیب سرعت هوش مصنوعی و مهارت آنها، راهی مطمئن برای ارائه محتوای دقیق و جذاب به مخاطب است. در روزگاری که جوانان و نوجوانان به اصطلاح نسل زدی‌ها کمتر علاقه‌ای به خواندن و مطالعه دارند و به اصطلاح سه‌خطی(یعنی حوصله خواندن متن‌ها و مطالب بالای سه خط را ندارند) شده‌اند، این روزنامه‌نگاران و ویراستاران هستند که باید با کوتاه کردن و موجزگویی، مطالب را خواندنی‌تر کنند. همچنین، انسجام و روانی متن از دیگر نکاتی است که ویراستاران به آن توجه دارند. هوش مصنوعی ممکن است جملاتی تولید کند که منطقی باشند، اما جریان متن را مختل کند. ویراستاران با بازنویسی و اصلاح جمله‌بندی‌ها، متن را قابل فهم و جذاب می‌کنند.

از سوی دیگر، مسائل فرهنگی و اخلاقی نیز نیازمند حساسیت انسانی است؛ برخی جملات ممکن است از نظر مخاطب نامناسب یا بی‌احساس باشند که ویراستار آنها را اصلاح می‌کند تا مخاطب تجربه‌ای دقیق و دلپذیر از محتوای تولیدی داشته باشد. کلمات از قدرت بسیاری برخوردار هستند و برای استفاده از آنها باید نهایت دقت و ظرافت را به کار برد. به همین دلیل، در واقع نقش روزنامه‌نگاران و ویراستاران پررنگ‌تر از قبل شده، چون باید از درستی، جذابیت و هماهنگی متن با مخاطب اطمینان حاصل کنند.

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۲۱
www.marzeghtesad.ir

حذف فقرا از شبکه‌های خانگی

با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و نتفلیکس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر الگوی تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتواهای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱.۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۷.۲۵دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷.۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱.۴ درصد از درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی باعث می‌شود پرداخت این سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبد تفریحات دیجیتال خانوار است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های فصلی استفاده می‌کنند. اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ از منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با آرشیوی بالغ بر ۹۵ هزار عنوان عمدتا از طریق خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین در این بین درحالی‌که سرویس هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازند پلتفرم‌های داخلی ایرانی عمدتا بر تولید محتواهای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شوها، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتواهای سبک شبکه‌های اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت محدودیت‌های مالی و زیرساختی همزمان محتوای متنوع ارائه کنند و بازار خود را توسعه دهند، اما فاصله آنها با استانداردهای جهانی در زمینه سریال‌ها و فیلم‌های بلند اختصاصی همچنان مشهود است.

البته علاوه بر تولید و عرضه محتوا پلتفرم‌های وی‌اودی برای تامین منابع مالی و حفظ پایداری کسب و کار از مدل‌های متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی و داخلی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و ISPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها درآمد قابل‌توجهی از فروش ترافیک مصرفی و پهنای باند دارند.

رونق موقت خودروسازی؟

عرشیا حسن پور – شامخ وسایل نقلیه و قطعات وابسته در مهرماه نشان می‌دهد که پس از ۱۶ماه رکود متوالی، صنعت خودرو سرانجام در مهر امسال نشانه‌هایی از خروج از رکود را بروز داده‌است.

شامخ خودرو در هفتمین ماه از سال به ۵۸.۵واحد رسید تا بیشترین میزان را طی یک سال‌گذشته به‌نام خود ثبت کند. این رقم در شهریورماه ۴۵واحد بود، بنابراین در ماه ابتدایی پاییز شامخ خودرو علاوه‌بر اینکه خود را به بالای مرز ۵۰ رسانده، رشد ۱۳.۵واحدی نیز داشته‌است. بیشتر شاخص‌های مورد بررسی در شامخ مهرماه خودرو نیز افزایشی بوده‌اند به‌طوری‌که از بین ۱۳ فاکتور مورد بررسی ۱۱فاکتور افزایشی بوده و دو مورد کاهش پیدا کرده‌است. در مورد دلایل خروج شامخ خودرو از رکودی ۱۶ماهه می‌توان به سه عامل اشاره کرد. یکی از این عوامل رشد دوباره قیمت‌های خودروسازان در مهرماه است. خودروسازان امسال دوبار افزایش قیمت داشتند که یکی از آنها خرداد و تیر محقق شد و دیگری در مهرماه، بنابراین رشد قیمت می‌تواند یکی از عوامل بهبود وضعیت شامخ خودرو باشد.

دلیل دوم نیز می‌تواند پایان چالش خودروسازان با سیاستگذاران حول موضوع قیمت‌گذاری خودرو باشد. از ابتدای سال‌جاری تاکنون یکی از عوامل مهمی که به رکود صنعت دامن زده بود، اختلافات قیمتی بین خودروساز و وزارت صمت بود. در خردادماه امسال بزرگ‌ترین خودروساز کشور به‌دلیل تعلل سازمان حمایت در اصلاح قیمت خود رأسا دست به افزایش قیمت محصولاتش زد. این موضوع یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین اختلافات بین خودروساز و سیاستگذار را کلید زد. کار به‌جایی رسید که نهادهای نظارتی و حتی قضایی به موضوع ورود کردند و شورای‌رقابت نیز دستورالعمل قیمت‌گذاری خودروی سواری را تغییر داد. در ادامه نیز در برهه‌ای فروش ایران‌خودرو متوقف شد، با این‌حال این اختلاف در مهرماه امسال به پایان رسید. در این ماه نیز ایران‌خودرو قیمت‌های جدید خود را اعلام کرد اما این‌بار سازمان حمایت این قیمت‌ها را تایید کرد تا پایانی باشد بر ماه‌ها چالش و کشمکش میان این دو.

عامل سومی که احتمالا در بهبود شامخ موثر بوده‌است، احتمال اختصاص ۲۰ همت تسهیلات به هریک از دو خودروساز بزرگ کشور است. ایران‌خودرو و سایپا هرکدام درخواستی برای تسهیلات ۲۰ همتی به دولت ارائه داده‌اند. گویا دولت نیز موافقت خود را مشروط به صرف این رقم برای پرداخت بخشی از بدهی قطعه‌سازان کرده‌است. از آنجا که این بدهی یکی از دلایلی بود که خودروسازان در تامین قطعه دچار مشکل بودند، احتمال دارد که مطرح‌شدن موضوع تسهیلات جدید برای پرداخت بخشی از این بدهی کمک کرده‌باشد که آنها بتوانند بازهم قطعات بیشتری را از قطعه‌سازان خریداری کنند.

همین موضوع امید خودروسازان نسبت به آینده را نیز افزایش داده‌است. امید خودروسازان به آینده که تحت‌عنوان «انتظارات تولید در ماه آینده» در شامخ بازتاب دارد نیز در ماه ابتدایی پاییز، نسبت به شهریور ۱۲.۲واحد افزایش داشته و به ۵۸.۳واحد رسیده است. این امیدواری در حالی رقم خورده که در این ماه مکانیزم ماشه نیز فعال شد، بااین‌حال به‌نظر می‌رسد که از نظر خودروسازان تامین نقدینگی فاکتور بسیار مهم‌تری از مشکلات بین‌المللی یا تحریم‌ها است.

با این وجود باید توجه داشت که خودروسازی نیز به‌عنوان یک صنعت تحت‌تاثیر عوامل کلان است و دلایلی که آنها را مرور کردیم احتمالا تاثیری کوتاه‌مدت در بهبود وضعیت صنعت خودروی کشور دارند. اتاق بازرگانی ایران به‌عنوان مرجع انتشار شامخ، در گزارش خود بعد از اشاره به برخی از بهبودها در شامخ مهرماه، تاکید می‌کند که «این بهبود عمدتا ناشی از عوامل گذر است (مثل تسهیل نسبی تامین انرژی برق) نه رشد پایدار تقاضا یا سرمایه‌گذاری و تلاش بنگاه‌ها برای پاسخگویی به تقاضای کوتاه‌مدت بازار بوده‌است. در غیاب اصلاحات بنیادی، عواملی مانند فشارهای ارزی، نقدینگی محدود، افزایش هزینه مواد اولیه و نیروی انسانی و بی‌ثباتی سیاستی همچنان مانع از تعمیق بهبود هستند.» کمااینکه در مهرماه سال‌گذشته نیز شامخ خودرو به‌طور موقت از رکود خارج شد اما بعد از آن دوباره به روند رکود خود بازگشت و تا شهریور نیز در آن مانده بود، بنابراین احتمال دارد که بعد از بهبود نسبی شامخ خودرو در مهر، در ماه‌های آینده شامخ بازهم به روند رکودی خود بازگردد؛ چراکه چند فاکتور باعث این بهبود شده‌است اما اصلاح ساختاری درمیان نیست.

اتاق بازرگانی ایران، به‌عنوان مرجع انتشار شامخ این شاخص اقتصادی توانایی می‌کند: «شامخ یکی از شاخص‌های اقتصادی است که مورد پذیرش بیشتر کشورهای توسعه‌یافته است. در حال حاضر شاخص شامخ برای حدود ۲۹هزار بنگاه بخش خصوصی در بیش از ۴۰کشور جهان محاسبه و منتشر می‌شود. این شاخص تصویر سریعی از شرایط اقتصاد کلان، به‌ویژه وضعیت رونق و رکود در بخش‌های صنعت و خدمات ارائه می‌دهد. درواقع شامخ تصور تولیدکنندگان از وضعیت تولیدی‌نوعی‌ده و به نشان از میزان امید آنها به آینده دارد.»

بیشترین رشد مربوط به «میزان سفارش‌های جدید» است. این فاکتور از ۴۸,۴واحد در شهریور به ۶۸,۳واحد در مهرماه رسیده است.

افت و خیز شامخ

همان‌طور که اشاره شد بین فاکتورهای مورد بررسی در شامخ مهرماه صنعت خودرو بیشتر شاخص‌ها افزایشی بودند، علاوه‌بر این از بین ۱۳ فاکتور موردبررسی چهار فاکتور زیر مرز ۵۰ و هشت فاکتور بالای این مرز قرارگرفته‌اند. رقم ۵۰، مرز مهمی در شامخ محسوب می‌شود. اگر رقم ثبت‌شده کم‌تر از ۵۰ بوده اما نسبت به ماه قبل افزایش یافته باشد، نشان می‌دهد که سرعت بدترشدن وضعیت، کاهش یافته‌است. در مقابل، چنانچه عدد محاسبه‌شده بالای ۵۰، از عدد ماه قبل کم‌تر باشد، نشان می‌دهد سرعت بهبود وضعیت در مقایسه با ماه قبل کاهش یافته‌است و اگر روی ۵۰ بایستد نشان از عدم‌تغییر دارد.

در این بین بیشترین رشد مربوط به «میزان سفارش‌های جدید» است. این فاکتور از ۴۸,۴واحد در شهریور به ۶۸,۳واحد در مهرماه رسیده است، این سفارش‌ها علاوه‌بر خودروسازان می‌تواند مربوط به قطعه‌سازان نیز باشد؛ چراکه با احتمال تسهیلات ۲۰همتی احتمالا خودروسازان سفارش بیشتری برای خرید قطعه داده‌اند. ایران‌خودرو نیز در مهرماه یک طرح فروش داشت که باعث اخذ سفارش‌های جدید شده‌است. در این ماه خودروسازان و قطعه‌سازان تولید خود را نیز بهبود داده‌اند. طبق آمار، رقم ثبت‌شده برای فاکتور «میزان تولید محصولات» در شهریورماه ۴۲,۲واحد بود اما در ماه مهر روی ۶۰واحد ایستاد تا رشد ۱۷,۸واحدی را در این مدت زمان ثبت‌کند.

علاوه بر این گزارش شامخ نشان می‌دهد که فروش خودرو و قطعه نیز افزایش پیدا کرده‌است. این فاکتور در شهریورماه امسال به ۴۵,۵واحد رسیده بود اما در هفتمین ماه از سال توانست از مرز ۵۰ عبور کرده و روی ۶۰واحد بایستد. البته این رشد نمی‌تواند مربوط به فروش محصولات تولیدی سه خودروساز بزرگ کشور باشد، طبق گزارشی که پیش‌تر خودروسازان به سازمان بورس ارائه داده و در سامانه کدال منتشرشده بود، فروش خودروهای سواری ایران‌خودرو، سایپا و پارس‌خودرو در مهرماه نسبت به شهریور با افت ۱۳,۳درصدی مواجه بوده‌است، مگر اینکه خودروسازان در نظرسنجی شامخ فروش، خودروهای وارداتی خود را نیز مدنظر قرار داده‌باشند. همچنین ممکن است این رشد از محل فروش قطعه‌سازان نشات گرفته‌باشد. همچنین خودروسازان و قطعه‌سازان در این ماه سفارش‌های دریافتی خود را با سرعت بیشتری تحویل داده‌اند. بر این اساس فاکتور «سرعت انجام و تحویل سفارش» در مهرماه به ۶۰واحد رسیده است. این در شرایطی است که این شاخص در شهریورماه روی ۵۴,۵واحد ایستاده بود.

اما به‌رغم آنکه خودروسازان در ماه مهر احتمالا توانسته‌اند قطعات بیشتری را تامین کنند اما همچنان تامین مواد اولیه از مشکلات اساسی آنها است. «موجودی مواد اولیه» در مهرماه امسال به ۴۶,۷واحد رسیده که همچنان زیر مرز ۵۰ است و نشان می‌دهد که موجودی مواد اولیه آنها در انبار همچنان در حال خالی‌شدن است، با این‌حال این فاکتور نسبت به شهریور ماه با رقم ۳۸,۷واحد رشدی ۸واحدی را ثبت کرده‌است، بنابراین می‌توان گفت که سرعت خالی‌شدن انبار خودروسازان از مواد اولیه بسیار کاهش یافته‌است که این موضوع دریافت قطعات جدید از قطعه‌سازان را تایید می‌کند.

موضوع دیگری که موید این ادعا است افت محسوس محصول در انبار خودروسازان است، فاکتور «موجودی محصول در انبار» گروه وسایل نقلیه و قطعات وابسته در شامخ مهر ماه به ۳۰واحد رسیده که کم‌ترین میزان ثبت در شامخ هفتمین ماه از سال است. همچنین این رقم کم‌ترین میزانی است که در یک سال‌گذشته برای این فاکتور ثبت شده‌است. خودروسازان طی ماه‌های اخیر با رشد زیادی در تولید خودروهای ناقص خود مواجه بودند، بنابراین احتمال دارد که آنها در مهرماه بخشی از این نواقص را با قطعاتی که خریداری کرده‌اند، تکمیل کرده و وارد چرخه فروش کرده‌باشند.

با این وجود تامین مواد اولیه برای خودروسازان و قطعه‌سازان همچنان هزینه زیادی را به‌همراه دارد؛ به‌طوری که شاخص «قیمت خرید مواد اولیه» از ۸۳,۳واحد به ۸۸,۳واحد رسیده و رشد ۵واحدی داشته‌است. «قیمت محصولات تولیدشده» نیز با رشد ۵,۷ واحدی به ۶۵واحد رسیده که این موضوع متاثر از اعلام قیمت‌های جدید خودروسازان در مهرماه است. «مصرف حامل‌های انرژی» از ۴۹,۸واحد در شهریور به ۴۶,۷واحد در مهر رسیده تا افت ۳,۱ واحدی داشته‌باشد و همچنان زیر مرز ۵۰ بماند. این موضوع نشان می‌دهد که خودروسازان و قطعه‌سازان حتی در مهرماه نیز در تامین انرژی خود دچار مشکل بوده‌اند.

غفلت در تعیین تعرفه هیبریدی‌ها

سرانجام پس از ماه‌ها کشمکش بر سر تعرفه خودروهای وارداتی، مجلس با مدل پیشنهادی دولت یعنی تعرفه پلکانی موافقت و از موضع خود عقب‌نشینی کرد، اما با نگاهی به اعداد و ارقام مصوبه هیات‌وزیران درباره حقوق ورودی انواع خودروهای سواری، نکته‌ای که خودنمایی می‌کند، فاصله اندک میان تعیین تعرفه ۲۰درصدی خودروهای بنزینی تا حجم ۱۵۰۰ سی‌سی و تعرفه ۱۵درصدی برای خودروهای هیبریدی است که موجب افزایش نگرانی از بابت بی‌اقبالی به این خودروها شده‌است.

هرچند سیاستگذار در تعیین تعرفه گوشه چشمی به تعادل‌بخشی به بازار و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و جلوگیری از افزایش بی‌ضابطه قیمت خودرو داشته و بنابراین آن را به‌صورت پلکانی و متناسب با حجم موتور در نظر گرفته، اما به‌نظر می‌رسد انگیزه ورود خودروهای هیبریدی با توجه به تعرفه‌ای که برای آنها تعیین‌شده، از نظر دور مانده‌است.

تعرفه بالا برای واردات خودروهای هیبریدی را می‌توان یکی از موانع اصلی توسعه ناوگان حمل‌ونقل کم‌مصرف و پاک در ایران در نظر گرفت. از منظر اقتصادی، تعرفه واردات ابزاری برای حمایت از تولید داخل و تنظیم تراز بازرگانی است، اما زمانی‌که برای کالاهایی که آثار مطلوبی در جامعه برجای می‌گذارند، برای نمونه منجر به کاهش آلودگی هوا و صرفه‌جویی انرژی می‌شوند، تعرفه بالا یا سنگین مشابه خودروهای بنزینی در نظر گرفته می‌شود.

پاشنه آشیل ارز ترجیحی

روز گذشته سخنگوی دولت از تداوم تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی خبر داد و اعلام کرد در صورتی که قرار باشد اصلاحاتی در این خصوص انجام شود، حتما سیاست‌های جایگزین برای حمایت از معیشت مردم انجام خواهند شد.

با این حال به نظر می‌رسد که تعداد کالاهای مشمول ارز ترجیحی در حال کاهش است. پیش از این اعلام شده بود که هدف‌گذاری دولت این است که کالاهای مشمول کالابرگ را با ارز ۲۸هزار و ۵۰۰تومانی به‌دست مردم برساند. همچنین رئیس سازمان برنامه بودجه اعلام کرده بود که در تغییرات جدید طرح کالابرگ، تعداد کالاهای مشمول کاهش خواهد یافت. همین مساله زمینه‌ساز گمانه‌زنی‌هایی در مورد کاهش گستره کالاهای تحت پوشش ارز ترجیحی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی علی‌رغم هزینه بالا، در تحقق اهداف خود و کنترل افزایش قیمت کالاهای اساسی چندان موثر نبوده است. بر همین اساس، کارشناسان توصیه می‌کنند که کاهش تعداد کالاهای مشمول رانت ارزی به‌صورت تدریجی انجام شود تا ضمن کاهش هزینه‌های این طرح، از بروز شوک‌های تورمی ناشی از حذف ناگهانی ارز ترجیحی جلوگیری شود. همزمان، تداوم پرداخت کالابرگ به دهک‌های پایین درآمدی می‌تواند به حفظ چتر حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر کمک کند.

چرخه تکراری ارز ترجیحی

سیاست تخصیص ارز ترجیحی نخستین‌بار در بهار سال۱۳۹۷ به اجرا درآمد. در آن مقطع، دولت با هدف کاهش آثار نوسانات ارزی بر معیشت خانوارها تصمیم گرفت بخشی از کالاهای اساسی را با نرخ ارزی پایین‌تر از بازار آزاد تامین کند. هدف اصلی از اجرای این سیاست، کنترل نوسانات بازار، مهار افزایش قیمت کالاهای ضروری، جبران کاهش قدرت خرید مردم و حمایت از اقشار متوسط و کم‌درآمد بود.

با این حال، در عمل افزایش فاصله میان نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ترجیحی، موجب شد این سیاست به تدریج هزینه‌های سنگینی برای دولت ایجاد کند. اختلاف فزاینده میان دو نرخ نیز بستر رانت و فساد گسترده در میان برخی واردکنندگان و واسطه‌ها را فراهم کرد. افزون بر این، سیاست تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی در مهار رشد قیمت کالاهای اساسی و کنترل تورم نیز چندان موفق عمل نکرد. به همین دلیل، دولت در سال ۱۴۰۱ تصمیم گرفت پرداخت ارز ترجیحی ۴۲۰۰تومانی را متوقف کند. با حذف ارز ۴۲۰۰تومانی، نرخ ارز در نیمه دوم همان سال با روندی صعودی مواجه شد. در نتیجه، دولت برای جلوگیری از افزایش دوباره قیمت کالاهای اساسی، ارز ترجیحی جدیدی با نرخ ۲۸هزار و ۵۰۰تومان تعیین کرد. هدف از این اقدام، حفظ ثبات قیمتی نسبی در بازار کالاهای ضروری و کاهش فشار تورمی بر اقشار آسیب‌پذیر بود.

با گذشت چند سال از اجرای این سیاست، اکنون شکاف قابل‌توجهی میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد مشاهده می‌شود. آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ ارز در بازار آزاد به حدود ۱۰۷ هزار و ۹۰۰ تومان رسیده است؛ به این ترتیب، اختلافی نزدیک به ۸۰ هزار تومان میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد وجود دارد. با افزایش تفاوت قیمت ارز، پیامدهایی که در سال پایانی پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی تجربه شد، مجددا در حال تکرار است و به نظر می‌رسد بار مالی یارانه ارزی بر بودجه دولت بیشتر شده است.

به همین دلیل، کارشناسان اقتصادی معتقدند در شرایط فعلی، تعیین نرخ ثابت به عنوان ارز ترجیحی، نمی‌تواند یک سیاست کارآمد باشد. زیرا افزایش شکاف میان قیمت ارز در بازار آزاد و نرخ ثابت ارز ترجیحی، مانند یک پاشنه آشیل عمل خواهد کرد و موجب تشدید پیامدهای منفی این سیاست می‌شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود در صورت ادامه تخصیص ارز ترجیحی، نرخ آن به صورت نسبتی از نرخ ارز بازار آزاد یا نرخ ارز تجاری تعیین شود تا فاصله میان این دو نرخ در طول زمان افزایش پیدا نکند.

چرا یارانه‌های ارزی در تحقق اهداف تورمی موفق نبودند؟

تخصیص ارز با نرخی پایین‌تر از قیمت بازار می‌تواند به‌عنوان یک رانت ارزی برای مصرف‌کننده، تولیدکننده یا واسطه‌ها عمل کند. در سیاست تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی، هدف سیاستگذاران این بود که با کاهش قیمت مواد اولیه، قیمت نهایی کالاهای اساسی برای مصرف‌کننده ثابت و یا با افزایش قیمت کمتری حفظ شود و از این طریق فشار تورمی بر خانوارها کاهش یابد.

با این حال، بررسی قیمت کالاهای مشمول ارز ترجیحی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سود ناشی از این رانت به مصرف‌کننده نهایی نرسیده و حتی در برخی موارد افزایش قیمت کالاهای مشمول از ترجیحی بیشتر از رشد قیمت عموم کالاها بوده است. مطالعات سازمان برنامه و بودجه کشور حاکی از این است که تنها حدود ۳۰درصد اثر یارانه ارزی به مصرف‌کننده نهایی رسیده و ۷۰درصد باقی‌مانده به واردکنندگان و واسطه‌ها می‌رسد.

این وضعیت علاوه بر کاهش اثرگذاری سیاست برای مصرف‌کننده، انگیزه‌ای برای برخی افراد ایجاد کرده تا به دلیل سود حاصل از رانت ارزی، به عنوان واردکننده یا واسطه وارد زنجیره تامین و تولید کالا شوند. طولانی‌تر شدن این زنجیره، سهم مصرف‌کننده نهایی از مزایای ارز ترجیحی را کاهش داده و باعث ناکارآمدی سیاست شده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد که از ابتدای سال جاری حدود ۹میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی و دارو تخصیص یافته است، اما تابلوی تورمی مهرماه حاکی از افزایش ۶۵ درصدی قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها نسبت به مهرماه سال گذشته است.

در چنین شرایطی، کارشناسان تاکید دارند که ادامه تخصیص ارز ترجیحی، به ویژه با نرخ ثابت، نمی‌تواند در کنترل آثار تورمی بر معیشت مردم موثر باشد. راهکار پیشنهادی آنان شامل کاهش تدریجی دامنه کالاهای مشمول ارز ترجیحی و پرداخت کالابرگ با مبالغ بالاتر و هدفمند به دهک‌های درآمدی ۱ تا ۳ است تا حمایت از اقشار آسیب‌پذیر افزایش یافته و همزمان از فشار مالی تخصیص ارز ترجیحی بر بودجه دولت کاسته شود.

اعتراض دانشجویان به اینترنت طبقاتی

هفته گذشته دانشگاه تهران خطاب به دانشجویانش اعلام کرد که از این پس دسترسی به پلتفرم یوتیوب از طریق اینترنت داخلی دانشگاه بدون نیاز به فیلترشکن امکان‌پذیر است.

این خبر با انتقادهای زیادی مبنی بر اجرای گام جدیدی از اینترنت طبقاتی و ایجاد ناعدالتی در فضای دیجیتال مواجه شد. پس از این، دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرد که هدف از رفع فیلتر یوتیوب دسترسی به منابع آموزشی روز دنیا است. وزارت ارتباطات هم با رد هرگونه مصوبه درباره راه‌اندازی «اینترنت طبقاتی» یا رفع فیلتر برخی پلتفرم‌ها در دانشگاه‌ها مطرح کرد که تاکنون هیچ تصمیم یا ابلاغیه‌ای در این زمینه صادر نشده است. با این حال اعتراض‌ها نسبت به این تصمیم همچنان ادامه دارد. روز گذشته، دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانسته‌اند.

در حالی‌که وزارت علوم یوتیوب را برای بیش از ۱۳ دانشگاه کشور رفع فیلتر کرده است، دانشجویان دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانسته‌اند. دانشجویان این دو دانشگاه در بیانیه‌ها و نامه‌های جداگانه‌ای تاکید کرده‌اند که «دسترسی محدود و گزینشی به اینترنت آزاد» نه تنها کمکی به آموزش نمی‌کند، بلکه شکاف طبقاتی و نابرابری دیجیتال را در کشور عمیق‌تر می‌سازد. شورای صنفی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرده است که رفع فیلتر یوتیوب تنها برای دانشگاه‌های خاص، «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «دسترسی محدود اقشاری معین، مانند پرسنل دانشگاه‌ها و دانشجویان برخی دانشگاه‌های خاص، مشخصا در جهت طبقاتی‌کردن دسترسی به بدیهی‌ترین حقوق شهروندی است. این طرح، شکاف طبقاتی موجود در مناسبات اجتماعی را تعمیق می‌بخشد و اگر برای تمامی اقشار جامعه امکان‌ساز نباشد، مصداق سیاستی نابرابر و سلطه‌آمیز خواهد بود.» شورای صنفی این دانشکده تاکید کرده است که جامعه دانشگاهی باید «در برابر هرگونه سیاست فرودست‌سازی و سلب امکانات از طبقات محروم بایستد» و خواستار لغو سیاست‌های تبعیض‌آمیز در دسترسی به فضای دیجیتال شده است. شورای صنفی دانشگاه صنعتی شریف نیز در نامه‌ای سرگشاده به وزیر علوم، اقدام این وزارتخانه را نشانه‌ای نگران‌کننده در مسیر عدالت آموزشی و ارتباطی برابر دانسته است. در این نامه خطاب به وزیر علوم آمده است: «اگر هدف واقعا تسهیل آموزش است، چرا تمام جامعه از این تسهیل بهره‌مند نمی‌شود؟ آیا وزارتخانه‌ای که داعیه عدالت آموزشی دارد، نباید برای دسترسی آزاد دانشجویان به منابع علمی تلاش کند، نه برای محدودسازی آن؟»

روزنامه مرز اقتصاد
www.marzeghtesad.ir
یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۲۱
www.marzeghtesad.ir

۵ بازی، ۵ گل؛ این استقلال من نیست

عرفان حمیدی -عملکرد استقلال در فاز هجومی طی هفته‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کادر فنی و هواداران این تیم تبدیل شده است.

عملکرد استقلال در فاز هجومی طی هفته‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کادر فنی و هواداران این تیم تبدیل شده است. آبی‌پوشان در پنج بازی گذشته خود تنها موفق به زدن پنج گل شده‌اند؛ آماری که میانگین یک گل در هر مسابقه را نشان می‌دهد و برای تیمی با اهداف قهرمانی، چندان رضایت‌بخش نیست. این آمار زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که بدانیم از این پنج گل، دو گل مقابل پادیاب، تیمی از دسته دوم فوتبال ایران، به ثمر رسیده و استقلال در دیدار حساس دربی نیز نتوانست دروازه رقیب سنتی خود را باز کند. به‌طور کلی، روند گلزنی استقلال در پنج بازی اخیر مطلوب نبوده و همین موضوع باعث شده زنگ خطر در خط حمله این تیم به صدا درآید.

این افت محسوس در گلزنی، نگرانی جدی ریکاردو ساپینتو را به همراه داشته است. سرمربی استقلال که همواره بر فوتبال هجومی و فشار بالا تأکید داشته، به‌خوبی می‌داند ادامه این روند می‌تواند استقلال را در ادامه فصل با مشکلات بزرگی مواجه کند. به همین دلیل، ساپینتو در نظر دارد با طراحی تمرینات ویژه و هدفمند برای مهاجمان، شرایط را تغییر و قدرت تهاجمی تیمش را افزایش دهد. او همچنین قصد دارد به‌صورت کلی‌تر، روی بهبود تاکتیک‌های گلزنی استقلال کار کند تا این تیم بتواند موقعیت‌های بیشتری خلق کرده و از فرصت‌های به‌دست‌آمده بهتر استفاده کند.

بدون شک، اگر استقلال نتواند مشکل گلزنی خود را در کوتاه‌مدت برطرف کند، در بازی‌های آینده با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. لیگ جاری رقابتی فشرده دارد و تیم‌هایی که در استفاده از موقعیت‌ها ناکام باشند، خیلی زود از کورس مدعیان عقب می‌افتند. استقلال نیز از این قاعده مستثنی نیست و هرگونه لغزش در فاز هجومی می‌تواند هزینه‌های سنگینی برای این تیم به همراه داشته باشد.

در فصل جاری، بخش عمده بار گلزنی استقلال بر دوش بازیکنانی همچون آسانی، الحدادی و کوشکی بوده است. این در حالی است که مهاجمان تخصصی تیم، از جمله نازون و جنپو، هنوز موفق به گلزنی نشده‌اند؛ آماری که برای خط حمله استقلال اصلاً قابل قبول نیست. حتی عملکرد سعید سحرخیزان که تا حدی قابل دفاع به نظر می‌رسد، فاصله زیادی با یک کارنامه عالی دارد و نمی‌تواند نگرانی‌های موجود را برطرف کند. این عدم توازن در گلزنی نشان می‌دهد استقلال بیش از حد به چند بازیکن خاص وابسته شده و در صورت مهار آنها توسط رقبا، عملاً در فاز هجومی دچار مشکل می‌شود.

زنگ خطر به‌طور جدی در خط آتش استقلال به صدا درآمده است. اگر آبی‌پوشان در دیدار پیش‌رو مقابل خیبر نیز در فاز گلزنی ناموفق عمل کنند، این احتمال وجود دارد که در پایان نیم‌فصل، فاصله امتیازی قابل توجهی با صدرنشین جدول پیدا کنند. چنین اتفاقی می‌تواند فشار مضاعفی روی کادر فنی و بازیکنان وارد کند و شرایط تیم را پیچیده‌تر از آنچه هست، سازد.

با این حال، هنوز همه چیز برای استقلال از دست نرفته است. این تیم پس از پایان نیم‌فصل، فرصت رویارویی با سپاهان را خواهد داشت؛ دیداری معوقه که قرار است در اصفهان برگزار شود و می‌تواند نقش مهمی در سرنوشت نیم‌فصل استقلال ایفا کند. اگر آبی‌ها بتوانند در دو بازی باقی‌مانده تا پایان نیم‌فصل به پیروزی برسند و سپس مقابل سپاهان نیز نتیجه مطلوبی کسب کنند، نه‌تنها به‌طور کامل احیا خواهند شد، بلکه حتی شانس قهرمانی نیم‌فصل را نیز خواهند داشت. اما تحقق این سناریوی ایده‌آل، تنها با بهبود چشمگیر عملکرد گلزنی استقلال ممکن خواهد بود.

نگرانی ساپینتو بی‌دلیل نیست و به‌طور مستقیم از احتمال تداوم این روند نگران‌کننده نشأت می‌گیرد. سرمربی استقلال به‌خوبی می‌داند که بدون یک خط حمله زهردار، دستیابی به اهداف بزرگ در لیگ امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین دلیل، او در تلاش است با تدابیر ویژه، تغییراتی اساسی در رویه مهاجمان تیمش ایجاد کند و آنها را از نظر ذهنی و فنی به شرایط ایده‌آل برساند. مأموریت مهمی که ساپینتو برای خود ترسیم کرده، چیزی نیست جز روشن کردن دوباره موتور گلزنی استقلال؛ همان موتوری که در فصل‌های موفق گذشته، نقش کلیدی در نتایج درخشان آبی‌پوشان ایفا کرده بود.

آدان- فرعباسی؛ نه ۱۰۰ نه صفر

با توجه به شرایط آنتونیو آدان در بازی اخیر استقلال، احتمال بازگشت حبیب فرعباسی به ترکیب اصلی و قرار گرفتن دوباره او در چهارچوب دروازه آبی‌پوشان بیش از گذشته مطرح شده است. استقلال در فصل جاری هرگز نتوانسته به یک دروازه‌بان شماره یک مطمئن و بی‌چون‌وچرا دست پیدا کند و همین مسأله باعث شده ریکاردو ساپینتو همواره در انتخاب گلر اصلی تیمش با تردیدهای جدی روبه‌رو باشد. نوسان عملکرد در این پست، به یکی از چالش‌های مهم استقلال تبدیل شده و تأثیر مستقیمی روی نتایج تیم داشته است.

مصدومیت فرعباسی در مقطعی از فصل، فرصتی طلایی در اختیار آدان قرار داد تا بار دیگر خود را به‌عنوان گزینه‌ای قابل اعتماد معرفی و جایگاهش را تثبیت کند. با این حال، عملکرد این دروازه‌بان به‌ویژه در صحنه‌هایی که گل‌های از راه دور دریافت کرد، نه‌تنها تردیدها را از بین نبرد بلکه نگرانی‌ها را افزایش داد. این موضوع باعث شد تزلزل در پست دروازه‌بانی استقلال بیش از گذشته به چشم بیاید و کادر فنی نتواند با خیال راحت روی یک گزینه ثابت حساب کند.

در چنین شرایطی، بازگشت فرعباسی به دروازه می‌تواند تلاشی از سوی ساپینتو برای ایجاد رقابت جدید در این پست حساس باشد. البته این تصمیم نیز بدون ریسک نخواهد بود، چرا که فرعباسی پس از پشت سر گذاشتن مصدومیت، نیاز به بازگشت کامل به شرایط مسابقه دارد و مشخص نیست بتواند بلافاصله انتظارات کادر فنی را برآورده کند. با این حال، شنیده می‌شود سرمربی استقلال نسبت به وضعیت دروازه‌بانی تیم به‌شدت نگران است و در همین راستا به فرعباسی چراغ سبز نشان داده و احتمال دارد در دیدار مقابل خیبر از او استفاده کند.

البته این احتمال نیز وجود دارد که ساپینتو در نهایت بار دیگر به آدان اعتماد کند و او را در ترکیب اصلی قرار دهد. مطرح شدن نام فرعباسی بیش از هر چیز، ناشی از فراز و نشیب‌های آدان در هفته‌های اخیر است و نه یک تصمیم قطعی. به‌طور کلی، استقلال در این فصل دروازه‌بانی نداشته که بتوان ادعا کرد در ۹۰ درصد بازی‌ها حضورش تضمین‌شده و بدون چون‌وچراست. همین مسأله نشان می‌دهد آبی‌پوشان همچنان باید به فکر تقویت این پست باشند. بدون تردید، استقلال برای رسیدن به ثبات و موفقیت پایدار، نیازمند یک دروازه‌بان کاریزماتیک و مطمئن است؛ گلری که بتواند با عملکرد باثبات خود خیال کادر فنی و هواداران را آسوده کند.

کارشناسان بدون مسئولیت نظر می‌دهند

دراگان اسکوچیچ سرمربی تیم فوتبال تراکتور درباره نتایج ضعیف هفته‌های اخیرش می‌گوید: «در جریان اوضاع هستیم و ما هم از نتایج اخیر راضی نیستیم. استاندارد را قدری بالا بردیم که انتظارها بالا بیاید. تراکتور سابقه سه باخت در فصول اخیر را داشت. خوشحالم که نتایج -که چندان بد هم نیستند- به نظر بد می‌آیند. می‌توانیم خودمان را به صدر جدول نزدیک کنیم. بازی‌های زیادی در پیش داریم. این فصل با فصل گذشته فرق دارد و امتیازات زیادی بالا و پایین شده است. با حواشی متعددی درگیر بودیم. به صورت کلی می‌گویم که حواشی وجود دارد و جزئیاتش را نمی‌دانم. همه می‌دانند این زمین مناسب بازی نیست و زمین سخت و سفتی است و اندازه‌اش کوچک است. این کمک می‌کند که حریفان راحت‌تر دفاع کنند. نمی‌خواهم بهانه بیاورم، از این موضوع ناراحتم. فصل بالا و پایین دارد، پارسال هم نشان دادیم که تیم سرسختی هستیم. سال گذشته هم موضوعاتی ما را اذیت کرد. افتخار می‌کنم که انتظارات بالا رفته است.» او با تمجید از قهرمانی تیمش در فصل گذشته اینطور می‌گوید: «قهرمان شدن ما انتظارات را بالا برد. اینجا هستیم که کار کنیم و از جان و دل برای این قضیه مایه می‌گذاریم. مهم این است که درون تیم قوی باشد. سال گذشته در مقاطع حساسی قرار گرفتیم ولی انسجام‌مان را حفظ کردیم و تا انتها پیش رفتیم. شاید پارسال فکر نمی‌کردند که تراکتور مدعی قهرمانی باشد و حالا هر کسی به نحوی سعی می‌کند جلوی ما را بگیرد. تراکتور مدعی بود ولی قهرمان نشد. هیچ‌وقت به جام لیگ برتر نرسیده بود. تیم قهرمان استانداردش بالاتر است. این قهرمانی را تیم من رقم زد. مباحث فنی همیشه هستند. مسئولیت مستقیم آن، این فصل و فصل گذشته با من است. از مسئولیت شانه خالی نکرده‌ام ولی همه باید مسئولیت خود را بپذیرند.» اسکوچیچ درباره نظر کارشناسان مبنی بر اینکه تراکتور به بن‌بست تاکتیکی خورده می‌گوید: «برایم مهم است که کارشناسان تلویزیون چه چیزی راجع به من می‌گویند و من را تحت فشار قرار می‌دهند و کل زندگی من را درگیر می‌کند.

خطر نیمکت نشینی بیخ گوش آقای گل

علی علیپور دو بار آقای گل لیگ برتر شده و بعد از سه فصل ناموفق در پرتغال از تابستان گذشته به پرسپولیس برگشت. او در دوره اول حضورش در پرسپولیس با اینکه همواره بازیکن مؤثر و گلزن مهمی بود اما خیلی کم از این باشگاه پول گرفت اما در دوره دوم جزو گرانقیمت‌ترین‌ها بود.

علیپور فصل قبل با رقم قابل توجهی قرارداد بست و امسال هم با پیش کشیدن ماجرای بدعهدی مدیران باشگاه در قبال بالابردن رقم قراردادها دوباره سر وصدایی ایجاد کرد تا باشگاه پرسپولیس دنبال جبران سال‌هایی باشد که این مهاجم از باشگاهش کم پول گرفت.علیپور در این فصل شروعی فوق‌العاده داشت و به نوعی ارتش یک نفره پرسپولیس هاشمیان بود آن هم در شرایطی که تیمش نه خوب بازی می‌کرد و نه نتیجه می‌گرفت. با این حال از وقتی اوسمار آمده با وجود بهبود نتایج تیم، علیپور از گلزنی کاملاً دور شده و در پنج بازی اخیر گلی به ثمر نرسانده است.مهاجم شماره ۹ پرسپولیس در بازی‌های تحت هدایت اوسمار دو پاس گل مقابل پیکان و استقلال خوزستان داد اما در کار اصلی خودش که گلزنی است باز ماند. پیامد این اتفاقات تعویض نسبتاً زودهنگام این مهاجم در دیدار اخیر مقابل پیکان بود. دقیقه ۷۰ آن مسابقه بود که تابلوی تعویض بالا رفت تا شماره ۹ از زمین بیرون بیاید و امین کاظمیان جایش را بگیرد. این اتفاق از آنجایی برجسته و جالب بود که بدانیم فقط یک بار در دقیقه ۸۵ بازی با سپاهان تعویض شده بود. علیپور فصل قبل هم کم و دیرهنگام تعویض می‌شد. البته این مسأله در دوره گاریدو خیلی اتفاق نمی‌افتاد چون او بعضاً به عنوان وینگر هم مورد استفاده قرار می‌گرفت. در آن مقطع که پرسپولیس آل‌کثیر را در اختیار داشت علیپور چهار بار به عنوان بازیکن ذخیره وارد میدان شد اما تا وقتی که فیکس بود زودتر از دقیقه ۷۷ تعویض نشد.در دوره حضور کارتال هم با اینکه سردار دورسون در تیم حضور داشت بازیکن محبوب سرمربی بود. علیپور جایگاهش در ترکیب اصلی را از دست نداد و فقط در بازی پایانی فصل مقابل خیبر بود که دقیقه ۶۳ تعویض شد وگرنه بیشتر دقایق تعویضش مربوط به بعد از دقیقه ۸۰ بود.وحید هاشمیان فقط یک بار در اصفهان و مقابل سپاهان علیپور را در دقیقه ۸۵ تعویض کرد اما اوسمار بعد از تعویض دقیقه ۹۰ بازی شمس‌آذر این بار در اتفاقی تازه و شاید عجیب این مهاجم را دقیقه ۷۰ از بازی بیرون آورد تا آلارم بزرگی به مهاجمی بدهد که آخرین بار در بازی هفته هشتم مقابل ذوب‌آهن گل زده است. پرسپولیس مهاجم نوک قابلی ندارد چرا که اولاً مهاجمانی مثل ابوالفضل بابایی و مجتبی فخریان اصلاً به لیست ۲۲ نفره مسابقات نمی‌رسند اما در نهایت اوسمار می‌تواند از بازیکنانی مثل کاظمیان، بیفوما و شکاری در نوک حمله استفاده کند که اتفاقاً با توجه به ترافیک در پست مهاجم سایه و وینگرها این جابه‌جایی برایش شدنی است.

جنگ حقوقی با اسطوره باشگاه

کیلیان امباپه، فوق‌ستاره فوتبال جهان، پس از هفت سال حضور در پاری‌سن‌ژرمن، حالا نه‌تنها پیراهن بهترین تیم کشورش را از تن درآورده، بلکه وارد یکی از جنجالی‌ترین و پرهزینه‌ترین پرونده‌های حقوقی تاریخ فوتبال فرانسه شده است؛ پرونده‌ای که ابعاد مالی و حقوقی آن، باشگاه تحت ریاست ناصرالخلیفی را رودرروی مهم‌ترین بازیکن نسل جدید فوتبال و البته بهترین گلزن تاریخ پاری‌سن‌ژرمن قرار داده است. امباپه در تابستان ۲۰۱۷ با انتقالی ۱۸۰میلیون یورویی از موناکو به جمع پاریسی‌ها پیوست؛ انتقالی که پس از خرید رکوردشکن نیمار، پروژه کهکشانی باشگاه را تکمیل کرد. او در این مدت شش قهرمانی لیگ یک را به دست آورد، ۲۵۶گل به ثمر رساند و به بهترین گلزن تاریخ باشگاه تبدیل شد. با این حال، رابطه‌ای که با موفقیت و افتخار آغاز شده بود، در نهایت به یک جنگ حقوقی تمام‌عیار ختم شد.

ریشه اصلی اختلاف به تمدید قرارداد جنجالی امباپه در سال ۲۰۲۲ بازمی‌گردد. قراردادی که در ظاهر تا سال ۲۰۲۵ معرفی شد، اما در واقع شامل تمدید دوساله تا ۲۰۲۴ به‌همراه یک بند اختیار برای سال سوم بود. به ادعای پاری‌سن‌ژرمن، فعال شدن این بند، مزایای مالی بزرگی از جمله پاداش وفاداری و تمدید برای امباپه به همراه داشت. اما در ژوئن ۲۰۲۳، نامه‌ای از سوی این بازیکن به باشگاه ارسال شد که در آن اعلام کرده بود قصد تمدید قرارداد را ندارد؛ نامه‌ای که باشگاه مدعی است عمداً با تأخیر ارسال شده تا امکان فروش او از بین برود. پس از این اتفاق، پاریسی‌ها نام امباپه را در فهرست فروش قرار دادند، او را از اردوی پیش‌فصل ژاپن کنار گذاشتند و حتی در هفته اول لیگ نیز به میدان نفرستادند. هدف باشگاه روشن بود؛ یا تمدید قرارداد یا جلوگیری از جدایی رایگان ستاره فرانسوی. در همین مقطع، مدیران پاری‌سن‌ژرمن مدعی شدند در آگوست ۲۰۲۳ توافقی «غیررسمی» با امباپه حاصل شده که براساس آن، اگر قراردادش تمدید نشود، بخشی از مطالبات مالی خود را ببخشد؛ ادعایی که وکلای امباپه آن را «داستانی خیالی» خوانده و به‌طور کامل رد کرده‌اند.در نهایت، امباپه در پایان فصل ۲۴-۲۰۲۳ به‌صورت آزاد از پاریسی‌ها جدا شد و راهی رئال مادرید شد؛ اما اختلاف مالی حل‌نشده باقی ماند. تیم حقوقی امباپه می‌گوید، باشگاه تحت ریاست ناصرالخلیفی دست‌کم ۵۵ تا ۶۰میلیون یورو از دستمزد و پاداش‌های ماه‌های پایانی قرارداد را پرداخت نکرده و مجموع مطالبات او به ۲۶۳میلیون یورو می‌رسد. در مقابل، پاری‌سن‌ژرمن با شکایتی بی‌سابقه، درخواست غرامتی حدود ۴۴۰میلیون یورویی کرده و مدعی وارد شدن خسارت مالی سنگین به باشگاه شده است. این پرونده در ۱۷نوامبر در دادگاه کار پاریس بررسی شد و رأی آن قرار است ۱۶دسامبر اعلام شود. همزمان، دعوای جانبی دیگری نیز جریان دارد؛ چرا که لیگ حرفه‌ای فوتبال فرانسه پیش‌تر پاریسی‌ها را به پرداخت ۵۵میلیون یورو محکوم کرده بود، اما باشگاه قهرمان فصل گذشته اروپا این رأی را به چالش کشیده و صلاحیت لیگ را زیر سؤال برده است.

صدای آژیر خطر در شهرقدس

با خارج شدن ورزشگاه آزادی از چرخه مسابقات لیگ برتر به دلیل بازسازی، بازی‌های فوتبال در پایتخت با چالشی به نام زمین‌چمن بی‌کیفیت روبه‌رو شده است؛ موضوعی که جدا از خانه‌به‌دوشی تیم‌های پرهوادار استقلال و پرسپولیس، این کمبود زمین لیگ برتر را هم تحت تأثیر خود قرار داده است.

در حال حاضر ۳ ورزشگاه شهرقدس، تختی و دستگردی در تهران میزبانی مسابقات لیگ برتر در تهران را برعهده دارند که می‌توان گفت ورزشگاه تختی به دلیل کیفیت بد چمن قابلیت برگزاری مسابقات لیگ برتر را ندارد. در این بین شرایط در دو ورزشگاه دیگر متفاوت است و دستگردی و شهرقدس از نظر کیفیت چمن در شرایط خوبی هستند که البته برخی از محدودیت‌ها باعث می‌شود تا دیدار تیم‌های پرهوادار استقلال و پرسپولیس در ورزشگاه شهید دستگردی یا همان پاس برگزار نشود، علاوه بر این، کیفیت کنونی زمین چمن ورزشگاه شهرقدس نشان می‌دهد که این ورزشگاه نیازمند تنفس است و در صورتی که به آن فشار بیشتری وارد شود، چمن این ورزشگاه هم دچار مشکل خواهد شد.

کیفیت نامطلوب چمن ورزشگاه تختی هفته‌ها به تیتر یک اخبار ورزشی تبدیل شده بود و مسئولان این ورزشگاه بارها وعده می‌دادند که کیفیت چمن تختی را به حد مطلوب می‌رسانند؛ موضوعی که با وجود دریافت مبلغی کلان برای ترمیم چمن این ورزشگاه هرگز محقق نشد تا اینکه وزارت ورزش و جوانان استان تهران علی جوادی را کنار گذاشت و حبیب ستودهنژاد را جایگزین او کرد. شاید جدایی جوادی باعث شود تا شوک مثبتی به این ورزشگاه وارد شده و شرایط چمن این ورزشگاه تغییر کند. «ایران ورزشی» برای اطلاع از شرایط این ورزشگاه چندین‌بار با محمدرضا مجیدی، مدیر ورزشگاه تختی تماس گرفت که او هربار اعلام داشت که در جلسه است. به نظر می‌رسد تنها راه‌حل مسئولان این ورزشگاه برای بالا بردن کیفیت چمن ورزشگاه تختی برگزاری جلسات پی‌درپی است! با تمام این تفاسیر وزارت ورزش و جوانان با تغییرات موجود به دنبال این است که کیفیت چمن ورزشگاه تختی را به حد مطلوب برساند تا این ورزشگاه به چرخه مسابقات لیگ برتر بازگردد.

ورزشگاه دستگردی یکی از ورزشگاه‌های تهران است که در هفته سیزدهم مسابقات لیگ برتر پذیرای دو تیم پیکان و پرسپولیس بود که البته این مسابقه به دلیل محرومیت هواداران پرسپولیس در ورزشگاه دستگردی برگزار شد وگرنه به دلیل موقعیت جغرافیایی، این ورزشگاه نمی‌تواند شاهد برگزاری دیدار تیم‌های پرهوادار استقلال و پرسپولیس باشد. البته این ورزشگاه از نظر کیفیت چمن در شرایط مطلوبی قرار دارد و می‌تواند میزبان تیم‌های کم هوادار باشد. مرادی یکی از مسئولان ورزشگاه دستگردی در خصوص کیفیت خوب این ورزشگاه اظهار داشت: «همان‌گونه که مطلع هستید هرکدام از استادیوم‌ها میزبانی از یک تیم را برعهده دارند اما ورزشگاه دستگردی این‌گونه نیست و در چند سال اخیر میزبان ۲ تا ۳ تیم بوده و حتی در برخی مواقع میزبانی از ۴ تیم را هم برعهده می‌گیرد، این در حالی است که هیچ کدام از استادیوم‌های پایتخت نمی‌توانند میزبان ۳ تیم باشند و در صورتی که این اتفاق بیفتد، شاهد افت کیفیت چمن ورزشگاه خواهیم بود.» او با اشاره به این موضوع که در حال حاضر کیفیت چمن ورزشگاه دستگردی در شرایط خوبی است، افزود: «این ورزشگاه میزبان دو تیم سایپا و هوادار است و این دو تیم به صورت ثابت مسابقات خود را در این استادیوم برگزار می‌کنند. ورزشگاه دستگردی خودکفا و خودگردان است و هیچ بودجه دولتی ندارد. این در حالی است که سایر ورزشگاه‌ها از بودجه دولتی بهره می‌برند. با وجود این، چمن این ورزشگاه‌ها دچار مشکل می‌شود. در سنوات گذشته موضوع میزبانی از تیم‌های استقلال و پرسپولیس مطرح بود که البته به دلیل برخی محدودیت‌ها ورزشگاه دستگردی نمی‌تواند میزبان تیم‌های پرهوادار پایتخت‌نشین باشد.»

مهدی روی دور خوشبختی

در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایسکاکیس» هر هفته با شور قرمز هواداران می‌لرزد، حالا نامی تازه روی لب‌هاست؛ مهدی طارمی. شنبه‌شب در دیداری که المپیاکوس برای حفظ جایگاهش در صدر جدول به چیزی جز برد نمی‌اندیشید، ستاره ایرانی تیم با درخشش خود آتش حمله‌های سرخ‌پوشان را شعله‌ور کرد. دقیقه ۶۰، طارمی از میان مدافعان آریس عبور کرد و با ضربه‌ای دقیق دروازه حریف را گشود؛ گلی که نه‌تنها سه امتیاز حیاتی برای تیم مندیلیبار به همراه داشت، بلکه موجب شد دوران تازه‌ای در خط حمله المپیاکوس برای مهدی آغاز شود.

اما درخشش مقابل آریس، تنها یک گل ساده نبود. آمار طارمی نشان می‌دهد که او به مرز آمادگی کامل رسیده است: ۸۹ درصد پاس سالم (۱۷ از ۱۹)، ۸۳ درصد دقت پاس در زمین حریف، یک شوت در چهارچوب، دو دوئل زمینی و یک پیروزی در نبرد هوایی. طارمی با نمره ۷.۲ در جمع بهترین بازیکنان میدان قرار گرفت و پس از پودنسه، کاشتینیا و نزولاکیس چهارمین بازیکن برتر دیدار بود.

این دومین هفته متوالی است که طارمی در ترکیب اصلی المپیاکوس قرار می‌گیرد و دومین هفته‌ای که نام او در فهرست گلزنان می‌درخشد. در واقع، از زمانی که خوزه لوئیس مندیلیبار تصمیم گرفت نقشی متفاوت به مهاجم ایرانی بدهد، مسیر فنی تیم یونانی دستخوش تغییر مثبت شده است. مندیلیبار سرمربی باتجربه اسپانیایی، در ابتدا طارمی را به عنوان بازیکنی مکمل برای ایوب الکعبی جذب کرده بود؛ مهاجمی مراکشی که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های المپیاکوس تبدیل شده است. الکعبی با سابقه‌ای پربار در گلزنی، چنان جایگاهی بین هواداران دارد که نیمکت‌نشینی‌اش تقریباً غیرقابل تصور است. از همین رو، مأموریت اولیه طارمی دشوار به نظر می‌رسید: درخشش در تیمی که یک ستاره باثبات در نوک حمله دارد.

اما مندیلیبار خیلی زود متوجه شد که راهکارش برای بهره‌برداری از توانایی‌های طارمی، تغییر در نقش اوست نه تغییر در سیستم تیم. او بدون دست‌زدن به ساختار همیشگی ۱-۳-۲-۴ المپیاکوس، طارمی را از نوک حمله به پست هافبک نفوذی منتقل کرد؛ جایی درست پشت سر ایوب الکعبی. این تغییر، نتیجه‌ای فوق‌العاده داشت. در دیدار سنتی برابر آ.ا.ک آتن، طارمی نخستین‌بار در این پست جدید به میدان رفت و بلافاصله درخشید. او با یک گل تماشایی و نمایش هوشمندانه، نمره عالی ۸.۳ را از کارشناسان گرفت و عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. همین عملکرد کافی بود تا مندیلیبار در بازی بعدی مقابل آریس نیز دوباره به ترکیب مشابه اعتماد کند. طارمی باز هم پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را با گل و دوندگی مثال‌زدنی داد. نکته جالب اینجاست که در فاصله کوتاهی، طارمی از بازیکنی ذخیره به یکی از عناصر اصلی ترکیب المپیاکوس تبدیل شده است. آمارش گویای همه چیز است: در شش حضور در سوپرلیگ یونان، که تنها دو بازی آن فیکس بوده، او موفق شده ۴ گل بزند و یک پاس گل بدهد. یعنی به طور میانگین، هر ۳۸ دقیقه یک تأثیر مستقیم روی گل‌های تیمش دارد؛ آماری در سطح مهاجمان تراز اول اروپا.

در سوی دیگر، ایوب الکعبی با ۹ بازی، ۶ گل و یک پاس گل عملکردی ثابت و قابل‌اتکا دارد. اما تفاوت میان دو مهاجم، نه در تعداد گل‌ها، بلکه در نحوه اثرگذاری بر تیم است. الکعبی همچنان تمام‌کننده اول تیم به شمار می‌رود، اما طارمی در نقش جدید خود تبدیل به مغز متفکر خط حمله شده است؛ بازیکنی که هم فضا می‌سازد، هم پاس می‌دهد و هم در موقعیت‌های کلیدی، با هوش بالا گل می‌زند. این روزها در آتن، صحبت از یک زوج تازه است؛ زوجی ایرانی ـ مراکشی که درک متقابلی در زمین دارند. الکعبی در نقش تمام‌کننده و طارمی در نقش بازیساز هجومی، ترکیبی ساخته‌اند که مدافعان یونانی به سختی می‌توانند متوقفش کنند. هواداران المپیاکوس حالا دیگر طارمی را نه به عنوان «جانشین الکعبی»، بلکه به عنوان مکملی ارزشمند و ستاره‌ای تازه در قلب تیم‌شان می‌شناسند. اگر این روند ادامه پیدا کند، شاید خیلی زود نام مهدی طارمی همان‌قدر که در پورتو بر سر زبان‌ها بود، در آتن هم با شور و افتخار فریاد زده شود.

ستارگان کلبا روی نوار ناکامی

برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال، یک باشگاه خارج از ایران پنج بازیکن ایرانی را همزمان در ترکیب خود دارد، اما نتیجه آن، چیزی جز ناکامی و سرخوردگی نبوده است. الاتحاد کلبا که در ابتدای فصل با هزینه‌ای سنگین سراغ ستاره‌های لیگ برتر ایران رفت و جمعی از ملی‌پوشان را به امارات آورد، حالا پس از گذشت ده هفته از لیگ ادنوک، در میانه‌های جدول سرگردان است و نشانی از تیمی مدعی ندارد. روز شنبه در ورزشگاه شیخ حمدان بن‌زاید، تیم الظفره با نمایشی برتر، میزبان خود الاتحاد کلبا را با نتیجه ۳ بر صفر شکست داد؛ شکستی سنگین و ناامیدکننده برای تیمی که با حضور بازیکنانی چون احمد نوراللهی، سامان قدوس و شهریار مغانلو امید زیادی به تغییر سرنوشتش داشت. در این مسابقه که با حضور بیش از ۱۴۰۰ تماشاگر برگزار شد، قدوس مثل همیشه در ترکیب اصلی حضور داشت اما در دقیقه ۷۰ تعویض شد؛

روزنامه مرز اقتصاد
اقتصادی، اجتماعی
www.marzeghtesad.ir
۸
یکشنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۴ • شماره ۸۲۱
www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین
مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی
چاپ: جام جم
آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰
گستره توزیع : سراسری
شرکت توزیع : نشر گستر

استاندار و امام جمعه نمی‌توانند کنسرت لغو کنند

سریال لغو کنسرت‌ها در ماه‌های اخیر دوباره تکرار شده و فعالان عرصه موسیقی را نگران کرده است. از لغو کنسرت سیروان خسروی در کاخ نیاوران و اسپیناس پالاس گرفته تا توقف اجرای عرفان طهماسبی در خوزستان اتفاقاتی بوده که در همین ایام افتاده است. این در حالی است که حدود دو سال پیش سند موسیقی تدوین شد و این نوید را می‌داد که بسیاری از این مشکلات حل‌وفصل شود و البته انتقادهایی هم برانگیخته بود و برخی معتقد بودند باید اصلاحاتی در آن انجام شود.استاندار و امام جمعه نمی توانند کنسرت لغو کنندکارشناسان معتقدند در تنظیم این سند، از هنرمندان دعوت نشده است و قانون‌گذاران به‌همراه مدیران موسیقی، الفبای این سند را نگاشته‌اند.

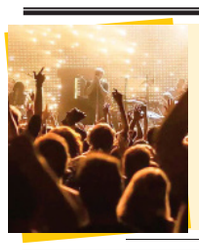

کلکسیون رانت در بازار نهاده

مرتضی اکبری-واردات نهاده به یک پروسه بسیار پیچیده تبدیل شده است؛ فرآیندی که در آن برخی افراد با ایجاد انحصار، علاوه بر دستیابی به درآمدهای نجومی، به قیمت‌گذار در بازار تبدیل شده‌اند.

قدرت این گروه اندک تا این حد است که با وجود تاکید مداوم مقامات عالی کشور مبنی بر لزوم تامین پایدار خوراک دام و طیور، در هفته‌های اخیر همچنان اختلال جدی در روند واردات مشاهده می‌شود. با این حال متهم اصلی این مشکلات نه افراد سودجو، بلکه ساختار نهادی ایجادکننده فساد است. استفاده از اختلاف نرخ ارز ترجیحی با نرخ بازار آزاد و همچنین اولویت‌بخشی به شرکت‌های خاص برای تخصیص ارز از طریق امضاهای طلایی، بستر را برای ویژه‌خواری فراهم کرده است. در این بین بازنده این کلکسیون رانت، تولیدکنندگان واقعی و مردم به‌عنوان مصرف‌کنندگان نهایی هستند که این سازوکار در ابتدا به بهانه حمایت از آنها طراحی شده بود.

چالش تامین نهاده دامی در سال جاری به قدری شدت گرفت که شاهد ورود مسوولان رده‌بالای کشور برای حل این بحران بودیم. وعده‌های بسیاری نیز برای رفع این چالش در کوتاه‌مدت داده شد؛ با وجود این همچنان کمبود در این بازار جدی است. کاهش سهمیه وزارت جهاد کشاورزی برای دریافت ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۴ یکی از دلایل اصلی بروز کمبود در این بخش است. بروز انحصار در واردات نهاده‌های دامی توسط شرکت‌های محدود از دیگر دلایل بروز اخلال در تامین نهاده‌های دامی است. سهم هر شرکت از بازار وارداتی به سادگی با رصد آمار تخصیص ارز به شرکت‌های مختلف قابل بررسی است. در این سال‌ها عملا بیشترین سهم واردات نهاده به چند شرکت محدود اختصاص یافته است. درهمین‌حال شرکت‌های کوچک و متوسط نیز از روند واردات حذف شده یا سهم آنها بسیار محدود شده است.

تلاش برای واردات حداکثری نهاده‌های دامی از آنجا نشات می‌گیرد که این محصولات مشمول دریافت ارز ترجیحی هستند، در شرایطی که قیمت دلار ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی است، ارز در تالار اول مرکز مبادله در محدوده ۷۳ هزار تومانی معامله می‌شود. در این بین، چالش تامین نهاده، چرخه تولید گوشت و مرغ را مختل کرده و تداوم آن امنیت غذایی شهروندان را با تهدید مواجه کرده است. مساله اثرگذاری عده‌ای خاص در بازار محصولات نهاده‌های دامی در هفته‌های اخیر به‌قدری شدت گرفته که وزیر جهاد کشاورزی در این رابطه اظهار کرده است: «۵میلیون تن کالای اساسی در بنادر داریم که وارد کشور نمی‌شود. از شرکت‌های واردکننده خواسته‌ایم این نهاده‌ها را برای توزیع در اختیار وزارت جهاد قرار دهند و مبلغ آن را پرداخت کنیم. اما عده‌ای قبول نمی‌کنند».

بازار نهاده‌های دامی در ایران پس از شدت گرفتن فشار تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران، همواره با تنش مواجه بوده است. در این میان شاهد شکل گیری شبکه‌هایی محدود از واردکنندگان و همچنین انحصار در واردات و توزیع این محصولات در بازار داخلی بوده‌ایم. در این میان سیاست حذف ناگهانی ارز ترجیحی برای برخی محصولات که توسط دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۱ نیز اجرایی شد، نه‌تنها نقشی در کاهش انحصار در این بخش نداشت، بلکه بر بار مشکلات صنعت تولید گوشت و مرغ افزود. تاجایی که در دوره‌هایی فعالان صنعت دامپروری ناچار به کشتار دام مولد خود شدند. این دست سیاست‌ها به بروز شوک‌های قیمتی قابل‌توجه و بروز لطمات جدی به زندگی مردم منجر شد.

در ادامه باید تاکید کرد که عملکرد وزارت جهاد کشاورزی نیز در سال‌های اخیر در تامین و توزیع نهاده‌های دامی و همچنین مدیریت منابع ارزی تخصیص یافته به این سازمان، مطلوب نبوده است. کما اینکه در ماه‌های اخیر گلایه‌های بسیاری از خالی‌فروشی حتی در سامانه بازارگاه به گوش رسیده است. در طول ماه‌های اخیر و با تشدید کمبود در تامین نهاده‌های دامی، سران قوا و سیاستگذاران در بالاترین رده، وعده رفع این کمبود را در کوتاه‌ترین زمان دادند. اما با وجود وعده مسوولان و ورود مقامات عالی‌رتبه در رابطه با مساله رفع بحران کمبود نهاده دامی، همچنان این مشکل پابرجاست. حال این سوال مطرح می‌شود که این مشکل از بی‌عملی نهادها برای اجرای وعده مسوولان نشأت می‌گیرد یا رانت‌خواران تا این حد قدرت دارد که با وجود دستور مقامات همچنان در بازار اختلال ایجاد کند؟

در نیمه آبان ماه سیدمهدی طباطبایی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور در صفحه مجازی خود نوشت: «توجه به وضعیت معیشت و سفره مردم، دغدغه دائمی رئیس‌جمهور است. با همین حساسیت مساله نهاده‌های دامی و نیاز تولیدکنندگان مرغ و دام با حضور اعضای اقتصادی دولت، بیش از نیمی از استانداران سراسر کشور و روسای قوه مجریه و مقننه به نتیجه رسید. تقلای مافیا بیهوده است، پزشکیان بیدار است.» در ادامه در تاریخ بیستم آبان ماه وزارت جهاد کشاورزی خبر از ورود مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری به مساله تامین ارز نهاده‌ها و کالاهای اساسی داد. با این‌وجود هنوز چالش در این بخش ادامه دارد.

تصمیم سران قوا برای رفع مشکلات ارزی نهاده‌های دامی نیز از سوی غلامرضا نوری‌قزلجه، وزیر جهاد کشاورزی، در آبان‌ماه داده شد. وی تاکید کرد: خوشبختانه با تصمیم مساعد سران محترم قوا، کل ارز مورد نیاز برای تامین نهاده‌های دامی کشور تا پایان سال تامین شده است. بنابراین تامین‌کنندگان نهاده‌های دامی از امروز (بیست‌ویکم آبان) می‌توانند با مراجعه به شرکت‌های دولتی وزارت جهاد کشاورزی، معرفی‌نامه مربوط برای دریافت ارز با همان نرخ جاری ترجیحی را دریافت کنند. تولیدکنندگان عزیز در جریان باشند که هیچ مشکلی در تامین نهاده‌های دامی وجود نخواهد داشت.

گفتنی است رئیس قوه قضائیه نیز بیش از یک ماه قبل با دستور قاطع به رئیس سازمان بازرسی کل کشور و دادستان کل، خواستار رسیدگی فوری به افزایش بی‌رویه قیمت نهاده‌های دامی شد. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای از رئیس سازمان بازرسی کل کشور خواست با همکاری معاونان و واحدهای استانی، ریشه تخلفات در واردات، توزیع و نظارت بازار را شناسایی کند و پرونده‌های متخلفان را برای برخورد قانونی در اسرع وقت تکمیل نماید. در ادامه دادستان کل کشور دستور ویژه برای پیگیری علل اختلال در تامین نهاده‌های دامی را صادر کرد. در این میان وزیر جهاد کشاورزی نیز طی هفته‌های گذشته بارها وعده رفع مشکل تامین نهاده‌های دامی را مطرح کرده است. حال هم که هیچ‌کدام از این وعده‌ها نتیجه‌بخش نبوده، صحبت از اخلالگران قدرتمند در واردات نهاده‌های دامی مطرح می‌شود.

مسیر افزایش انحصار در بازار

داود رنگی، رئیس هیات‌مدیره اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دام و طیور تهران، در گفت‌وگو با «دنیای‌اقتصاد» درخصوص شدت گرفتن چالش‌های تامین نهاده‌های دامی در هفته‌های اخیر و شائبه بروز رانت و انحصار در این بخش گفت: در سال‌های اخیر برخی از شرکت‌ها به دنبال افزایش سهم خود از بازار تامین نهاده‌های دامی بوده‌اند. این سهم‌خواهی را هم با راهکارهای مختلفی از جمله تلاش برای خروج مجموعه‌های کوچک‌تر واردکننده نهاده‌های دامی دنبال کرده‌اند. دامپینگ فروش کالا در بازار داخلی و کسب سهم حداکثری به هر روشی، از مهم‌ترین ترفندهای این مجموعه‌ها بوده است. نفوذ این دست افراد تاثیر بسزایی در کمبود جدی نهاده در بازار کشور داشته است. این عضو اتاق بازرگانی ایران افزود: با وجود این هیچ‌گاه در سال‌های گذشته شاهد بروز انحصار مطلق از سوی یک مجموعه در بازار نهاده‌های دامی نبوده‌ایم. هرچند در برخی دوره‌ها نفوذ و اثرگذاری برخی شرکت‌ها بیشتر شده است. کما اینکه در حال حاضر شرکت‌های عضو اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دام و طیور ایران، سهم ۵۰ درصدی از بازار این محصولات را در اختیار دارند.

رئیس هیات‌مدیره اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دام و طیور تهران در تشریح دلایل دیگر بروز کاستی جدی در تامین نهاده‌های مورد نیاز کشور در ماه‌های اخیر گفت: کمبود ارز یکی از دلایل بروز چالش در این بخش است. سال گذشته و در جریان تصویب بودجه سال ۱۴۰۴، ارز ترجیحی تخصیص یافته به وزارت جهاد کشاورزی از ۱۱,۵میلیارد دلار به ۸,۲میلیارد دلار کاهش یافته است. با وجود روند کاهش ارز تخصیص یافته به وزارت جهاد کشاورزی، هیچ پرسشی درخصوص تامین کسری نیازهای ضروری کشور در این بخش مطرح نشد. وی افزود: در لایحه نخست بودجه پیشنهادی دولت به مجلس شورای اسلامی، پیشنهاد شد که بهای ارز ترجیحی متناسب با شرایط تعدیل و به ۳۷ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یابد. اما این افزایش اجرا نشد و مجددا مقرر شد نیازهای اساسی کشور با احتساب نرخ ارز ۲۸۵۰۰ تومانی تامین شود. این سیاست اشتباه، در تشدید کمبودهای ارزی در سال جاری نیز اثرگذار بود.

رئیس هیات‌مدیره اتحادیه واردکنندگان نهاده‌های دام و طیور تهران گفت: در شرایط یاد شده از وزارت جهاد کشاورزی انتظار می‌رفت ۲ اقدام را اجرایی کند. در درجه نخست آنکه برای افزایش سهمیه ارزی وزارتخانه تلاش کند. در ادامه نیز چنانچه با توجه به محدودیت‌های ارزی کشور، هیچ امکانی برای جبران کاهش سهمیه ارزی وجود نداشت، برای کاهش مصارف نهاده برنامه‌ریزی کند. با نگاه کلی به شرایط موجود و سیاست‌های اجرایی شده توسط وزارت جهاد کشاورزی از عدم آمادگی این نهاد برای مواجهه با کاهش تخصیص ارز ترجیحی و یا کاهش مصرف نهاده حکایت دارد.

رنگی گفت: سالانه بخش قابل‌توجهی از تولیدات تخم‌مرغ و همچنین محصولات لبنیاتی صادر می‌شود. تولید محصولات یادشده مشمول دریافت ارز ترجیحی است. صادرکنندگان نیز ارز حاصل از صادرات خود را در محدوده قیمتی ۷۰هزار تومانی تالار اول مرکز مبادله ارز و طلا، به کشور باز می‌گردانند. با توجه به محدودیت جدی پیش روی تخصیص ارز ترجیحی، اختصاص این امتیاز به صادرات، منطقی نیست. وی افزود: با توجه به شدت گرفتن فاصله قیمتی میان نرخ ارز در بازار آزاد و بازار رسمی، صادرات محصولات تولید شده با اتکا به ارز ترجیحی، در هر شرایطی سودآور می‌شود. به‌عنوان نمونه در ماه‌های گذشته به علت گران شدن لبنیات و کاهش قدرت خرید مردم، مقدار زیادی از شیر کشور به شیرخشک تبدیل و صادر شده است.

این عضو هیات نمایندگان اتاق ایران تغییر روش توزیع نهاده‌های دامی را از دیگر دلایل تشدید تنش در بازار طی هفته‌های اخیر دانست و گفت: در طول هفته‌های اخیر واردکنندگان نهاده‌های دامی موظف شده‌اند محصول خود را جهت توزیع به شرکت پشتیبانی امور دام تحویل دهند. شرکت پشتیبانی امور دام سابقه توزیع نهاده‌های دامی را دارد، اما زیرساخت لازم برای توزیع محصولات در چنین حجم گسترده‌ای را در اختیار ندارد. به علاوه آنکه برخی از تشکل‌های بدون سابقه و صلاحیت لازم، توزیع این نهاده‌ها را با تحمیل هزینه مضاعف به تولیدکننده بر عهده گرفته‌اند. در نتیجه در شرایطی که انبار گمرکات مملو از کالا است، توزیع کالا به کندی انجام می‌شود. بنابراین باید این‌طور نتیجه گرفت که تغییر سیستم توزیع، کمبود ارز و عدم تخصیص به موقع همین ارز کم به واردکننده در ماه‌های اخیر چالش برانگیز شده است.

ضرورت اصلاح رویه وزارت جهاد کشاورزی

علی رضوانی‌زاده عضو سابق هیات نمایندگان اتاق ایران در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» و در ارزیابی بروز کمبود در بازار نهاده‌های دامی گفت: سیاست کاهش تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی، درست و منطقی بوده، اما در عمل به شکل نادرستی اجرایی شده و اکنون شاهد تبعات آن در بازار نهاده‌های دامی و تولید محصولات کشاورزی هستیم. وی افزود: سیستم ثبت‌سفارش برای واردات کالا، تخصیص ارز، واردات و توزیع آن در کشور شاید به‌ظاهر یکپارچه به‌نظر برسد، اما در عمل سلیقه‌های متفاوتی در آن نقش دارد و اثرگذار است.. نبود وحدت رویه در سیاست‌های وارداتی از نبود تخصص میان تصمیم‌گیران و سیاستگذاران نشات می‌گیرد. در همین‌حال این رویه به بروز فساد و چالش در بازار نیز منتهی می‌شود.

رئیس کمیسیون کشاورزی دوره دهم اتاق بازرگانی ایران گفت: تفاوت نرخ ارز ترجیحی با قیمت دلار در مراجع رسمی از جمله مرکز مبادله ارز و طلا و همچنین بهای فروش آن در بازار آزاد، عامل بروز رانت و فساد است. وی از رویه ثبت‌سفارش ورود کالا به کشور گله کرد و افزود: ایران در سال‌های اخیر به عضویت اتحادیه اوراسیا درآمده است. کشورهای این اتحادیه از توان بالایی برای تامین نهاده‌های دامی مورد نیاز ایران برخوردارند. چنانچه ایران نیز در عمل متعهد به تجارت آزاد با این منطقه باشد، می‌توان بدون فرآیند ثبت‌سفارش و همچنین بدون دریافت ارز ارزان، واردات نهاده دامی از این کشورها را در دستور کار قرار داد.

رضوانی‌زاده با اشاره به اقدامات دولت برای رفع کمبود حاکم بر بازار نهاده افزود: در روزهای گذشته دولت به استانداران اجازه داده با مشارکت بخش خصوصی محلی و رایزنی با کشورهای همسایه نهاده دامی به کشور وارد کنند. حال در صورت وجود ارز و چنانچه امکان واردات به همه متقاضیان این بخش اعطا شود، کمبودهای حاکم بر بازار نهاده و سایر کالاهای اساسی مرتفع خواهد شد. چنانچه ارز کافی برای این مساله تامین نشود، دولت باید تفاوت قیمتی میان ارز ترجیحی و ارز پرداختی واردکننده را تامین کند. در این صورت کمبودهای حاکم بر این بخش، مرتفع خواهد شد. به این ترتیب هر واردکننده‌ای می‌تواند اقدام به تامین کالاهای اساسی مورد نیاز کشور کند و انحصار حاکم بر این بخش، شکسته خواهد شد. وی افزود: همچنین دولت می‌تواند ارز ترجیحی تخصیص یافته به واردکنندگان را حذف و حمایت از اقشار کم‌درآمد را به روش‌های دیگری همچون کالابرگ، منتقل کند.

الزام به تغییر روش‌های تخصیص یارانه برای تامین کالاهای اساسی در شرایطی پیشنهاد می‌شود که بخش بزرگی از دامداری‌های کشور با چالش‌های جدی مواجه هستند و عملا حیات آنها تهدید می‌شود.

سالانه بخش قابل‌توجهی از تولیدات تخم‌مرغ و همچنین محصولات لبنیاتی صادر می‌شود. تولید محصولات یادشده مشمول دریافت ارز ترجیحی است.

اینفوگرافیک

ذهن ما مدام میان نوتیفیکیشن‌ها، پیام‌ها و اخبار فوری سرگردان است و نمی‌تواند چند دقیقه پشت سر هم روی یک موضوع بماند. در صورتیکه ذهن انسان برای بمباران اطلاعاتی طراحی نشده است، از این‌رو هرچقدر بتوانیم ذهن و توجه را دوباره در «اکنون» مستقر کنیم، آرامش، کارایی و کیفیت زندگی بهبود می‌یابد.

عکس نوشت

برداشت سیب از باغات مراغه

کارتون

مراسم رونمایی از گزارش سالانه نقض حقوق بشر در آمریکا و انگلیس

نسخه ایرانی تئاترهای معروف لندن

نمایش موزیکال «الیور توئیست» به کارگردانی حسین پارسایی میزبان بیش از ۷۰هزار مخاطب شد تا یک بار دیگر این نکته به اثبات برسد که مردم حتی در شرایط سخت اقتصادی هم حاضرند به تماشای یک اثر موفق بنشینند. اجرای چندباره این نمایش در ایران یادآور اجراهای تاریخی چند نمایش مشهور در دنیاست.

«تله موش» اثر معمایی و مهم آگاتا کریستی که به‌عنوان پراجراترین نمایش‌نامه جهان شناخته می‌شود، بیش از ۷۰ سال است که هر شب در لندن روی صحنه می‌رود و از آن به عنوان یکی از جاذبه‌های مهم لندن نام می‌برند و گردشگران سعی می‌کنند تا آنجا که مقدور است تماشای آن را از دست ندهند. «تله موش» اولین بار سال ۱۹۵۲ در وست‌اند لندن روی صحنه رفت و تا زمانی که کووید تئاترها را به تعطیلی کشاند، بی‌وقفه در حال اجرا بود و بعد از دوران کرونا دوباره اجراهایش را شروع کرد.

نمایش موزیکال «بینوایان» نوشته ویکتور هوگو هم از آن دسته کارهایی است که چند دهه است در حال اجراست و همچنان مخاطبان زیادی را جذب می‌کند. این نمایش قرار است چهلمین سال اجرایش در «وست اند» را در روزهای آینده جشن بگیرد.

همچنین نمایش موزیکال «شبح اپرا» سال ۱۹۸۶در وست‌اند روی صحنه رفت و در سال ۱۹۸۸ در تئاتر برادوی به اجرا درآمد و رکورد طولانی‌ترین زمان روی صحنه بودن در برادوی را به خود اختصاص داده است.

حالا بعد از سال‌ها به نظر می‌رسد در ایران هم اتفاقات فرهنگی مهمی افتاده که می‌تواند چنین وضعیتی را در تئاتر به وجود بیاورد و مثلا شهرهای گردشگرپذیر هم هویت فرهنگی خاص پیدا کنند. هرچند این مساله به سازوکار و تبلیغ قابل توجه نیاز دارد اما امکان وقوع آن دور از تصور نیست. در سال‌های اخیر با توسعه سالن‌های خصوصی در ایران تئاتر دوران جدیدی را آغاز کرد و روزانه آثار زیادی در تهران و سایر شهرستان‌ها روی صحنه می‌روند که در این میان برخی با اقبال روبه‌رو می‌شوند و برخی نیز در گیشه شکست می‌خورند.

در این وضعیت برخی نمایش‌ها در سالن‌های مختلف اجرا شده‌اند و هر بار هم توانسته‌اند در جذب مخاطب موفق عمل کنند. «الیور توئیست» یکی از همان‌هاست و شاید بتوان از آن به عنوان نسخه ایرانی نمایش‌هایی همچون «شبح اپرا» و «بینوایان» یاد کرد.

رمان مطرح چارلز دیکنز از زمان نگارش تاکنون بارها و بارها مرجع اقتباس آثار نمایشی بوده است. از زمانی که سینما وجود خارجی نداشت در نمایش‌ها همیشه پای ثابت قصه‌های محبوب بود تا بعدتر که سینما آمد و در این مدیوم هم بارها ساخته شد و مورد اقبال تماشاگران قرار گرفت. اتفاق جالب، اما زمانی رخ داد که دوازده سال پس از «الیور توئیست» مشهور به کارگردانی دیوید لین، آهنگساز شهیر انگلیسی که دستی بر قلم داشت تصمیم گرفت نسخه موزیکالی از اثر جاودانه دیکنز آماده کند و به این ترتیب لیونل بارت در سال ۱۹۶۰نسخه موزیکال «الیور توئیست» را ارائه داد و نام آن را «الیور» گذاشت. هشت سال پس از انتشار این اثر کارول رید بر اساس همین نسخه و با همین نام فیلمی موزیکال ساخت که در آنکار آن نگال هم مورد توجه قرار گرفت.

حسین پارسایی برای اولین تجربه موزیکالش در تئاتر همین فیلم «الیور» را منبع قرار داد و به این ترتیب برگردان موزیکال بارت از شاهکار دیکنز با بازی ستاره‌ها را با تمرین‌های طولانی در سال ۱۳۹۶روی سن تالار وحدت برد که با اقبال گسترده روبه‌رو شد و سپس چند بار دیگر هم در این سال‌ها به اجرا درآمد.

حالا این نمایش با بازتولید کامل و بازطراحی نوین بخش‌های مختلف و دراماتورژی محمدرضا کوهستانی روی صحنه رفته و هزاران مخاطب را ظرف چند روز برای تماشا راهی باشگاه انقلاب کرده است. گروه تولید و کارگردانی این اثر اعلام کرده‌اند این نسخه درحالی‌که وفادار به متن اصلی و ساختار نمایشی سال ۱۳۹۶ باقی ماند، ولی در نمایش‌نامه و چند ترانه با تاکید بر دغدغه‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و واقعیت‌های تلخ زندگی انسان تغییرات جزئی داشته و از نظر طراحی‌های هنری تفاوت‌های چشم‌گیری با اجرای پیشین دارد.

براساس گزارش‌ها این نمایش در هفته‌های اخیر روزانه میزبان حدود ۶هزار مخاطب است و به دلیل استقبال مخاطبان برای روزهای ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۴ تمدید هم شده است. آنچه در این نمایش مورد استقبال قرار گرفته بداهه‌گویی‌های هوتن شکیبا در نقش شخصیت «فاگین» است و انتشار بخشی از این ویدئوها در فضای مجازی موج بزرگی راه انداخته است. این بازیگر در بخش‌هایی از نمایش با تذکر ممنوع بودن تصویربرداری از نمایش، به صورتی طنزآمیز با برخی تماشاگران معاشرت‌هایی دارد که به شکلی عجیب، در فضای مجازی پربیننده شده است.

هوتن شکیبا، بهنوش طباطبایی، بانیپال شومون، امیرکاوه آهنین‌جان، با حضور سیامک انصاری و کاظم سیاحی ایفاگر نقش‌های اصلی این نمایش هستند.